

صباح

تهیه و تنظیم :

کمیته فرهنگی الزهراء علیها السلام

شهرستان کرج



صحاہ

تہیہ و تنظیم

کمیٲہ فرہنگی الزہراؑ شہرستان کرج

صبح امید / کمیته فرهنگی الزهراء علیها السلام شهرستان کرج . - کرج: مؤسسه فرهنگی الزهراء علیها السلام؛ قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۶.
۱۴۴ ص.

ISBN 978 - 964 - 548 - 870 - 1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۱۳۵]-۱۴۴؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت. ۲. مهدویت در ادیان دیگر. ۳. محمد بن

حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - الف. مؤسسه فرهنگی

الزهراء علیها السلام شهرستان کرج. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه

قم. مؤسسه بوستان کتاب.

۲۹۷/۴۶۲

۲ ص / ۲۲۴/۴ BP

۱۳۸۶

صبح امید

تهیه و تنظیم: کمیته فرهنگی الزهراء علیها السلام شهرستان کرج

ناشر: کمیته فرهنگی الزهراء علیها السلام شهرستان کرج با همکاری

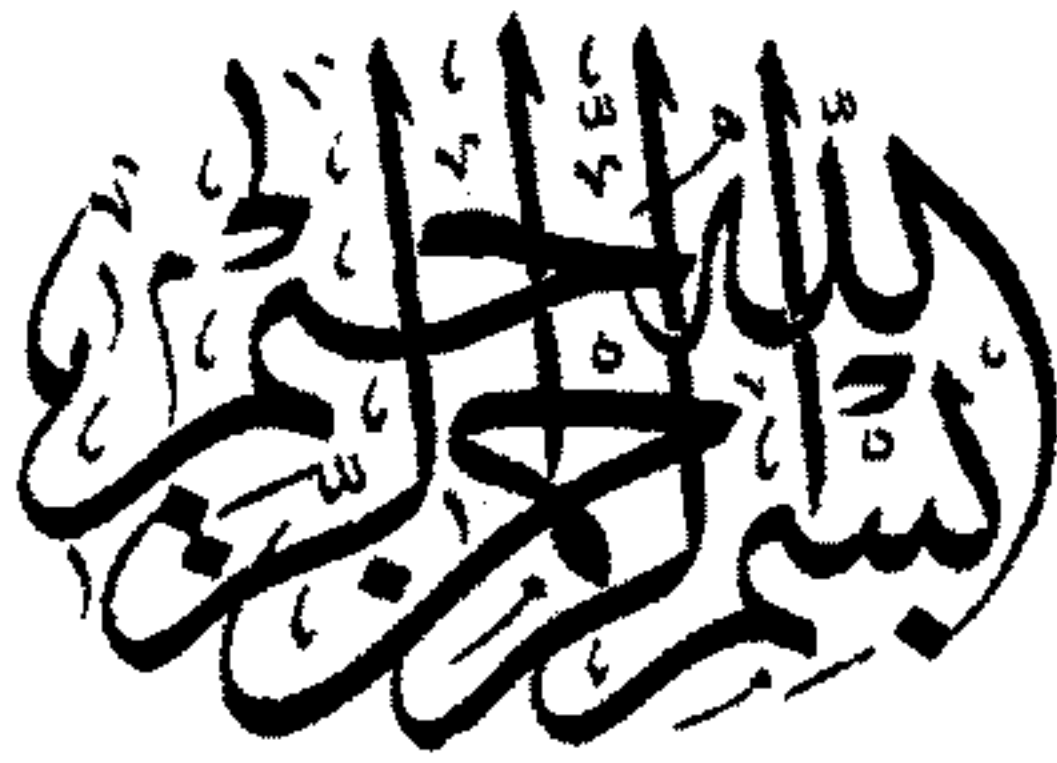
مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۰۰۰۰۰

حق چاپ محفوظ است





ای حال خورشید...
ای رافع تردید...

ای مادر مسک...

تخف دل بپذیر...

صبح امید که بد معنکف پرده غیب

گو برون آبی که کار شب ما را حرد
حافظ

تلفن و دورنگار ستاد مرکزی کمیته فرهنگی الزهراء علیها السلام:

۰۲۶۱-۲۵۴۲۶۲۶ - ۲۵۴۲۶۲۷

این اثر به صورت رایگان به منتظران حضرتش تقدیم می گردد

فهرست مطالب

۹ سرآغاز سخن
۱۱ فصل اول: شناخت امام زمان (عج)
۱۱ ۱. چه نیازی به شناخت امام زمان <small>علیه السلام</small> و وجود آن حضرت داریم؟
۱۳ محبت و دوستی امام <small>علیه السلام</small> ، مهم ترین اثر شناخت
۱۴ اما این که چه نیازی به وجود امام در هر زمان است؟
۱۵ ۲. دیدگاه یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان در مورد منجی چیست؟
۱۶ منجی از دیدگاه یهودیان
۱۸ منجی از نگاه مسیحیان
۱۹ منجی از دیدگاه زرتشتیان
۲۱ ۳. دیگر ادیان شرقی پیرامون ظهور مصلح جهانی چه عقیده‌ای دارند؟
۲۱ منجی از دیدگاه هندوها
۲۲ ۴. نظر سایر اقوام و ملل درباره نجات دهنده عالم چیست؟
۲۳ ۵. آیا در آیات نورانی قرآن سخنی از امام زمان <small>علیه السلام</small> به میان آمده است؟
۲۶ ۶. چرا نام امامان <small>علیهم السلام</small> از جمله امام زمان <small>علیه السلام</small> در قرآن نیامده است؟
۲۸ ۷. نمای کلی مهدویت در کتب شیعه و سنی چگونه است؟
۳۳ ۸. آیا در کتب اهل سنت روایاتی درباره وجود، ظهور و سیره امام مهدی <small>علیه السلام</small> وجود دارد؟
۳۸ ۹. شیعه و اهل سنت درباره حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در چه مواردی اشتراک دارند؟
۳۸ ۱. نسب حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۹ ۲. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۹ ۳. هم نام بودن مهدی با پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۴۰ ۴. نشانه های ظهور
۴۰ ۵. ویژگی های حکومت مهدی <small>علیه السلام</small>

- ۴۱ ۶ نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدای او به امام مهدی علیه السلام
- ۴۱ ۱۰. چه شباهت‌هایی میان پیامبران الهی علیهم السلام و امام مهدی علیه السلام وجود دارد؟
- ۴۲ ۱۱. ماجرای ازدواج امام حسن عسکری علیه السلام با شاهزاده رومی چگونه بوده است؟
- ۴۷ ۱۲. علت تولد پنهانی حضرت مهدی علیه السلام چه بوده و آیا این اتفاق پیش از آن سابقه داشته است؟
- ۵۰ ویژگی‌های جسمانی
- ۵۰ ۱۳. آیا ممکن است انسانی در سن کودکی به مقام نبوت یا امامت نائل شود؟
- ۵۱ نبوت حضرت عیسی علیه السلام در سنین کودکی
- ۵۲ دادن کتاب و مقام نبوت به حضرت یحیی علیه السلام در کودکی
- ۵۴ کودکان نابغه انسان‌هایی استثنایی
۱۴. آیا امکان دارد که یک انسان قرن‌ها زندگی کند؟ تا حضرت مهدی علیه السلام را مصداق چنین عمری بگیریم؟
- ۶۲ **فصل دوم: غیبت و انتظار**
- ۶۲ ۱۵. چرا امام زمان علیه السلام غائب است؟
- ۶۳ چگونگی غیبت
- ۶۴ ۱. حفظ جان امام زمان علیه السلام
- ۶۵ ۲. امتحان و آزمایش انسان‌ها
- ۶۵ ۳. آزاد بودن امام علیه السلام از بیعت با ستمگران
- ۶۶ ۱۶. فائده امام غائب چیست؟
- ۷۰ ۱۷. غیبت صغری به چه معناست؟
- ۷۲ ۱۸. نیابت خاص به چه معناست و برای چه صورت گرفته است؟
- ۷۳ ۱۹. مردم در دوره غیبت صغری توسط چه کسانی با حضرت ارتباط داشتند؟
- ۷۳ ۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمری
- ۷۴ ۲. محمد بن عثمان
- ۷۶ ۳. حسین بن روح
- ۷۶ ۴. علی بن محمد سمری
- ۷۷ ۲۰. بعد از چهار نماینده ویژه امام زمان (عج) مردم باید به چه کسانی مراجعه کنند؟
- ۷۸ نیابت عام
- ۸۰ ۲۱. انتظار فرج به چه معناست؟ و جایگاه آن در فرهنگ شیعه چیست؟

۲۲. نگرش امام خمینی علیه السلام در باره انتظار چه بوده است؟ ۸۲

۲۳. منتظران راستین آن حضرت دارای چه فضائل و خصوصیات اند؟ ۸۳

وظایف منتظران ۸۶

۱. شناخت امام زمان علیه السلام ۸۶

۲. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی علیه السلام ۸۷

۳. صبر بر سختی های دوران غیبت ۸۷

۴. پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی ۸۷

۵. پیروی از دستوره های ائمه علیهم السلام ۸۸

۶. دست گیری از ضعفا و فقیران ۸۹

۷. دعا برای فرج حضرت مهدی علیه السلام ۸۹

۸. انتظار شبانه روزی ۸۹

۹. حفظ پیوند با مقام ولایت ۹۰

۱۰. ارتباط با فقها و مراجع تقلید ۹۰

۲۴. درباره دعای ندبه توضیح دهید؟ ۹۰

۲۵. آیا حدیث نقل شده از امام زمان (عج) مبنی بر تکذیب مدعیان ملاقات با ایشان با اثبات دیدار برخی

از انسانهای شایسته با آن حضرت منافات دارد؟ ۹۱

فصل سوم: ظهور و قیام ۹۵

۲۶. ظهور امام زمان (عج) چه نشانه هایی دارد؟ ۹۵

نشانه های ظهور ۹۵

بررسی اجمالی نشانه های حتمی ۹۶

۱. نشانه های حتمی ۹۶

۲. نشانه های غیر حتمی ۹۷

توضیحی درباره نشانه های حتمی ۹۷

۱. خروج سفیانی ۹۷

۲. خشف به بیداء ۹۸

۳. خروج یمانی ۹۹

۴. قتل نفس زکیه ۱۰۰

۵. ندای آسمانی ۱۰۱

۲۷. آیا می توان زمان ظهور را تعیین کرد؟ ۱۰۱
- علم دقیق زمان ظهور نزد خداوند ۱۰۲
- تکذیب وقت گزاران ۱۰۳
- ناگهانی بودن ظهور مهدی عج ۱۰۳
۲۸. با وجود سلاحهای مدرن و بسیار مخرب در جهان، حضرت با چه سلاحی بر دشمنانش غلبه می کند؟ ۱۰۴
۲۹. یاران خاص حضرت مهدی عج چه کسانی هستند و چگونه اند؟ ۱۰۵
۳۰. نزول حضرت عیسی از آسمان و ارتباط آن حضرت با امام زمان (عج) چگونه خواهد بود؟ ... ۱۰۹
- فصل چهارم: حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)** ۱۱۲
۳۱. حکومت جهانی حضرت مهدی عج چگونه است؟ ۱۱۲
۳۲. روش حکومتی حضرت مهدی عج چگونه خواهد بود؟ ۱۱۴
۳۳. برنامه های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در حکومت حضرت به چه شکل خواهد بود؟ ۱۱۶
۱. برنامه های فرهنگی ۱۱۷
۲. برنامه های اقتصادی ۱۱۸
۳. برنامه های اجتماعی ۱۱۹
۳۴. چه تفاوتی بین جامعه جهانی پس از ظهور با پیش از آن وجود دارد؟ ۱۲۰
- فصل پنجم: رجعت و فرجام جهان** ۱۲۲
۳۵. منظور از رجعت چیست؟ ۱۲۲
۳۶. دلایل قرآنی و روایی بر رجعت چیست؟ ۱۲۳
- اما دسته نخست ۱۲۳
- دسته دوم آیات مربوط به رجعت در آخر الزمان ۱۲۵
۳۷. اعتقاد به رجعت چه فایده ای دارد؟ ۱۲۷
۳۸. چه کسانی رجعت می کنند؟ ۱۲۸
- دسته نخست ۱۲۸
- دسته دوم ۱۲۹
۳۹. اولین کسی که رجعت می کند کیست؟ ۱۳۱
۴۰. بعد از امام زمان (عج) تا فرجام عالم، جهان چگونه اداره خواهد شد؟ ۱۳۲
- کتاب نامه** ۱۳۵

سرآغاز سخن

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛^۱ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی (شرک و الحاد) از دنیا رفته است. باور «مهدویت»، آفتابِ زندگی بخشی است، که جوانه‌های سرشارِ زندگی پیروان اهل بیت علیهم السلام با اشعه‌های زیبای آن، شادابی و بالندگی یافته است. «مهدویت» میوه ارجمند همه پیامبری‌هاست. سرچشمه سرشار همه برکت‌ها و جلوه گاه آفاق آفرین همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست.

چشم‌اندازی است جاذبه دار و زیبا، پیش روی جهان، و به جهان پیش رو. امیدی است دگرگون کننده و لذت بخش، به روزگار آینده و آینده روزگار. رویکردی است جدی و نوید بخش، به انسان آینده و آینده انسان.

«مهدویت»، باور به سپیده دمی است، که آموزه‌های آفتاب گون داد و دادگری، تمام گستره کره خاکی را به پرتو خود روشن نماید.

... و «صبح امید»، گامی است ژرف کاوانه و باور زا، هر چند کوچک و کوتاه، اما دیگرگون، در این گل زار خوش بو و بی پایان؛ باشد تا پذیرفته طبع نازکی نو نگران و نواندیشان افتد.

بالطف الهی و در ظل توجهات حضرت بقیه الله الاعظم اروحنا فداء و با توجه به استقبال کم نظیر از کتاب چهل حدیث فاطمی علیها السلام و شرکت بیش از شش هزار نفر از جوانان شهرستان کرج در مسابقه حضوری حافظان چهل حدیث فاطمی و هم چنین استقبال از کتاب چشمه

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۹۹ ح ۹؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۸ مناقب ابن شهر آشوب ج ۳، ص ۲۱۷.

عشق و شرکت نزدیک به پانزده هزار نفر از جوانان غرب استان تهران در مسابقه بزرگ حضوری چشمه عشق، بنا به درخواست جمع کثیری از شرکت کنندگان و دلسوزان مبنی بر ادامه این گونه فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی بر آن شدیم تا پیرامون سوال‌ها و شبهه‌ها در باره مهدویت نوشتاری را تهیه و تنظیم و در سطح استان تهران و برخی شهرستان‌ها، تقدیم منتظران آن مصلح کل نماییم.

ضمناً از این کتاب مسابقه بزرگی همراه با جوایز بسیار ارزنده و نفیس برگزار خواهد شد که توضیحات مربوط به آن در انتهای کتاب آمده است.

هم چنین بر خود لازم می‌دانیم از مراجع عظام و همه عزیزانی که ما را در محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به ویژه اساتید فرزانه و بزرگوارمان در حوزه علمیه قم و محققین ارزشمند دو مرکز پژوهشکده انتظار نور، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی، و مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم که کمک شایانی در این مورد نمودند تشکر و سپاسگذاری نمائیم. و نیز از همه عزیزانی که در طبع این اثر و تأمین جوایز مسابقه ما را یاری نموده‌اند به ویژه وزارت جهاد کشاورزی، وزارت کشور، شورای اسلامی و شهرداری شهرستان کرج، رادیو البرز، علما، مسئولین و مردم شهیدپرور و خیر کرج و مسئولین شهرهای غرب استان تهران قدردانی می‌نمائیم.

سر آغاز این کتاب را با کلامی بسیار زیبا و رسا از مقام معظم رهبری (مدظله) در مورد اهمیت طرح مباحث مهدویت در این زمان به پایان می‌بریم.

ایشان فرمودند: «در مقابل دشمن در جهت اعتماد و عمل و تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویت حرکت کنیم»^۱

باشد که مطالعه این اثر و تعمق و تدبر در محتوای آن، خواننده را به کشف حقایق رهنمون سازد.

امید است همگان مورد شفاعت شفیعہ محشر حضرت صدیقہ کبری علیها السلام قرار گیریم.

غدیر ۸۶

کمیته فرهنگی الزهراء علیها السلام

شهرستان کرج

شناخت امام زمان (عج)

۱. چه نیازی به شناخت امام زمان علیه السلام و وجود آن حضرت داریم؟

آموزه‌های آفتاب‌گون قرآن و معارف دریاوش مکتب اهل بیت علیهم السلام به ما می‌آموزد که هدف از آفرینش، بندگی خداوند است.^۱ و اساس و پایه این بندگی، شناخت پروردگار است.^۲ و عالی‌ترین تبلور این شناخت، در معرفت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و اوصیای او است. زیرا انسان از راه این بزرگان آموزه‌های دینی را فرامی‌گیرد و از همین دانش و آگاهی‌ها به خدای متعال شناخت پیدا می‌کند.

حقیقت یادشده به زیبایی تمام، در فرمایش امام باقر علیه السلام منعکس شده است که فرمود:
همانا کسی خدا را بندگی می‌کند که از او شناخت داشته باشد... [مراد از شناخت خدا] تصدیق خدا و رسولش و پیروی از علی علیه السلام و امام دانستن او و سایر امامان هدایت و برائت از دشمنان آنها است. و خدا این‌گونه شناخته می‌شود.^۳

امام حسین بن علی علیه السلام نیز به اصحاب خود در باره شناخت خداوند متعال چنین فرمود:
ای مردم! همانا خداوند متعال بندگان را نیافرید مگر برای آن که او را بشناسند پس در آن هنگام که او را شناختند بندگی او را خواهند کرد. و آن هنگام که او را بندگی کردند با عبادت او از عبادت غیر او بی‌نیاز می‌گردند.

شخصی پرسید: «ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت، معنای شناخت خدا چیست؟» ایشان در پاسخ فرمود:

شناخت خدا عبارت است از شناخت اهل هر زمانی امامی را که اطاعتش بر آنها

۱. وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي؛ ذاریات، آیه ۵۶.

۲. اول عبادة الله معرفة؛ توحید صدوق، ص ۳۴؛ امالی طوسی، ص ۲۲.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

واجب است.^۱

بنا بر این به روشنی معلوم می‌شود که شناخت امام از شناخت خداوند متعال جدا نیست، بلکه یکی از ابعاد آن است.

چنان که دعای معرفت، اشاره لطیفی به آن دارد:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي!^۲

از این دعا نکته‌های ارزشمندی استفاده می‌شود:

نخست: در دوران غیبت می‌بایست شناخت خدا و رسول و امام را از خدا خواست. بنابراین نباید به دانش و آگاهی‌های خود در زمینه خداشناسی، و پیامبر شناسی و امام شناسی بسنده کرد و خود را از عنایت‌های خداوند بی‌نیاز دانست.

دوم: در این دعا لازمه شناخت خدا، شناخت پیامبر ﷺ و لازمه شناخت پیامبر، شناخت امام ﷺ و حجت دانسته شده است. بنابراین، اگر امام عصر ع شناخته نشود، پیامبر و خدا نیز به درستی شناخته نشده و انسان در گمراهی و ضلالت خواهد بود.

با توجه به نقشی که امامت در حفظ نظام و کمال بشر و سیر او به سوی خدا و اجرای احکام خدا دارد، و با توجه به این که اطاعت امر امام از نگاه شرع و از نگاه عقل واجب است، در وجوب معرفت امام نیز بر حسب حکم عقل و شرع جای هیچ گونه تردید و شبهه‌ای نیست؛ زیرا هم مقدمه اطاعت است که واجب است، و هم بر حسب آنچه در روایات استفاده می‌شود بالخصوص نیز واجب است.^۳

و چنان که در نهج البلاغه است، داخل بهشت شدن، دایره مدار شناختن امامان و ورود به آتش نیز دایره مدار انکار آنها است.^۴

هشتمین پیشوای شیعیان امام رضا ع از بخشی مقامات امام این گونه پرده برمی‌دارد:
... امام امانت‌دار الهی در میان خلقش، و حجت او بر بندگانش، و خلیفه او در

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۹؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۱۲؛ کنز القوائد، ج ۱، ص ۳۲۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۲، باب فی الغیبه، ح ۲۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲؛ غیبت طوسی، ص ۲۳۳، غیبت نعمانی، ص ۱۶۶.

۳. پیرامون معرفت امام، ص ۶۹.

۴. نهج البلاغه، ص ۲۱۲، خطبه ۱۵۲.

سرزمین هایش، و دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از حقوق واجب او بر بندگان است. امام پاک گردیده از گناه و بر کنار گشته از عیب هاست. که همه علم اختصاص به او دارد و به حلم شناخته می شود. امام نظام دهنده به دین و باعث سربلندی مسلمانان و خشم منافقان و از بین رفتن کافران است. امام یگانه روزگار خویش است. هیچ کس در مقام به منزلت او نزدیک نمی شود. و هیچ عالمی با او برابری نمی کند. و جایگزین برای او پیدا نمی شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلت ها مخصوص اوست بدون آن که آنها را طلب کرده باشد، بلکه این امتیازی است از طرف فضل کننده بسیار بخشنده برای امام...^۱

امام صادق علیه السلام در باره کمترین درجه شناخت امام این گونه فرموده اند:

... کم ترین مقدار شناخت امام این است که [بدانی] امام، هم طراز پیامبر صلی الله علیه و آله است مگر در نبوت و وارث او به شمار می آید و این که اطاعت از امام، اطاعت از خداوند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. و باید در هر کاری تسلیم او باشیم و حکم کارها را از او بخواهیم و از فرمانش پیروی کنیم...^۲

به راستی اگر فقط همین چند ویژگی را که بر شمردیم خوب متوجه شویم، گام بلندی در راه شناخت امام برداشته ایم. آنگاه در پس شناخت است که نوبت به اطاعت و فرمان برداری می رسد.^۳

محبت و دوستی امام علیه السلام، مهم ترین اثر شناخت

یکی از مهم ترین احساس های شیعه در برابر امام خود، دلدادگی، شیدایی، محبت و دوست داشتن اوست و بی گمان از برجسته ترین آثار معرفت امام، محبت به آن وجود مقدس است. حال به هر میزان این شناخت بیشتر باشد، محبت آنها بیشتر، و هر قدر محبت بیشتر شد، نشان از وجود سنخیت با آن انوار مقدس است. همچنین هر میزان که سنخیت با آن ذوات مقدس افزایش یابد، نشان از تقریب به ذات اقدس الهی است و این والاترین کمال است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اشرف پیامبران و واپسین فرستاده الهی، آن گاه که سخن از

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۹۸؛ غیبت نعمانی، ص ۲۱۸؛ معانی الاخبار، ص ۹۸.

۲. کفایة الاثر، ص ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۶.

۳. کامل ترین متن امام شناسی زیارت «جامعه کبیره» است؛ که با آن، همه معصومین علیهم السلام را با هم زیارت می کنیم.

واپسین وصی خود به میان می آورد در نهایت احترام از صمیمی ترین واژگان محبت یعنی «بابی و امی / پدر و مادرم فدای او» بهره برده است.^۱

و نیز علی بن ابی طالب علیه السلام چنین فرمود:

شما همواره به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید؛ اگر آنها ساکت شدند و در خانه نشستند شما نیز سکوت کرده به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند به یاری آنها بشتابید که البته خدای متعال به دست مردی از ما اهل بیت، گشایش می بخشد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است.^۲

در کتاب غیبت نعمانی ضمن نقل روایتی آمده است حسین بن علی علیه السلام فرمود: مردی نزد علی علیه السلام آمد و اوصاف مهدی علیه السلام از او پرسید. وقتی علی علیه السلام صفات حضرت مهدی علیه السلام را ذکر کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی آهی کشید و از شدت اشتیاق خود به ایشان، به سینه خود اشاره کردند.^۳

شخصی گوید:

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا قائم به دنیا آمده است؟ فرمود: خیر! اگر او را درک می کردم در تمام ایام زندگانیم خدمت گزار او می بودم.^۴

در روایتی شگفت انگیزتر، پنجمین آفتاب سپهر ولایت و امامت به هنگام گفت و گو از یاران خراسانی فرموده اند: به درستی که اگر من آن روز را درک می کردم، جانم را برای صاحب این امر نگه می داشتم.^۵

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: پدر و مادرم فدای تو که همانم جدم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران...^۶

اما این که چه نیازی به وجود امام در هر زمان است؟

همان دلیلی که نیاز به پیامبر را بیان می کند، بیانگر نیاز مردم به «امام» نیز هست، زیرا از

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۸۰؛ کفایة الاثر، ص ۱۵۸؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۷.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۵۸؛ بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۱۸؛ ج ۴۱، ص ۳۵۳؛ ج ۵۱، ص ۱۲۱.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۱۲، ح ۱.

۴. «لَا وَ لَوْ أَدْرَكَتْهُ لَخَذَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛ همان، ص ۲۴۵، ح ۲۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۵. «... أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكَتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»؛ غیبت نعمانی، ص ۲۷۳، ح ۵۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

۶. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰، باب ۳۵، ح ۳؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۵؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶؛ غیبت نعمانی، ص ۱۸۰.

سویی، اسلام آخرین دین و حضرت محمد ﷺ آخرین پیامبر خداست، بنابراین، اسلام باید پاسخ گوی تمام نیازهای بشر تا قیامت باشد.

از سوی دیگر، قرآن کریم، اصول و کلیات احکام و معارف الهی را بیان کرده است و تبیین و توضیح آن به پیامبر ﷺ واگذار شده است. ولی روشن است که پیامبر ﷺ به عنوان رهبر مسلمین، مطابق نیازها و ظرفیت جامعه اسلامی زمان خود به بیان آیات الهی پرداخته است و لازم است برای او جانشینان لایقی باشند که همچون او متصل به دریای بیکران علم خدا باشند تا آنچه را پیامبر ﷺ، تبیین فرموده است، بیان کنند و نیازهای جامعه مسلمین را در هر زمان، پاسخ گویند.

همچنین امامان علیهم السلام، نگهبان میراث به جا مانده از پیامبر ﷺ و نیز مبین و مفسر حقیقی قرآن کریم هستند تا دین خدا دست خوش تحریف غرض ورزان و دشمنان قرار نگیرد و این سرچشمه زلال تا قیامت، پاک و پاکیزه باقی ماند.

به علاوه «امام» به عنوان انسان کامل، الگوی جامعی در همه ابعاد انسانی است و بشر نیاز جدی به چنین نمونه‌ای دارد که با دست‌گیری و هدایت او، آن گونه که در خور کمال انسانی اوست تربیت گردد و در پرتو راهنمایی‌های این مربی آسمانی از انحراف‌ها و دام‌های نفس سرکش خود و شیطان‌های بیرونی محفوظ بماند.

۲. دیدگاه یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان در مورد منجی چیست؟

بر خلاف گمان برخی، که باور به منجی را برخاسته از پندارهای زخم دیدگان بشری دانسته‌اند، این باور، اعتقادی سترگ است که ریشه در امید بخشی‌های پیامبران الهی علیهم السلام و اندیشوران بزرگ تاریخ دارد.^۱

برخی از نویسندگان معاصر از این باور با عنوان فتوریسم یاد کرده، و نوشته‌اند: «فتوریسم»^۲ یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و بزرگ، از جمله مسائلی است که در اصول عقاید ما، جای مهمی را اشغال کرده است.

۱. ما بر آن نیستیم که برای اثبات مهدی موعود علیه السلام، به بشارت‌های کتاب‌های ادیان و آیین‌های دیگر، استدلال کنیم و به طور اصولی نیازی بدان نداریم. بلکه می‌خواهیم بگوییم که عقیده به ظهور یک نجات‌دهنده فوق‌العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است که از مصدر وحی سرچشمه گرفته و همه پیامبران بدان بشارت داده‌اند. و همه ملت‌ها در انتظار آن هستند لیکن در تطبیق آن خطا شده است.

فوتوریسم عقیده‌ای است که در کیش‌های آسمانی: زوراستریانیسم (مذهب زردشت) و جودائیسیم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت: کاتولیک، پروتستان، ارتدوکس و به طور کلی در میان مدعیان نبوت، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده و همگی به اتفاق بشارت ظهور همچو مصلحی را داده‌اند...»^۱

بر اساس تحقیقات پژوهش‌گران، این عقیده در طول زندگی انسان‌ها پیوسته در میان همه ملت‌ها و پیروان ادیان بزرگ وجود داشته، و حتی اقوام گوناگون جهان چون اسلاوها، ژرمن‌ها، اسن‌ها و سلت‌ها نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده، بی عدالتی‌ها را از بین برده، حکومت واحد جهانی تشکیل داده و در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

با مطالعه در کتاب‌های ادیان دیگر به خوبی روشن می‌شود که در همه آنها، سخن از مصلح و منجی در آخر الزمان مطرح شده است، و همه ادیان، پیروان خود را به آمدن او بشارت داده و گفته‌اند: با آمدن او ظلم و تباهی از بین می‌رود، مردم به سمت حقیقت و راستی هدایت شده و آن را پذیرا می‌شوند.

گفتنی است که هر دین و مذهبی چون خود را صاحب حق می‌داند، مصلح را نیز از بزرگان دین خود معرفی می‌کند لذا در کتاب‌های خود نام‌ها و القاب مختلفی برای منجی ذکر کرده‌اند، مثلاً:

- در مذهب یهود: سرور میکائیلی، عزیر، منحاس، ماشیح؛
- در مذهب مسیحیت: مهمید آخر، مسیح، پسر انسان؛
- در مکتب زرتشت: سوشیانس؛
- در مکتب هندوها: ویشنو، منصور، فرخنده؛
- در مکتب بودا: مایتریا، بودای پنجم؛
- در مذهب اسلام: مهدی، قائم؛

منجی از دیدگاه یهودیان

برخی از کتاب‌های یهودیت و عهد عتیق، که در آنها سخنانی در باره موعود آمده است و بخش‌های مورد نظر از این قرار است:

۱. مصلح جهانی و مهدی موعود ﷺ از دیدگاه اهل سنت، ص ۵۵

الف) کتاب دانیال پیامبر:

در این کتاب چنین آمده است:

(۱) در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوایف تا به این زمان نبوده است واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو هر کسی که در کتاب مکتوب شده است نجات خواهد یافت (۲) و از خوابندگان در خاک زمین بسیاری بیدار خواهند شد بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی (۳)....^۱

ب) بشارت ظهور در کتاب اشعیای نبی:

در بخشی از این کتاب، خداوند، قریب الوقوع بودن تحقق عدالت خویش را وعده می دهد و مؤمنان را به اجرای عدالت فرامی خواند و می گوید: انصاف را نگاه بدارید عدالت را جاری کنید زیرا آمدن نجات من و منکشف شدن عدالت من، نزدیک است.^۲

ج) بشارت ظهور در کتاب حَبَقُوقِ نبی:

اگر چه تأخیر نماید برایش منتظر باش، زیرا البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد... بلکه جمیع امتهای را نزد خود جمع می کند.^۳

د) کتاب اشعیای پیامبر:

(۱) و نهالی از تنه یثی بر آمده شاخه از ریشه هایش قد خواهد کشید (۲) و روح خدا که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از خداوند است بر آن خواهد آرمد (۳) و او را در خشیت خداوند تیز هوش گردانیده موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش هایش تنبیه نخواهد فرمود (۴) بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لب هایش شریر را خواهد کشت (۵)....^۴

ه) هم چنین در کتاب زبور حضرت داود علیه السلام نیز، در این باره، مطالبی ذکر شده است. چنان که «قرآن کریم»، از «زبور» و ذکر، غلبه صالحان در آن، سخن گفته است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي

۱. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب دانیال، ص ۱۵۶۷، فصل دوازدهم، بندهای ۳۱.

۲. کتاب مقدس، کتاب اشعیای نبی، باب ۵۹.

۳. کتاب حبقوق نبی، فصل ۲، بند ۳.

۴. همان، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۲۲۰، فصل یازدهم، بند ۱۰۱.

الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^۱؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

با مراجعه به زبور می توان به رغم تحریف های صورت گرفته این بشارت را این گونه دریافت کرد:

زیرا شریران منقطع می شوند اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد (۱۰)... اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد (۱۲)... و اما صالحان را خداوند تأیید می کند (۱۸)... صالحان وارث زمین خواهند شد (۲۹)^۲

نیز در این باره، بشارت هایی در کتاب بوییل نبی، حزقیال نبی، حجی نبی و صفینای نبی آمده است.

منجی از نگاه مسیحیان

در آیین مسیحیت، و کتاب های مقدس این آیین نیز بشارت های بیشتر و روشن تری، در باره موعود آخر الزمان، رسیده است. و علت آن، نزدیک تر بودن زمان آن پیامبر الهی به عصر زندگی حضرت مهدی علیه السلام است.

در انجیل و ملحقات آن (عهد عتیق) نیز عنوان «پسر انسان» هشتاد مرتبه ذکر شده است. مسترها کس آمریکایی در کتاب قاموس کتاب مقدس ماده پسر انسان می گوید: واژه فرزند انسان در اناجیل و ملحقات آنها جمعاً هشتاد بار به کار رفته است که فقط سی مورد آن قابل تطبیق با حضرت عیسی علیه السلام است و پنجاه مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر الزمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد.^۳

در این جا، به چند کتاب، که در آنها بشارت ها و اشارت هایی در باره ظهور منجی در آخر الزمان آمده است، اشاره می کنیم:

الف) انجیل متی:

(۳۱) و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی

۱. انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. کتاب مقدس، مزامیر داود، مزبور سی و هفتم، بندهای ۳۷۹.

۳. قاموس کتاب مقدس، ماده پسر انسان، ص ۲۱۹؛ او خواهد آمد، ص ۱۰۰.

بزرگی خود قرار خواهد گرفت (۳۲) همه قبایل نزد وی جمع خواهند گشت و آن‌ها را از همدیگر جدا خواهد نمود چنان که شبانی می‌شود که شبانی می‌شود را از بزا جدا نماید (۳۳)...

ب) انجیل لوقا:

(۳۵) پس بایست که بسته باشد کمرهای شما و افروخته باشد چراغ‌های شما (۳۶) و خود باشید مانند آن کسانی که انتظار می‌کشند آقای خود را که کی از عروسی باز آید که چون آید و در زند دفعاتاً در را گشایند (۳۷) خوشا حال آن نوکران که چون آقا آید بیدار یابد آن‌ها را و من به شما می‌گویم که به درستی که کمر خود را بسته آنها را نشانید و نزدشان آمده آنها را خدمت خواهد نمود.

ج) انجیل مرقس:

(۳۲) و بر حقیقت آن روز و آن ساعت سوای پدر نه ملائکه آسمان و نه فرزند هیچ کس مطلع نیست (۳۳) احتیاط نمایید که با حذر باشید و دعا نمایید، زیرا از هنگام رسیدن آن زمان مطلع نیستید (۳۴) چنانچه شخصی به سفر عیدی رفته و خانه خود را گذاشته و ملازمان خود را قدرت داده و هر کس را به شغل خاص مقرر فرموده و دربان را به بیدار بودن امر فرمود (۳۵) پس بیدار باشید از آن جا که نمی‌دانید که بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد در شام یا نصف شب یا وقت بانگ خروس یا صبح (۳۶) مبادا که ناگاه آمده شمارا در خواب یابد (۳۷) و آن چه من به شما گویم به همه می‌گویم بیدار باشید.

د) انجیل یوحنا:

(۲۶) زیرا که چنانچه پدر در ذات خود زندگانی دارد به پسر نیز داده است که او در ذات خود زندگانی داشته باشد (۲۷) و قدرت به او داده است که هم حکم رانی بکند به علت آن که فرزند انسان است.

منجی از دیدگاه زرتشتیان

در کتاب معروف زردشتیان به نام «زند» بعد از آن که سخن از مقابله و مبارزه ابدی

۱. کتاب مقدس، انجیل متی، باب بیست و پنجم، ص ۶۰، بند های ۳۳-۳۱.

۲. همان، انجیل لوقا، ص ۱۵۴، باب دوازدهم، بند های ۳۷-۳۵.

۳. همان، انجیل مرقس، باب سیزدهم، بند های ۳۷-۳۲.

۴. همان، انجیل یوحنا، باب پنجم، بند های ۲۸-۲۶.

بین ایزدان و اهریمنان به میان می‌آورد، می‌گوید: «در این هنگام فتح و پیروزی و نصرت از ناحیه ایزدان واقع می‌شود و بعد از نصرت و یاری ایزدان و نابودی نسل اهریمنان عالم به سعادت اصلی خود می‌رسد و فرزندان آدم بر کرسی سعادت و برکت خواهند نشست».^۱

جاماسب در کتاب «جاماسبنامه» از زردشت نقل کرده که فرمود: «مردی از سرزمین تازیان از ذریه‌هاشم خروج خواهد کرد، او مردی بزرگ سر، با جسمی عظیم، ساقی طولانی، بر دین جدش و با لشکری فراوان رو به ایران خواهد نمود، زمین را آباد کرده و آن را پر از عدل و داد خواهد نمود».^۲

در همان کتاب بعد از بشارت به نبوت رسول اکرم ﷺ می‌گوید:

و از ذریه دختر آن پیامبر که به (خورشید عالم و شاه زمان) معروف است، مردی به خلافت خواهد رسید که در دنیا به حکم یزدان حکم خواهد نمود، او آخرین خلیفه آن پیامبر در وسط عالم یعنی مکه است، و دولتش تا روز قیامت دوام خواهد داشت....^۳

در کتاب «زند بهمن یسن» شرح کتاب «اوستا» کلام جاماسب را از قول استادش زردشت این چنین نقل می‌کند: «قبل از ظهور سوشیانس خلف وعده، دروغ، بی‌دینی و بی‌بند و باری در عالم گسترش می‌یابد، مردم از خداوند دور شده و ظلم و فساد عالم را فرا می‌گیرد. این امور، احوال عالم را دگرگون کرده و زمینه را برای ظهور منجی جهانی فراهم می‌آورد و علائمی که هنگام ظهور اتفاق می‌افتد عبارت است از حادثه عجیب و غریبی در آسمان ظاهر می‌شود که دلالت بر آمدن «خردشهر ایزد» دارد. ملائکه از طرف مشرق و مغرب به اذن او فرستاده می‌شوند تا خبرها و اعلان‌ها را به عالم برسانند...».^۴

و نیز در کتاب «زند بهمن یسن» می‌خوانیم: «... و بعد از آن، سوشیانس عالم را پاک خواهد نمود، آن گاه قیامت برپا خواهد شد».^۵

۱. موعود شناسی و پاسخ به شبهات ص ۱۰۸، به نقل از بشارات العهدین، ص ۲۳۷ و ۲۳۸؛ بشاره الظهور، ص ۲۴.

۲. بشارات العهدین، ص ۲۴۳ و ۲۴۴.

۳. بشارات العهدین، ص ۲۷۳؛ بشاره الظهور، ص ۲۰.

۴. جاماسب نامه، ص ۲۵.

۵. زند بهمن یسن، ص ۱۹.

۳. دیگر ادیان شرقی پیرامون ظهور مصلح جهانی چه عقیده‌ای دارند؟ منجی از دیدگاه هندوها

«در کتاب «اوپانیساد» که یکی از کتاب‌های معتبر و از منابع هندوها به شمار می‌رود، بشارت به ظهور نجات بخش چنین آمده است: «این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می‌شود، شریکان را تماماً هلاک می‌سازد، و آفرینش را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد».^۱

در کتاب «باسک» که از کتاب‌های مقدس هندوهاست، بشارت به منجی این گونه آمده است:

«دوره دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان، که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمین‌ها پنهان باشد همه را به دست آورد، و از آسمان‌ها و زمین و آنچه باشد خبر دهد، و از او بزرگ تر کسی به دنیا نیاید».^۲

در کتاب «پاتیکل» که از بزرگان هندوان و به زعم آنان صاحب کتاب آسمانی است راجع به دولت با سعادت مهدی علیه السلام این گونه نقل کرده است:

«چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخر الزمان» و دیگری «صدیق اکبر» یعنی وصی بزرگ تروی که پشن نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه راهنماست».^۳
بشارت ظهور در کتاب «وشن جوک»:

آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می‌دارد و از بندگان خاص او است. و نام او خجسته و فرخنده باشد. خلق را که در دین‌ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده‌اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند و عالم را نو گرداند و هر بدی را سزا دهد.^۴

۱. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۲۷۳، به نقل از اوپانیساد، ترجمه محمد داراشکوه (از متن سانسکریت) ج ۲، ص ۶۳۷.

۲. همان، ص ۲۸۳، به نقل از بشارات العهدین، ص ۲۴۶.

۳. ادیان و مهدویت، ص ۲۰.

۴. بشارات العهدین، ص ۲۷۲.

بشارت ظهور در کتاب «دید»:

پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هرچه از خدا بخواهد، برآید.^۱

۴. نظر سایر اقوام و ملل درباره نجات دهنده عالم چیست؟

در کتاب علائم ظهور، آمده است:

«... از این رو در همه قرون و اعصار آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل‌های خدا پرستان وجود داشته است و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند زردشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتاب‌های قدیم چینیان، و در عقاید هندیان، و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتی مکزیکی و نظایر آنها نیز می‌توان یافت».^۲

عقیده به ظهور یک رهایی بخش بزرگ و برچیده شدن بساط ظلم و ستم از میان انسان‌ها، و حکومت حق و عدالت منحصر به شرقی‌ها و مذاهب شرقی نیست، بلکه یک اعتقاد عمومی و جهانی است که چهره‌های مختلف آن در عقاید اقوام گوناگون دیده می‌شود، و همه روشنگر این حقیقت است که این اعتقاد کهن ریشه‌ای در فطرت و نهاد انسانی، در دعوت همه پیامبران، داشته است.

در کتاب دیباچه‌ای بر رهبری ضمن بیان وجود انتظار ظهور یک منجی بزرگ در میان اقوام مختلف غربی، و بهره برداری پاره‌ای از افراد از یک چنین انتظار عمومی، نام پنج نفر از مدعیان را که از انگلستان برخاستند به عنوان: «جیمز نایلور» و «یوحنا سوئثکات» و «ریچارد برادرز» و «جان نیکولز تام» و «هنری جیمز پیرینس» را ذکر می‌کند، و از «برنارد باربر» جامعه شناس آمریکایی در رساله «نهضت منجی گری» وجود چنین اعتقادی را، حتی در میان سرخ‌پوستان آمریکایی نقل کرده می‌گوید:

۱. بشارت عهدین، ص ۲۴۵.

۲. حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۵۷، به نقل از کتاب علائم ظهور، ص ۴۷.

در میان قبایل سرخ پوست آمریکایی... این عقیده شایع است که روزی گرد سرخ پوستان ظهور خواهد کرد و آنها را به بهشت زمین رهنمون خواهد شد....
تنها تا پیش از سال ۱۸۹۰ بالغ بر بیست نوع از این نهضت‌ها در تاریخ آمریکا ضبط شده است.^۱

۵. آیا در آیات نورانی قرآن سخنی از امام زمان علیه السلام به میان آمده است؟

قرآن کریم زلال‌ترین چشمه معارف الهی، و پاک‌ترین خاستگاه حکمت‌ها و دانش‌های مورد نیاز جامعه انسانی است که سرشار از راستی و درستی می‌باشد. در این کتاب، هیچ حقیقتی فروگذار نشده است. البته این حقایق گاه در ظاهر آیات آن و گاهی هم در ژرفای آن بیان‌های نورانی، نهفته است.

قیام و انقلاب جهانی واپسین ذخیره الهی به عنوان بزرگ‌ترین حادثه نظام آفرینش، در صحیفه آسمانی مسلمانان، فراوان مورد توجه و اشارت قرار گرفته است.

بدون تردید آیات نورانی قرآن کریم در باره این ظهور و قیام مانند بسیاری از زمینه‌های دیگر بدون این که وارد جزئیات شود، به صورت اصولی و کلی بحث کرده، از تشکیل حکومت عدل جهانی، و پیروزی کامل بندگان شایسته در روی زمین سخن گفته است. این گونه آیات را مفسران سترگ شیعه و برخی مفسران اهل سنت، به استناد سخنان نورانی معصومین علیهم السلام و دانشوران بزرگ اسلامی، مربوط به حضرت مهدی علیه السلام، ظهور و قیام جهانی آن حضرت دانسته‌اند.

از مجموع آیات قرآنی که ناظر به این موضوع دانسته شده و صراحت بیشتری دارد، جهت رعایت اختصار فقط به برخی اشاره می‌شود:

آیه نخست:

﴿لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛^۲ و در

حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند

برد.

۱. حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۵۷؛ دیباچه ای بر رهبری، ص ۹۵.

۲. انبیاء، آیه ۱۰۵.

در تفسیر این آیه از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:
مقصود از «عبادی الصالحون» اصحاب مهدی علیه السلام در آخر الزمان است.^۱
آیه دوم:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛^۲
و خواستیم بر کسانی که در روی زمین فرو دست شده‌اند منت نهیم و آنان را پیشوایان
[مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.
این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می‌دهد، لذا
در روایات اسلامی می‌خوانیم که ائمه اهل بیت علیهم السلام، در تفسیر این آیه اشاره به این ظهور
بزرگ کرده‌اند.^۳

در نهج البلاغه از حضرت علی علیه السلام چنین آمده است که فرمود:
دنیا پس از چموشی و سرکشی هم چون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش
خودداری می‌کند و برای بچه‌اش نگه می‌دارد به ماروی می‌آورد... سپس آیه «وَتُرِيدُ
أَنْ نَمُنَّ» را تلاوت فرمود.^۴

در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار می‌خوانیم که در تفسیر آیه بالا فرمود:
این گروه آل محمد علیهم السلام هستند، خداوند مهدی آنها را پس از زحمت و فشاری که بر
آنان وارد می‌شود برمی‌انگیزد و به آنها عزت می‌دهد و دشمنانشان را خوار می‌کند.^۵
آیه سوم:

خداوند متعال می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي
الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛^۶ خداوند به
کسانی از شما که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران
روی زمین خواهد کرد، همانگونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را

۱. مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۳۷۵؛ تاویل الایات، ص ۳۳۶.

۲. قصص، آیه ۵.

۳. التبیان شیخ طوسی، ج ۸، ص ۱۲۹ و تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۳.

۴. نهج البلاغه، ص ۵۰۶، ۲۰۹.

۵. «فَمَنْ آلَ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَ يَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»؛ غیبت طوسی، ص ۱۸۴.

۶. نور، آیه ۵۵.

که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل میکند، آنچه‌ان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

آیه فوق مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام و عصر حکومت جهانی توحیدی است. با مراجعه به روایاتی که در ذیل آیه فوق رسیده، این معنا تایید می‌گردد. قرطبی از علمای اهل سنت در ذیل آیه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: در آن روز بر روی زمین خانه‌ای نیست جز آنکه خداوند کلمه اسلام را در آن وارد خواهد ساخت.^۱ سدی از ابن عباس نقل کرده که آیه در مورد آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است.^۲ از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمود: آیه، در شأن حضرت قائم علیه السلام است.^۳ از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که فرمود: آیه درباره قائم و اصحاب او است.^۴

آیه چهارم:

آیه دیگر، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ و کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند.^۵

فخر رازی از علمای اهل سنت می‌گوید: «این بشارت از طرف خداوند است که باید در آینده تحقق یابد و طبق روایات در زمان حضرت عیسی و حضرت مهدی علیه السلام محقق می‌شود». ^۶ طبری یکی دیگر از علمای اهل سنت می‌گوید «در زمان نزول حضرت عیسی علیه السلام تمام ادیان باطل و نابوده شده و تنها دین اسلام بر همه ادیان غالب خواهد شد». ^۷

از سعید بن جبیر روایت شده که آیه مربوط به مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه علیها السلام است که خداوند او را بر همه ادیان غالب خواهد کرد.^۸

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق روایت کرده که فرمود: به خدا سوگند، تاویل

۱. تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۴۲۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۳.

۳. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۴۴.

۴. غیبت نعمانی، ص ۱۲۶.

۵. توبه، آیه ۳۳.

۶. تفسیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۱۰۴.

۷. جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۰۹.

۸. الفصول المهمه، ص ۳۰۰.

آیه هنوز تحقق نیافته و نخواهد یافت تا آن که قائم خروج کند و هنگامی که خروج کرد کافر به خدای عظیم در روی زمین باقی نمی ماند.^۱

یادآور می شویم افزون بر موارد یاد شده در کتاب های مفصل به آیات فراوان دیگر نیز اشاره شده است.^۲

۶. چرا نام امامان علیهم السلام از جمله امام زمان علیه السلام در قرآن نیامده است؟

قرآن کریم، به عنوان قانون اساسی اسلام، در بسیاری از موارد، کلیات مسائل اسلامی را مطرح کرده است و بیان بسیاری از حقایق را به پیامبر و جانشینان او واگذار کرده است و به طور روشن، پیامبر را مبین و مفسر قرآن معرفی کرده است: ﴿أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾؛^۳ قرآن را بر تو نازل کردیم تا آن چه را بر مردم نازل شده است، برای آنان بیان کنی.

نکته لطیف این که خداوند از کلمه تبیین استفاده کرده است که به معنای توضیح و تفسیر است نه از الفاظی مانند «لتقرأ و لتتلو» که به معنای خواندن است.

خداوند در قرآن کریم برای معرفی افراد از روش های مختلفی استفاده کرده است؛ مثلاً:
الف) معرفی به نام:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾.^۴

ب) معرفی با عدد:

﴿وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾.^۵

ج) معرفی با صفت:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُجَلِّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾.^۶

۱. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۴۰۷.

۲. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن.

۳. نحل، آیه ۴۴.

۴. احزاب، آیه ۴۰.

۵. مائده، آیه ۱۲.

۶. اعراف، آیه ۱۵۷.

بنابراین، غیر از وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام موارد فراوان دیگری هست که در قرآن به صراحت از آن‌ها سخن به میان نیامده است.

[توجه به این نکته خالی از لطف نیست که مسائل متعددی وجود دارد که قرن‌هاست اختلاف آفرین بوده و حتی باعث جنگ و خون ریزی میان مسلمانان شده است، ولی در قرآن به صورت شفاف از آنها سخن به میان نیامده است، مانند حقیقت صفات خبری، حادث یا قدیم بودن کلام خدا، و جبر و اختیار. و از جمله حکمت‌های این امر، لزوم رجوع مردم به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام به عنوان مفسران واقعی قرآن و همچنین دعوت مردم به تدبر و تعقل است.]

همان‌گونه که از میان ۱۲۴۰۰۰ پیامبر الهی، فقط نام حدود ۲۵ نفر از آنها در قرآن آمده، و نیز نام دیگر امامان معصوم علیهم السلام در قرآن نیامده، نام مبارک امام زمان علیه السلام هم در قرآن نیامده است: از میان چهارده معصوم، تنها نام پیامبر صلی الله علیه و آله «محمد» چهار بار در قرآن ذکر شده است. اگر بنا بود نام امامی در قرآن بیاید، آمدن نام حضرت علی علیه السلام سزاوارتر بود، ولی علت اصلی این‌که خداوند سبحان در قرآن کریم نام امامان معصوم علیهم السلام را ذکر نکرده است، خودش بهتر می‌داند، و شاید یکی از علت‌های آن، جلوگیری از تحریف قرآن باشد.

ولی باید توجه داشت، در عین حال که اسامی ائمه علیهم السلام در قرآن نیامده است، آیات فراوانی در خصوص حضرت علی علیه السلام، امام زمان علیه السلام و دیگر ائمه وجود دارد، که این آیات همراه با احادیثی که در تفسیر و تبیین آنها وارد شده است، شخصیت امامان معصوم علیهم السلام را معرفی می‌کند.

این که نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با صراحت در قرآن آمده، دلیل بر این نیست که باید نام مهدی علیه السلام هم در قرآن با صراحت بیاید؛ چون، ممکن است همان‌گونه که در آنجا مصلحت در ذکر صریح بود، در اینجا مصلحت در عدم تصریح به نام امام مهدی علیه السلام باشد، اگر چه با تصریح نام نیز مشکل حق‌ستیزان حل نمی‌شود، چنان‌که بشارت پیامبر در تورات و انجیل آمد، ولی بسیاری از اهل کتاب ایمان نیاوردند. مخالفت بنی اسرائیل با پیامبر زمان خود در مورد فرماندهی طالوت^۱ دلیل دیگری است بر این که ذکر نام در همه جا و همیشه اختلاف را از بین نمی‌برد. بنی اسرائیل در مخالفتی آشکار با پیامبرشان [با این که نام فرمانده به

صراحت گفته شده بود] گفتند: «أنتی یکون له الملك علينا و نحن أحقّ بالملك منه و لم یؤت سعة من المال»^۱ گفتند: از کجا او بر ما حکومت داشته باشد، حال آنکه ما برای این امر شایسته تریم و او از مال دنیا چیزی ندارد. بزرگان گفته‌اند اگر نام امام مهدی علیه السلام و یا سایر ائمه، با صراحت در قرآن ذکر می‌شد، انگیزه مخالفان برای تحریف قرآن، فراوان می‌شد و این سند جاوید الهی، در خطر تحریف قرار می‌گرفت.

به علاوه این‌گونه نیست که تنها راه بیان حقایق، تصریح به اسم و رسم آن‌ها باشد، بلکه در بسیاری از موارد، با بیان ویژگی‌های یک حقیقت، البته به صورتی آشکار و روشن، می‌توان حقیقتی را به دیگران معرفی کرد.

مفسران قرآن، با استفاده از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم بیش از سیصد آیه از قرآن را درباره امام مهدی علیه السلام و حکومت جهانی او و یاوران صالح او آورده‌اند. در این باره، کتاب‌های مستقلی هم نوشته شده است.^۲

آیا تنها ذکر نام مهدی علیه السلام دردی را دوا می‌کند؟ آیا اگر نام حضرت در قرآن برده می‌شد، امکان نداشت در طول تاریخ، شیادان و افراد شهرت‌طلب از آن سوء استفاده نکنند، یا افرادی، روی غرض‌های خاص، وجود حضرت را انکار نمایند؟ تجربه تاریخی نشان داده است که اگر هم در قرآن - با صراحت - نام حضرت برده می‌شد، باز در طول تاریخ، مدعیان دروغین مهدویت پیدا می‌شدند، و نام خود را امام زمان و مهدی موعود می‌گذاشتند، تا از آب گل‌آلود، ماهی بگیرند، و از نام او و انتظار مردم، استفاده نادرست کنند، مگر خدا نام پیامبر صلی الله علیه و آله را در انجیل نبرد، و گروه‌های مغرض، از آن بهره‌برداری ناجوان‌مردانه نکردند؟ بنابراین، مسئله مهم، بیان ویژگی‌های دیگر حضرت است تا افراد آگاه، با شناخت آن‌ها، مهدی واقعی را از مدعیان دروغین مهدویت باز شناسند.

۷. نمای کلی مهدویت در کتب شیعه و سنی چگونه است؟

«مهدویت» در فرهنگ شیعه، از جمله آموزه‌های اعتقادی و بلکه از ضروریات مذهب به شمار می‌آید که احادیث مربوط به آن، چنان فراوان و گسترده است که جای هیچ شک و

۱. همان، آیه ۲۴۷.

۲. سیمای امام مهدی علیه السلام در قرآن و امام زمان در آینه قرآن.

تردیدي را باقی نمی گذارد. با مروری کوتاه در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت به خوبی در می یابیم که موضوع ظهور حضرت مهدی عج و برپایی حکومت عدل جهانی به دست ایشان، جزو موضوعات کاملاً متواتر و مورد قبول تمام مسلمانان به خصوص شیعه دوازده امامی است.

ده ها تن از اصحاب ائمه: پیش از تولد امام زمان عج، با استفاده از بیانات نورانی معصومین ع، کتاب های مستقلی در رابطه با ولادت، غیبت، ظهور و نشانه های ظهور آن حضرت تألیف کرده اند.

امروزه نیز بزرگانی از دانشمندان شیعه به این مهم مبادرت کرده اند. یکی از آثاری که بیشتر روایات معصومین را گرد آورده کتاب گران سنگ منتخب الاثر است. در این کتاب روایات فراوانی در موضوع مهدویت گرد آمده است و با مراجعه به آن آمار ذیل به دست می آید:

ردیف	موضوعات	تعداد روایات
۱	ائمه دوازده نفر هستند	۲۷۱
۲	ائمه به تعداد نقباء بنی اسرائیل هستند	۴۰
۳	ائمه دوازده نفر و اولین آنها حضرت علی <small>ع</small> است	۱۳۳
۴	ائمه دوازده نفر و اولین آنها حضرت علی <small>ع</small> و آخر آنها امام مهدی <small>عج</small> است	۹۱
۵	ائمه دوازده نفر امام آخرین آنها امام مهدی <small>عج</small> است	۹۴
۶	ائمه دوازده نفر و نه تن آنها از فرزندان امام حسین <small>ع</small> هستند	۱۳۹
۷	ائمه دوازده نفر نه تن آنها از فرزندان امام حسین <small>ع</small> و نهمین آنها قائم و مهدی آنان است	۵۰
۸	ائمه دوازده نفر همراه با اسامی آنان	۵۰
۹	بشارت به خروج امام مهدی <small>عج</small>	۶۵۷
۱۰	از عترت پیامبر و از اهل بیت و ذریه اوست	۳۸۹
۱۱	اسم او اسم پیامبر و کنیه اش کنیه او و شبیه ترین مردم به پیامبر و به سنت او عمل می کند	۴۸

۲۱	شمایل حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۲
۲۱۴	از فرزندان حضرت علی <small>علیه السلام</small> است	۱۳
۱۹۲	از فرزندان زهرا <small>علیها السلام</small> است	۱۴
۱۰۷	از اولاد حسن و حسین <small>علیهما السلام</small> است	۱۵
۱۸۵	از فرزندان حسین <small>علیه السلام</small> است	۱۶
۱۶۰	از نه امام که از فرزندان حسین <small>علیه السلام</small> هستند	۱۷
۱۴۸	نهمین امام از فرزندان حسین <small>علیه السلام</small> است	۱۸
۱۸۵	از فرزندان حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> است	۱۹
۱۰۳	از فرزندان امام باقر <small>علیه السلام</small> است	۲۰
۱۰۳	از فرزندان امام صادق <small>علیه السلام</small> است	۲۱
۹۹	ششمین از فرزندان امام صادق <small>علیه السلام</small> است	۲۲
۱۰۱	از فرزندان امام کاظم <small>علیه السلام</small> است	۲۳
۹۸	پنجمین از فرزندان امام کاظم <small>علیه السلام</small> است	۲۴
۹۵	چهارمین از فرزندان امام رضا <small>علیه السلام</small> است	۲۵
۹۰	سومین از فرزندان امام جواد <small>علیه السلام</small> است	۲۶
۹۰	از فرزندان امام هادی <small>علیه السلام</small> است	۲۷
۱۴۶	جانشین جانشین امام هادی <small>علیه السلام</small> است	۲۸
۱۴۷	نام پدر او حسن <small>علیه السلام</small> است	۲۹
۹	او فرزند بهترین کنیزان است	۳۰
۲	هرگاه سه اسم محمد و علی و حسن پشت سرهم آمدند چهارمین آنان قائم است	۳۱
۱۳۶	دوازدهمین و خاتم ائمه است	۳۲
۱۲۳	زمین را پر از عدل و داد می کند	۳۳
۱۰	دارای دو غیبت است که یکی کوتاه تر از دیگری است	۳۴
۹۱	دارای غیبت طولانی تازمانی که خدا اذن خروج به او بدهد	۳۵
۷	علت غیبت او	۳۶

۷	فواید امام غایب و چگونگی بهره مندی از او	۳۷
۳۱۸	طول عمر حضرت	۳۸
۸	او جوان است و سیمای او پیر نمی شود	۳۹
۱۴	ولادت او مخفی است	۴۰
۱۰	بیعت کسی بر او نیست	۴۱
۱۹	او دشمنان خدا را می کشد و زمین را از شرک پاک می کند و حکومت جباران را برمی اندازد و بر تاویل قرآن می جنگد	۴۲
۶	او امر خدا را آشکار و دین خدا را ظاهر می کند و مؤید و منصور به ملائکه است و زمین را احیا می کند	۴۳
۱۵	مردم را به قرآن و سنت پیامبر برمی گرداند	۴۴
۴	انتقام از دشمنان می گیرد	۴۵
۲۳	سنن پیامبران از جمله علل غیبت اوست	۴۶
۷	او قائم به سیف است و بعد از خروج و قیام او ایمان کسی که قبلاً ایمان نیاورده باشد فایده ندارد	۴۷
۱	مردم همه مطیع او می شوند	۴۸
۳۰	سیره حضرت	۴۹
۴	زهد حضرت	۵۰
۷	کمال عدالت و گسترش عدل و امنیت در دولت او	۵۱
۵	علم حضرت	۵۲
۱۳	جود حضرت و اینکه مال را بدون شمارش می بخشد	۵۳
۵	مواریث انبیا در دست وی برای اتمام حجت	۵۴
۲۴	ظهور بعد از امتحان شدید مردم و گرفتاری سخت مؤمنان	۵۵
۲۵	بر حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> امامت می کند	۵۶
۶	صاحب پرچم پیامبر و آنچه بر آن نوشته شده است	۵۷
۲۱۴	ولادت حضرت و مادر ایشان	۵۸
۹	معجزات حضرت در زمان پدر	۵۹

۱۹	کسانی که او را در زمان پدر دیده‌اند	۶۰
۲۵	کسانی که او را در غیبت صغری دیده‌اند	۶۱
۲۷	بعضی از معجزات حضرت در غیبت صغری	۶۲
۲۲	شرح حال سفیران و نواب ایشان در غیبت صغری	۶۳
۱۲	معجزات حضرت در غیبت کبری	۶۴
۱۳	کسانی که او را در غیبت کبری دیده‌اند	۶۵
۱۲	چگونگی خروج و ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۶۶
۳۷	جهان پیش از ظهور (فساد و ظلم و گناه...)	۶۷
۲۹	برخی از علایم ظهور	۶۸
۲۷	ندای آسمانی و محتوای آن	۶۹
۲۳	گرانی، مریضی	۷۰
۳۸	سفیانی، خسف بیداء، قتل نفس زکیه، یمانی، صیحه	۷۱
۱۲	خروج دجال	۷۲
۷	عدم جواز توقیت و تعیین وقت ظهور	۷۳
۷	سال و ماه و روز خروج حضرت	۷۴
۱۷	مکان خروج و محل منبر ایشان	۷۵
۱۱	چگونگی بیعت با ایشان	۷۶
۱۲	شرق و غرب عالم را فتح می‌کند	۷۷
۷	فراگیر شدن یکتا پرستی	۷۸
۱۰	زمین گنج‌ها و معادن خود را آشکار می‌کند	۷۹
۱۲	برکات آسمان و زمین آشکار می‌شود	۸۰
۲۵	اجتماع ۳۱۳ مرد نزد او در یک ساعت و برخی اوصاف آنان	۸۱
۲	اهل شرق و غرب عالم پیش او جمع می‌شوند	۸۲
۱۲۹	زمین را پر از عدل و داد می‌کند	۸۳
۳۹	نزول عیسی <small>علیه السلام</small> و خواندن نماز پشت سر امام مهدی <small>علیه السلام</small>	۸۴
۶	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> دجال را می‌کشد	۸۵

۲	جنگ حضرت با سفیانی	۸۶
۵	آبادی زمین در حکومت او	۸۷
۷	تسهیل امور و تکامل عقول در عصر مهدی <small>ع</small>	۸۸
۱۴	فضایل اصحاب مهدی <small>ع</small>	۸۹
۵	قدرت و صلابت آنها	۹۰
۱۸	مدت حکومت حضرت بعد از ظهور	۹۱
۴	چگونگی زندگی و لباس و خوراک حضرت	۹۲
۷	آنچه حضرت به آن دعوت می کند و به آن عمل می نماید	۹۳
۹	حرام بودن انکار قائم	۹۴
۲۳	فضیلت انتظار فرج به ظهور حضرت	۹۵
۵۴	تکالیف شیعیان نسبت به حضرت	۹۶
۱۰	پاداش کسی که امام را درک کند و به او اقتد نماید	۹۷
۲۳	فضیلت کسی که در غیبت به او ایمان بیاورد	۹۸
۶	چگونگی سلام و صلوات بر حضرت	۹۹
۱۳	دعاهای حضرت	۱۰۰

اگر چه روایات گرد آمده در این اثر حدود ۹۳۰ روایت است، اما موضوعات مورد اشاره بر اساس جدول یاد شده افزون بر شش هزار عنوان است و این مطلب به دلیل آن است که گاهی یک روایت شامل چند موضوع از موارد اشاره شده می باشد.

۸. آیا در کتب اهل سنت روایاتی درباره وجود، ظهور و سیره امام مهدی ع وجود دارد؟
 برخلاف تصور عده ای، باور مهدویت اختصاص به شیعه ندارد، بلکه بخش مهمی از عقاید اسلامی است و یکی از مسائل ریشه دار اصول اسلامی به شمار می آید که بین تمام فرقه ها و مذاهب اسلامی بر اساس بشارت های پیامبر گرامی اسلام ص شکل گرفته است. با مروری بر کتاب های روایی اهل سنت در خواهیم یافت که موضوع مهدویت در این منابع به وفور مورد تصریح قرار گرفته است.^۱ افزون بر روایات فراوانی که در منابع اهل سنت به

۱. روشن است آنچه در این پاسخ بدان اشاره می شود دیدگاه کلی اهل سنت است و گرنه مذاهب مختلف اهل سنت درباره حضرت مهدی ع دیدگاه های متفاوتی دارند.

صورت پراکنده به چشم می خورد، در ده ها کتاب مرجع و منبع فصل مستقلی به آن اختصاص یافته؛ تدوین و تألیف کتاب های حدیثی ویژه حضرت مهدی علیه السلام، به دست دانشمندان اهل سنت در این زمینه، گویای جایگاه والای مهدویت نزد اهل سنت است.^۱

یکی از کتاب های معتبر اهل سنت، مسند احمد بن حنبل^۲ می باشد. این اثر از کهن ترین و معتبرترین مدارک حدیث اهل سنت می باشد. در این کتاب مجموعاً ۱۳۶ حدیث درباره حضرت مهدی علیه السلام روایت شده است.

استاد «علی محمد علی دخیل» اسامی ۲۰۵ نفر از بزرگان علمای سنی را در کتاب خود الامام المهدی علیه السلام آورده است که سی نفر از آنها مستقلاً در باره حضرت ولی عصر علیه السلام کتاب نوشته اند، و ۳۱ نفرشان فصلی را در کتاب های خود به روایات حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده اند، و ۱۴۴ نفرشان به تناسب های مختلف، روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در کتاب های خود آورده اند.^۳

علمای اهل سنت، فقط به نقل روایات راجع به حضرت مهدی علیه السلام در صحاح خود و دیگر کتب معتبر دیگر اکتفا نکرده اند، بلکه گروه زیادی از شخصیت های برجسته ایشان اعتراف کرده اند که این احادیث، «مشهور» یا «متواتر» است.

اینک برای مزید اطلاع، نمونه هایی از اعتراف برخی از این دانشمندان را در این جا نقل می کنیم:^۴

۱. محمد شبلنجی، دانشمند معروف مصری، در کتاب نور الابصار چنین می نویسد:
تواترت الأخبار عن النبي صلى الله عليه وآله علي أن المهدي من أهل بيته وأنه يملأ الأرض عدلاً.^۵

اخبار متواتری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است که مهدی علیه السلام از خاندان اوست و زمین را از عدل پر می کند.

۲. شیخ محمد صبان، در کتاب اسعاف الراغبین چنین می گوید:

۱. الامام المهدی عند اهل السنه.
۲. احمد بن حنبل پیشوای فرقه حنبلی اهل سنت، معاصر امام نهم و دهم علیه السلام بوده است.
۳. اسامی آنها را در این کتابها مطالعه کنید: الامام المهدی، ص ۲۶۰، ح ۲۷۵؛ او خواهد آمد، ص ۷۹-۸۵ موعودی که جهان در انتظار اوست ص ۵۱ تا ۶۸؛ نقل شده از: ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، ص ۷۱.
۴. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، ص ۱۲۱.
۵. نور الابصار، ص ۱۸۹.

وقد تواترت الأخبار عن النبي ﷺ بخروجه، وأنه من أهل بيته، وأنه يملأ الأرض عدلاً، وأنه يساعد عيسى (عليه السلام) على قتل الدجال بباب لد بأرض فلسطين، وأنه يوم هذه الأمة ويصلي عيسى خلفه.^۱

اخبار متواتری از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که مهدی ﷺ قیام خواهد کرد و این که او از خاندان پیغمبر ﷺ است و زمین را پر از عدل می کند و حضرت عیسی ﷺ را بر کشتن دجال در سرزمین فلسطین دم دروازه «لد» یاری می دهد و بر این اُمت امامت می کند و حضرت عیسی ﷺ پشت سر او نماز می گزارد.

۳. ابن حجر عسقلانی، در کتاب «فتح الباری» درباره اخبار و احادیث راجع به حضرت مهدی ﷺ می گوید:

اخبار به تواتر رسیده است که مهدی ﷺ از این اُمت است، و عیسی بن مریم از آسمان فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند.^۲

۴. ابن حجر هیثمی مکی، در کتاب الصواعق المحرقة از ابوالحسن آبری، چنین نقل می کند:

«قد تواترت الأخبار و استفاضت بكثرة روايتها عن المصطفى ﷺ بخروجه و أنه من أهل بيته و أنه يملأ الأرض عدلاً».^۳

اخبار متواتری از پیامبر اکرم نقل شده است که «مهدی» ظهور خواهد کرد و اینکه او از اهل بیت پیامبر است و زمین را از عدل و داد پر خواهد نمود.

هم چنین علمای دیگر اهل سنت از جمله ابو الطیب سید محمد صدیق حسینی بخاری قنوجی هندی، در کتاب الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة^۴ و شیخ منصور علی ناصف، از دانشمندان معروف جامع «الازهر» مصر و نویسندگ کتاب التاج الجامع للأصول^۵ و احمد زینی دحلان، دانشمند معروف حجاز و مفتی بزرگ مکه، در کتاب الفتوحات الاسلامیة^۶ به تواتر این حدیث را آورده اند.

۱. اسعاف الراقبین، حاشیه نور الابصار، ص ۱۵۲.

۲. فتح الباری، ج ۷، ص ۱۶۹ کتاب «احادیث الانبیاء» باب نزول عیسی ﷺ.

۳. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۸۰.

۴. الاذاعة لما كان و لما يكون بين يدي الساعة، ص ۵۳ و ۱۲۶.

۵. التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۴۱ و ۳۶۰.

۶. الفتوحات الاسلامیة، ج ۲، ص ۲۹۹ ح ۳۰۰.

نکته قابل توجه این که وهابی‌ها، نیز که از تندروترین گروه‌های اسلامی اهل تسنن به شمار می‌روند، مسئله «مهدویت» و تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی عج را پذیرفته‌اند و با سایر فرقه‌های مسلمین اتفاق نظر دارند و به طور جدی از آن دفاع می‌کنند و آن را از عقاید قطعی و مسلم اسلامی می‌دانند.

هم اکنون به منظور تأیید این گفتار، بیانیه مهمی را می‌آوریم که از طرف رابطه العالم الاسلامی، مرکز مهم دینی وهابی‌ها که از بانفوذترین مراکز دینی حجاز و مکه است، در پاسخ سؤال یک نفر مسلمان از اهالی «کنیا» که در سال ۱۹۷۶ میلادی صادر شده است:

«..... «مهدی»، ... علوی و فاطمی است و او مهدی موعود منتظر است. موقع ظهور وی در آخر الزمان است و ظهورش از نشانه‌های قیامت می‌باشد. از غرب ظاهر شود، و در حجاز در مکه مکرمه بین «رکن و مقام» با آن حضرت بیعت نمایند.

هنگامی که کفر و ظلم و فساد، عالم را فرا گرفته باشد، او ظهور می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد. بر همه جهان حکومت خواهد کرد و همه جهانیان در برابر او سر تعظیم فرود خواهند آورد و همگی تسلیم وی خواهند شد، یا به میل و دلخواه یا با تیرد.

او تمام روی زمین را مالک خواهد شد، و حضرت عیسی عج بعد از ظهور او، از آسمان فرود می‌آید و «دجال» را می‌کشد و یا همراه با ظهورش از آسمان فرود آید و حضرت مهدی عج را بر کشتن «دجال» بر درِ دروازه «لد» در سرزمین فلسطین، یاری می‌دهد.

مهدی عج آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر از آنها خبر داده است و در صحاح اهل سنت آمده است.

احادیث مربوط به مهدی عج را بسیاری از «صحابه» از شخص پیامبر اکرم ص نقل کرده‌اند که از جمله آنهاست: عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب عج، طلحة بن عبیدالله، عبدالرحمان بن عوف، عبدالله بن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابو سعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابو هریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و أم سلمه.

اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات راجع به مهدی عج را نقل کرده‌اند و غیر از اینها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند. سخنان فراوانی نیز از خود «صحابه» نقل شده است

که در آنها به ظهور حضرت مهدی علیه السلام تصریح گردیده است، و آنها را نیز می توان در ردیف روایات پیامبر قرار داد؛ زیرا مسئله ظهور مهدی علیه السلام از مسائلی نیست که بتوان در آن اجتهاد کرد.

روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر علیه السلام از شخص رسول اکرم نقل شده و آنچه را که صحابه پیامبر با اعتماد به گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان کرده اند و شهادت و گواهی آنان نیز در حکم حدیث است در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله اعم از سنن، معاجم و مسانید آمده است که از آن جمله است: سنن ابو داود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن ابی عمرو الدانی، مسند احمد و ابن یعلی، و بزار، صحیح حاکم، معاجم طبرانی، و رویانی، و دارقطنی، و ابو نعیم در کتاب اخبار المهدی، و خطیب در تاریخ بغداد، و ابن عساکر در تاریخ دمشق و غیر اینها.

و بعضی از دانشمندان اسلامی درباره مهدی علیه السلام کتاب های ویژه ای نوشته اند عده ای از بزرگان و دانشمندان متقدم و متأخر نیز در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام متواتر است و به هیچ وجه قابل انکار نیست. از آن جمله است:

سخاوی در کتاب فتح المغیث، محمد بن احمد سفارینی در کتاب شرح العقیده، ابو الحسن آبری در کتاب مناقب الشافعی، ابن تیمیه در کتاب فتاواش، سیوطی در کتاب الحاوی، ادریس عراقی در تالیفی که درباره مهدی دارد، شوکانی در کتاب التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح، محمد بن جعفر کنانی در نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر و ابو العباس بن عبدالمؤمن در کتاب الوهم المکتون من کلام ابن خلدون.

حافظان، بزرگان و دانشمندان علم حدیث نیز تصریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام شامل احادیث «صحیح» و «حسن» است و مجموع آنها متواتر و صحّت آنها قطعی است. بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام بر هر مسلمانی واجب است و جزء عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی اطلاع از اسلام و بدعتگزار، منکر آن نخواهند بود.^۱ چکیده دیدگاه اهل سنت در باره «مهدویت» را می توان در این سخن ابوالحسن آبری به دست آورد:

۱. حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۳۹؛ «ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان» ص ۱۲۵، به نقل از بیان گنجی شافعی که همراه با «احادیث المهدی مسند احمد بن حنبل» در سال ۱۴۱۵ توسط موسسه نشر اسلامی در قم چاپ شده است.

به تحقیق [در این زمینه] روایات متواتر است و از رسول خدا به طور مستفیض رسیده که مهدی از اهل بیت اوست... و زمین را از عدل آکنده می‌سازد. عیسی علیه السلام برای کمک به او در کشتن دجال خروج می‌کند. مهدی علیه السلام امام و پیشوای این امت است و عیسی پشت سر او نماز اقامه خواهد کرد.^۱

۹. شیعه و اهل سنت درباره حضرت مهدی علیه السلام در چه مواردی اشتراک دارند؟

اگر چه باورهای اهل سنت در پاره‌ای موارد با اعتقاد شیعه تفاوت‌هایی دارد، اما در مواردی نیز مشترکاتی وجود دارد.^۲ برخی از موارد مشترک از این قرار است:

۱. نسب حضرت مهدی علیه السلام

یکی از مواردی که بین شیعه و سنی تا حدودی اتفاق نظر وجود دارد، نسب حضرت مهدی علیه السلام است. اگر چه شیعه این نسب را تا پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام به روشنی تمام، مشخص و معرفی کرده، اما، اهل سنت در موارد معینی بدان اشاره کرده‌اند، که از این قرار است:

الف) حضرت مهدی علیه السلام از اهل بیت و فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

ابن ماجه در سنن خود نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مهدی از ما اهل بیت است و خداوند یک شبه امر او را به سامان می‌آورد.^۳

ب) حضرت مهدی علیه السلام از نسل حضرت علی علیه السلام:

از دیگر موارد اتفاق روایات بین شیعه و سنی، از نسل علی علیه السلام بودن مهدی علیه السلام است:

سیوطی در عرف الوردی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفته و فرمود:

از نسل این، به زودی جوانی خروج خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد می‌کند...^۴

شیخ صدوق از حضرت باقر علیه السلام چنین آورده:

امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام بازگشت از نهران در کوفه خطبه می‌خواند، در این میان خبر

۱. المهدی المنتظر، ج ۱، ص ۶۰.

۲. در سنامه مهدویت، ج ۱، درس چهارم و پنجم.

۳. سنن ابن ماجه، باب خروج المهدی علیه السلام، ج ۲، ح ۴۰۸۵؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۷؛ دلایل الامامة، ص ۲۴۷؛ سنن ترمذی، ج ۴، باب ما جاء فی المهدی علیه السلام، ح ۲۲۳۰، ۲۲۳۱.

۴. جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، کتاب: الغرف الوردی، ص ۷۴ و ص ۸۸.

رسید که معاویه از او بدگویی می‌کند و بر او نفرین می‌فرستد و یارانش را می‌کشد. حضرت بلند شد و خطبه‌ای خواند تا بدان جا که فرمود: از فرزندان من است مهدی این امت.^۱

ج) از نسل حضرت زهرا علیها السلام:

در روایات فراوانی از اهل سنت به این مطلب تصریح شده که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام است:

ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛^۲ مهدی از فرزندان فاطمه است.

شیخ طوسی نیز از امام باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

مهدی مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام است.^۳

۲. ویژگی‌های جسمانی حضرت مهدی علیه السلام

در باره ویژگی‌های جسمانی حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور روایات فراوانی در کتاب‌های شیعی و اهل سنت آمده است. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: قدرت مند بودن آن حضرت هنگام ظهور، چهره نورانی، و پیشانی بلند و بینی کشیده و...^۴ از امام علی علیه السلام نقل شده که به فرزند خود امام حسین علیه السلام نگاه کرده، فرمود: خداوند از نسل این، کسی را پدید خواهد آورد که هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله باشد... و او مردی است پیشانی بلند و کشیده بینی...^۵

۳. هم نام بودن مهدی با پیامبر صلی الله علیه و آله

اهل سنت و شیعه اتفاق نظر دارند که حضرت مهدی علیه السلام هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله است.^۶

۱. معانی الاخبار، ص ۵۸ بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۴۵.

۲. سنن ابن ماجه، باب خروج المهدي، ح ۴۰۸۶، سنن ابی داود، ج ۴، کتاب المهدي، ح ۴۲۸۴؛ الفتن، ص ۳۷۵؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

۳. غیبت طوسی، ص ۱۸۶؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۴؛ کشف الغم، ج ۲، ص ۴۳۸؛ العمدة، ص ۴۳۳؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۶۸.

۴. المصنف، ح ۲۰۷۷۳؛ سنن ابی داود، ج ۴، ح ۲۴۸۵.

۵. غیبت نعمانی، ص ۲۱۴، ح ۲؛ کشف الغم، ج ۳، ص ۲۵۹؛ الطرائف، ج ۱، ص ۱۷۷؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۲.

۶. مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المتظر، ص ۴۵، ص ۵۵.

حتی در روایتی تصریح به نام آن حضرت کرده نوشته‌اند ابن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که ایشان فرمود: «اسم المهدی محمد». ^۱ اگر چه در بقیه روایات با همان تعبیر «اسمه اسمی» آورده‌اند.

۴. نشانه‌های ظهور

در منابع روایی شیعه از پاره‌ای از حوادث که در آینده رخ خواهد داد با عنوان نشانه‌های ظهور یاد شده است. این نشانه‌ها به صریح روایات به دو دسته حتمی و غیر حتمی تقسیم شده است، برخی از آنها در منابع اهل سنت نیز مورد اشاره قرار گرفته است که عبارتند از: ندای آسمانی، ^۲ خروج سفیانی، و خسف در بیداء. ^۳

۵. ویژگی‌های حکومت مهدی علیه السلام

از جمله ویژگی‌هایی که به طور مشترک در روایات شیعه و سنی مورد اشاره قرار گفته می‌توان به عدالت گستری، ^۴ رفاه و آسایش همگانی، ^۵ رضایت فراگیر از حکومت مهدی علیه السلام، ^۶ امنیت همه جانبه و عمومی، ^۷ احساس بی‌نیازی در مردم، ^۸ و جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرد. ^۹

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی قائم قیام نماید هیچ زمینی نخواهد ماند، مگر آن که در آن ندای شهادتین
(اشهد أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله) سر داده خواهد شد. ^{۱۰}

آنچه ذکر شد فقط پاره‌ای از مشترکات بین شیعه و سنی در موضوع مهدویت بود.

۱. جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۸۸

۲. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۹۳؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۷۹، ص ۸۳، ص ۹۹.

۳. «فَيُبْعَثُ إِلَيْهِ جَيْشٌ مِنَ الشَّامِ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُصِيفَ بِهِمْ...»؛ المصنف، ج ۱۱، ص ۳۷۱.

۴. ابن ابی شیبہ، المصنف، ح ۱۹۴۸۴؛ سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲.

۵. گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، ص ۴۳، ح ۲۲؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۱، عقد الدرر، ص ۱۹۵؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۷، ح ۱۹۴۸۴.

۶. صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷۰؛ البیان، ص ۴۲، ح ۲۱.

۷. مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۰۷؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۷۹.

۸. احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۷؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، باب ۸، ص ۲۱۹.

۹. مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، باب دوم، یک حدیث به آخر.

۱۰. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۸۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

مسلماناً با تحقیق و پژوهش بیشتر به مواردی افزون بر آنچه آمد، دست خواهیم یافت.

۶. نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدای او به امام مهدی علیه السلام

ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: وَ يُنَزَّلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ فَيَصَلِي خَلْفَهُ؛ نازل می شود روح الله عیسی بن مریم، پس نماز می خواند پشت سر او (امام مهدی علیه السلام).^۱
 ابوهریره از راویان بزرگ عامه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند: «کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم؛ چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود آید در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟»^۲

در صحیح مسلم که از اصلی ترین کتب حدیثی اهل سنت است آمده است که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که حضرت فرمود: «دائماً طایفه ای از امتم بر حق و ظاهرند تا روز قیامت. سپس فرمود: عیسی بن مریم از آسمان فرود آید. امیر آنها به حضرت عیسی می گوید پیش آی و برای ما امامت کن او در جواب می گوید: خیر به راستی بعضی از شما بر بعضی دیگر امیر است به جهت اکرام خدا بر این امت.»^۳

ابو سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمودند: «منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه؛ از ماست کسی که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و نماز می گزارد.»^۴

۱۰. چه شباهت‌هایی میان پیامبران الهی صلی الله علیه و آله و امام مهدی علیه السلام وجود دارد؟

بی گمان حضرت مهدی عصاره همه خوبی‌ها و خوبان عالم است. او شبیه بسیاری از پیامبران است که در راه برپایی نظام توحیدی از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند. اگر چه روایاتی پرشمار در این باره در دست است اما در این جا به دو روایت اشاره می شود:

سعید بن جبیر می گوید از امام زین العابدین علیه السلام شنیدم که فرمود:

در قائم ما چند سنت از سنن پیغمبران است: سستی از آدم و سستی از نوح و سستی از

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱؛ اعلام الوریاء، ص ۳۹۱؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۲. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵.

۳. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۷.

۴. مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴.

ابراهیم، و سنتی از موسی، و سنتی از عیسی و سنتی از ایوب و سنتی از محمد ﷺ، اما آن سنتی که از آدم و نوح دارد طول عمر است، از ابراهیم پنهان بودن ولادتش و دوری گزیدن وی از مردم است، از موسی ترس و غیبت از مردم، از عیسی اختلافی که مردم درباره او دارند، از ایوب، فرج بعد از شدت، و از محمد ﷺ قیام با شمشیر است.^۱ محمد بن مسلم روایت نموده که گفت: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم تا درباره قائم آل محمد علیه السلام از آن حضرت پرسشی کنم. پیش از آن که سوالی کنم، فرمود: ای محمد بن مسلم، در قائم آل محمد علیه السلام پنج شباهت از پیغمبران است: شباهت یونس بن متی، یوسف بن یعقوب، موسی، عیسی و محمد علیه السلام.

شباهتی که به یونس دارد، غیبت اوست که بعد از پیری به صورت جوانی به سوی قریش بازگشت. شباهت او به یوسف؛ غیبت و پنهانی او از خواص خود و عموم مردم و برادرانش و اشکالی بود که کار او برای پدرش یعقوب پدید آورده بود، با این که مسافت بین او و پدر و کسان و علاقه مندانش نزدیک بود. شباهتی که به موسی دارد، ترس ممتد او از مردم و غیبت طولانی و مخفی بودن ماجرای ولایتش، و پنهان گشتن پیروان او به واسطه آزار و خواری که بعد از وی به آنها رسید؛ تا جایی که خداوند متعال، فرمان را صادر کرد و بر دشمنانش پیروز داشت. شباهت او به عیسی، اختلافی است که مردم درباره او دارند. زیرا جماعتی گفتند: او متولد نشده، و عده‌ای گفتند: او مرده است، و گروهی نیز گفتند: او را کشتند و به دار آویختند...^۲

۱۱. ماجرای ازدواج امام حسن عسکری علیه السلام با شاهزاده رومی چگونه بوده است؟

روایات، حکایت از آن دارد که مادر امام مهدی علیه السلام شاهزاده‌ای رومی است به نام «ملیکه» دختر یشوعا نوه قیصر روم که جد مادری وی «شمعون» وصی حضرت عیسی است که به گونه‌ای اعجاز آمیز به بیت شریف امام عسکری علیه السلام راه یافته است و به نام «نرجس» خوانده شده است.

اینک به جهت زیبایی و اعجاز، متن کامل این ماجرا را به نقل از شیخ صدوق می‌آوریم:

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۳ و ج ۲، ص ۵۷۷ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۷؛ کشف الغمه، ص ۵۲۳.

شیخ صدوق؛ در کتاب کمال الدین و تمام النعمة، حکایت مادر حضرت مهدی علیه السلام را ضمن داستانی مفصل، این گونه نقل کرده است: بشر بن سلیمان نخاس گفت: من از فرزندان ابویوب انصاری و یکی از موالیان امام هادی و امام عسکری علیه السلام و همسایه آنها در «سَرِّ مَنْ رَايَ» (سامرا) بودم. مولای ما امام هادی مسائل بنده فروشی را به من آموخت و من جز با اذن او، خرید و فروش نمی کردم. از این رو از موارد شبهه ناک اجتناب می کردم تا آن که معرفتم در این باب کامل شد و فرق میان حلال و حرام را نیکو دانستم.

یک شب که در «سامرا» در خانه خود بودم و پاسی از شب گذشته بود، کسی در خانه را کوفت. شتابان به پشت در آمدم، دیدم کافور فرستاده امام هادی است که مرا به نزد آن حضرت می خواند. لباس پوشیدم و بر ایشان وارد شدم. دیدم با فرزندش ابومحمد و خواهرش حکیمه خاتون از پس پرده گفت و گو می کند. وقتی نشستیم، فرمود: ای بشر! تو از فرزندان انصاری و اعتقاد به ولایت ائمه پشت در پشت، در میان شما بوده است و شما مورد اعتماد ما اهل بیت هستید. من می خواهم تو را مشرف به فضیلتی سازم که بدان بر دیگر شیعیان در موالات ما سبقت بجویی. تو را از سرّی آگاه می کنم و برای خرید کنیزی گسیل می دارم. آن گاه نامه ای به خط و زبان رومی نوشت و آن را به هم پیچید و با خاتم خود مهر کرد. دستمال زرد رنگی را که در آن ۲۲۰ دینار بود بیرون آورد و فرمود: آن را بگیر و به بغداد برو و ظهر فلان روز، در معبر نهر فرات حاضر شو و چون زورق های اسیران آمدند، گروهی از وکیلان فرماندهان بنی عباس و خریداران و جوانان عراقی دور آنها را بگیرند.

وقتی چنین دیدی، سراسر روز شخصی به نام عمر بن یزید برده فروش را زیر نظر بگیر و چون کنیزی را که صفتش چنین و چنان است و دو تکه پارچه حریر در بر دارد، برای فروش عرضه بدارد و آن کنیز از گشودن رو و لمس کردن خریداران و اطاعت آنان سرباز زند، تو، به آن مشتری مهلت بده و تأملی کن. بنده فروش، آن کنیز را بزند و او به زبان رومی ناله و زاری کند و گوید: وای از هتک ستر من! یکی از خریداران گوید: من او را سیصد دینار خواهم خرید که عفاف او باعث فزونی رغبت من شده است و او به زبان عربی گوید: اگر در لباس سلیمان و کرسی سلطنت او جلوه کنی، در تو رغبتی ندارم، اموالت را بیهوده خرج مکن! برده فروش گوید: چاره چیست؟ گریزی از فروش تو نیست، آن کنیز گوید: چرا شتاب می کنی باید خریداری باشد که دلم به امانت و دیانت او اطمینان یابد، در این هنگام

برخیز و به نزد عمر بن یزید برو و بگو: من نامه‌ای سر بسته از یکی از اشراف دارم که به زبان و خط رومی نوشته و کرامت و وفا و بزرگواری و سخاوت خود را در آن نوشته است.

نامه را به آن کنیز بده تا در خُلق و خوی صاحب خود تأمل کند. اگر بدو مایل شد و بدان رضایت داد، من وکیل آن شخص هستم تا این کنیز را برای وی خریداری کنم.

پسر بن سلیمان گوید: همه دستوره‌های مولای خود امام هادی را درباره خرید آن کنیز به جای آوردم و چون در نامه نگریست، به سختی گریست و به عمر بن یزید گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش! و سوگند اکید بر زبان جاری کرد که اگر او را به صاحب نامه نفروشد، خود را خواهد کشت. در مورد بهای آن گفت و گو کردم تا آن که بر همان مقداری که مولایم در دستمال زرد رنگ همراه کرده بود، توافق کردیم. و دینارها را از من گرفت و من هم کنیز را خندان و شادان تحویل گرفتم. و به حجره‌ای که در بغداد داشتم، آمدم و چون به حجره در آمد، نامه مولایم را از جیب خود در آورده، آن را می‌بوسید و به گونه‌ها و چشمان و بدن خود می‌نهاد و من از روی تعجب به او گفتم: آیا نامه کسی را می‌بوسی که او را نمی‌شناسی؟ گفت: ای درمانده و ای کسی که به مقام اولاد انبیاء معرفت کمی داری!

به سخن من گوش فرا دار و دل به من بسپار که من «ملیکه» دختر «یشوعا» قیصر روم هستم. مادرم از فرزندان حواریون (شمعون و صیّی مسیح) است. برای تو داستان شگفتی نقل می‌کنم: جدّم قیصر روم می‌خواست مرا در سن سیزده سالگی به عقد برادر زاده‌اش در آورد و در کاخش محفلی از افراد زیر تشکیل داد: سیصد تن اولاد حواریون و کشیشان و رهبانان، هفتصد تن از رجال و بزرگان و چهار هزار تن از امیران لشکری و کشوری و امیران عشائر. تخت زیبایی که با انواع جواهر آراسته شده بود، در پیشاپیش صحن کاخش و بر بالای چهل سکو قرار داد و چون برادر زاده‌اش بر بالای آن رفت و صلیب‌ها افراشته شد و کشیش‌ها به دعا ایستادند و انجیل‌ها را گشودند؛ ناگهان صلیب‌ها به زمین سرنگون شد و ستون‌ها فرو ریخت و به سمت میهمانان افتاد و آن که بر بالای تخت رفته بود، بی هوش بر زمین افتاد. رنگ از روی کشیشان پرید و پشتشان لرزید و بزرگ آنها به جدم گفت: ما را از ملاقات این نحس‌ها که دلالت بر زوال دین مسیحی و مذهب ملکانی دارد معاف کن! جدم از این حادثه فال بد زد و به کشیش‌ها گفت: این ستون‌ها را بر پا سازید و صلیب‌ها را برافرازید و برادر این بخت برگشته بدبخت را بیاورید تا این دختر را به ازدواج او در آورم و نحوست او را به

سعادت آن دیگری دفع سازم. چون دوباره مجلس جشن برپا کردند، همان پیشامد اول برای دومی نیز تکرار شد و مردم پراکنده شدند و جدم قیصر اندوهناک گردید و به داخل کاخ خود درآمد و پرده‌ها افکنده شد.

من در آن شب در خواب دیدم که مسیح و شمعون و گروهی از حواریون در کاخ جدم گرد آمدند و در همان موضعی که جدم تخت را قرار داده بود، منبری نصب کردند که از بلندی سر به آسمان می‌کشید. پس حضرت محمد به همراه جوانان و شماری از فرزنداناش وارد شدند.

مسیح به استقبال او آمد و با او معانقه کرد. آن گاه محمد به او گفت: ای روح الله! من آمده‌ام تا از وصی تو شمعون دخترش ملیکا را برای این پسرم خواستگاری کنم و با دست خود اشاره به ابو محمد صاحب این نامه کرد. مسیح به شمعون نگریست و گفت: شرافت نزد تو آمده است با رسول خدا خویشاوندی کن. گفت: چنین کردم، آن گاه محمد بر فراز منبر رفت و خطبه خواند و مرا به پسرش تزویج کرد. مسیح و فرزندان محمد و حواریون همه گواه بودند و چون از خواب بیدار شدم، ترسیدم اگر این رؤیا را برای پدر و جدم بازگو کنم، مرا بکشند. آن را در دلم نهان ساخته و برای آنها بازگو نکردم.

سینه‌ام از عشق ابو محمد لبریز شد تا به غایتی که دست از خوردن و نوشیدن کشیدم و ضعیف و لاغر شدم و سخت بیمار گردیدم. در شهرهای روم طیبی نماند که جدم او را بر بالین من نیاورد و درمان مرا از وی نخواست و چون ناامید شد، به من گفت: ای نور چشم! آیا آرزویی در این دنیا داری تا آن را بر آورده سازم؟ گفتم: ای پدر بزرگ! همه درها به رویم بسته شده است، اگر شکنجه و زنجیر را از اسیران مسلمانی که در زندان هستند، بر می‌داشتی و آنان را آزاد می‌کردی، امیدوارم که مسیح و مادرش شفا و عافیت به من ارزانی کنند. چون پدر بزرگم چنین کرد، اظهار صحت و عافیت کردم و اندکی غذا خوردم. پدر بزرگم بسیار خرسند شد و به عزت و احترام اسیران پرداخت. پس از چهار شب دیگر سیده النساء را در خواب دیدم که به همراهی مریم و هزار خدمت کار بهشتی از من دیدار کردند. مریم به من گفت: این سیده النساء مادر شوهرت ابو محمد است. من به او در آویختم و گریستم و گلایه کردم که ابو محمد به دیدارم نمی‌آید، سیده النساء فرمود: تا تو مشرک و به دین نصارا باشی، فرزندم ابو محمد به دیدار تو نمی‌آید. این خواهرم مریم است که از دین تو به خداوند تبری می‌جوید.

اگر تمایل به رضای خدای تعالی و رضای مسیح و مریم داری و دوست داری که ابو محمد تو را دیدار کند، پس بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

چون این کلمات را گفتم، سیده النساء مرا در آغوش گرفت و مرا خوشحال کرد و فرمود: اکنون در انتظار دیدار ابو محمد باش که او را نزد تو روانه می‌سازم. پس از خواب بیدار شدم و گفتم: واشوقاه به دیدار ابو محمد! و چون فردا شب فرارسید، ابو محمد در خواب به دیدارم آمد. گویا به او گفتم: ای حبیب من! پس از آن که همه دل مرا به عشق خود مبتلا کردی، در حق من جفا کردی! او فرمود: تأخیر من برای شرک تو بود. حال که اسلام آوردی، هر شب به دیدار تو می‌آیم تا آن که خداوند وصال ظاهری را میسر گرداند. از آن زمان تا کنون هرگز دیدار او از من قطع نشده است.

بشر گوید از او پرسیدم: چگونه در میان اسیران در آمدی؟ او پاسخ داد: یک شب ابو محمد به من گفت: پدر بزرگت در فلان روز لشکری به جنگ مسلمانان می‌فرستد و خود هم در پی آنان می‌رود؛^۱ و بر تو است که در لباس خدمت گزاران در آیی و به طور ناشناس از فلان راه بروی و من نیز چنان کردم. طلایه داران سپاه اسلام بر سر ما آمدند و کارم بدان جا رسید که دیدی. هیچ کس جز تو نمی‌داند که من دختر پادشاه رومم که خود به اطلاع تو رسانیدم. آن مردی که من در سهم غنیمت او افتادم، نامم را پرسید و من آن را پنهان داشتم و گفتم: نامم نرجس است و او گفت: این نام کنیزان است.

گفتم: شگفتا تو رومی هستی؛ اما به زبان عربی سخن می‌گویی! گفت: پدر بزرگم در آموختن ادبیات به من حریص بود و زن مترجمی را بر من گماشت و هر صبح و شامی به نزد من می‌آمد و به من عربی آموخت تا آن که زبانم بر آن عادت کرد.

بشر گوید: چون او را به «سَرَّ من رای» رسانیدم و بر مولایمان امام هادی علیه السلام وارد شدم، بدو فرمود: چگونه خداوند عزت اسلام و ذلت نصرانیت و شرافت اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله را به تو نمایاند؟ گفت: ای فرزند رسول خدا! چیزی را که شما بهتر می‌دانید، چگونه بیان کنم؟

۱. در کتاب تاریخ العرب و الروم آمده است: در سال ۲۴۷ هجری قمری جنگهایی بین مسلمانان و رومیان در گرفت و غنایم بسیاری به جنگ مسلمانان افتاد. در ۲۴۸ قمری نیز «بلکا جور» سردار مسلمانان با رومیان جنگید و طی آن بسیاری از اشراف روم اسیر شدند. (ر. ک. نازلیف، تاریخ العرب و الروم، ترجمه محمد عبدالهادی شعیره، ص ۲۲۵) ابن اثیر نیز طی حوادث سال ۲۴۹ قمری می‌نویسد: جنگی میان مسلمانان به سرکردگی عمر بن عبدالله؛ اقطع و جعفر بن علی صائقه با قوای روم که شخص قیصر نیز در آن جنگ شرکت داشت روی داد. به نقل از کتاب معرفت امام عصر و نکالیف منتظران ص ۲۵.

فرمود: من می‌خواهم تو را اکرام کنم، کدام را بیشتر دوست می‌داری: ده هزار درهم؟ یا بشارتی که در آن شرافت ابدی است؟ گفت: بشارت را، فرمود: بشارت باد تو را به فرزندی که شرق و غرب عالم را مالک شود و زمین را پیر از عدل و داد نماید، هم چنان که پیر از ستم و جور شده باشد. گفت: از چه کسی؟ فرمود: از کسی که رسول خدا در فلان شب از فلان ماه از فلان سال رومی، تو را برای او خواستگاری کرد. پرسید: از مسیح و جانشین او؟ فرمود: پس مسیح و وصی او تو را به چه کسی تزویج کردند؟ گفت: به پسر شما ابو محمد! فرمود: آیا او را می‌شناسی؟ گفت: از آن شب که به دست مادرش سیدة النساء اسلام آورده‌ام، شبی نیست که او را نبینم.

امام هادی علیه السلام فرمود: ای کافور! خواهرم حکیمه را فراخوان و چون حکیمه آمد... او را زمانی طولانی در آغوش کشید و به دیدار او مسرور شد، پس از آن مولای ما فرمود: ای دختر رسول خدا او را به منزل خود ببر و فرایض و سنن را به وی بیاموز که او زوجه ابو محمد و مادر قائم است.^۱

۱۲. علت تولد پنهانی حضرت مهدی علیه السلام چه بوده و آیا این اتفاق پیش از آن سابقه داشته است؟

شکی نیست که فشار سیاسی بر امام حسن عسکری علیه السلام [و کنترل آن حضرت برای دست رسی به فرزند گرامی اش امام مهدی علیه السلام] به حدی شدید بود که ایشان به شیعیان و اصحاب خود سفارش کرده بود حتی در ملاعام بر او سلام نکنند یا با دست به سمت ایشان اشاره نکنند، زیرا در غیر این صورت در امان نخواهند بود.^۲ و شدت و فشار به جایی رسیده بود که گاهی امام حسن عسکری علیه السلام برای ملاقات با اصحاب خود، کسی را به سراغ آنان می‌فرستاد و می‌فرمود: در فلان شب در فلان موضع بعد از نماز عشاء جمع شوید که مرا در آن جا خواهید دید.^۳

در این موقعیت حساس باید امام مهدی علیه السلام به دنیا می‌آمد. کسی که آخرین حجت خدا و موعودی بود که پیامبر ظهور و عدالت گستری او را وعده داده بود. امامی که بیعت هیچ کس

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۱۸، باب ۴۱، ح ۱؛ غیث شیخ طوسی، ص ۲۰۹.

۲. الخرائج، ج ۱، ص ۴۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹، ح ۳۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۰۴، ح ۸۰.

بر گردن او نبوده و با آمدنش بساط ظلم و حکومت‌های ستمگر را برمی‌چید.
 با توجه بر مبنای بشارت‌های کتب پیشینیان، و هم چنین احادیث اسلامی، اشتهار یافته بود که از امام یازدهم فرزندی پدید آید، که ویران‌کننده تخت‌ها و فرو افکننده تاج‌ها، و پای مال‌کننده قدرت‌هاست... و بنای حکومت وقت بر جلوگیری از ولادت و نابودی این نوزاد با استفاده از جاسوسان بسیار بود اما خداوند با قدرت خود این نوزاد را به جهان هدیه کرد.
 بدین علت بود که چگونگی احوال مهدی علیه السلام، دورانی که در شکم مادر بزرگوار خود بود، و سپس تولد او همه و همه، از مردم نهان داشته می‌شد، و جز چند تن معدود، از نزدیکان، یا شاگردان و اصحاب خاص امام عسکری علیه السلام، کسی او را پس از به دنیا آمدن نمی‌دید. آنان نیز مهدی را گاه گاه می‌دیدند، نه پیوسته و به صورت عادی.^۱

درباره چگونگی ولادت ایشان مشهورترین گزارشی را که می‌توان ارائه کرد سخنان ارزشمند بانوی بزرگوار حضرت حکیمه علیها السلام - عمه امام عسکری علیه السلام - است.

شیخ صدوق، این حادثه بزرگ را از زبان آن بانوی بزرگ چنین آورده است: حکیمه دختر امام جواد علیه السلام گوید: امام حسن عسکری علیه السلام مرا به نزد خود فراخواند. و فرمود: ای عمه! امشب افطار نزد ما باش! که شب نیمه شعبان است و خدای تعالی امشب حجت خود را که حجت او در روی زمین است ظاهر سازد. گوید: گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس. گفتم: فدای شما شوم اثری در او نیست، فرمود: همین است که به تو می‌گویم. گوید: آمدم و چون سلام کردم و نشستم، نرجس آمد کفش مرا بر دارد و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم حالتان چطور است؟

گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی، گوید: از کلام من ناخرسند شد و گفت: ای عمه جان! این چه فرمایشی است؟ گوید: بدو گفتم: ای دختر جان! خدای تعالی امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقا است. گوید: نرجس خجالت کشید و حیا کرد. و چون از نماز عشا فارغ شدم، افطار کردم و در بستر خود قرار گرفته و خوابیدم. در دل شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم؛ در حالی که نرجس خوابیده بود و رخدادی برای وی نبود. سپس برای تعقیبات نشستم و پس از آن نیز دراز کشیدم و هراسان بیدار شدم. او هم چنان خواب بود، پس برخاست و نماز گزارد و خوابید.

۱. خورشید مغرب، ص ۲۲۲۱، با تصرف.

حکیمه گوید: بیرون آمدم و در جست و جوی فجر به آسمان نگریستم و دیدم فجر اول دمیده است و او در خواب است. شک بر دلم عارض گردید، ناگاه ابو محمد از محل خود فریاد زد: ای عمه! شتاب مکن که این جا کار نزدیک شده است. گوید: نشستیم و به قرائت سوره «الم سجده» و سوره «یس» پرداختیم. در این میان او هراسان بیدار شد و من به نزد او پریدم و بدو گفتم: اسم الله بر تو باد، آیا چیزی را احساس می کنی؟ گفت: ای عمه! آری. گفتم: خودت را جمع کن و دلت را استوار دار که همان است که با تو گفتم، حکیمه گوید: مرا و نرجس را ضعفی فرا گرفت و به آواز سرورم به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و ناگهان سرور خود را دیدم که در حال سجده است و مواضع سجودش بر زمین است. او را در آغوش گرفتم، دیدم پاک و نظیف است. ابو محمد فریاد بر آورد: ای عمه! فرزندم را به نزد من آور! او را نزد وی بردم و او دو کف دستش را گشود و فرزند را در میان آن قرار داد و دو پای او را به سینه خود نهاد. پس زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل وی کشید. سپس فرمود: ای فرزندم! سخن گوی: گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» سپس درود بر امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام فرستاد تا آن که بر پدرش رسید و زبان در کشید.^۱

معمولاً کسی که دارای فرزند می شود، خویشان، دوستان و همسایگان از آن آگاه می شوند، به ویژه اگر شخص دارای موقعیت اجتماعی ممتاز باشد، این مسئله از کسی پوشیده نمی ماند. اما با توجه به آنچه یاد شد از مهم ترین ویژگی های ولادت حضرت مهدی علیه السلام مخفی بودن آن است.

خداوند متعال می دانست اگر امامان پیشین ظاهر شوند از کشته شدن در امان خواهند بود بر خلاف مهدی علیه السلام که اگر ظاهر شود کشته خواهد شد و اگر یکی از پدران مهدی کشته می شد حکمت و تدبیر الهی اقتضا می کرد دیگری به جای او نصب گردد ولی اگر مهدی کشته شود مصلحت و تدبیر امور انسان ها اقتضا نمی کرد که خداوند امام دیگری به جای وی نصب نماید.

امام عسکری علیه السلام با بیانی لطیف این حقیقت را در پاسخ به حکیمه خاتون عمه خویش که

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۲۴، باب ۴۲، ح ۱؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۲۳۸؛ کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۴۴۹.

پرسیده بود: از چه کسی حضرت مهدی عج متولد می شود و من در نرجس آثار بارداری نمی بینم؟ این گونه بیان فرموده است: «از همان نرجس. نه از دیگری.» حکیمه گوید: به نزد او رفتم و پشت و شکم او را واری کردم و آثار بارداری در او ندیدم، به نزد امام برگشتم و کار خود را به او گزارش کردم، تبسمی فرمود و گفت: «در هنگام فجر آثار بارداری برایت نمودار خواهد گردید، زیرا مثل او مثل مادر موسی ع است که آثار بارداری در او ظاهر نگردید و کسی تا هنگام ولادتش از آن آگاه نشد، زیرا فرعون در جست و جوی موسی، شکم زنان باردار را می شکافت و این نظیر موسی ع است.»^۱ البته این پنهان بودن ولادت در موارد فراوانی نقل شده که می توان از آن جمله به ولادت پنهانی ابراهیم خلیل ع از ترس کشته شدن به دست پادشاه زمانش و هم چنین به ولادت پنهانی موسی بن عمران ع از ترس کشته شدن به دست فرعون اشاره کرد.

ویژگی های جسمانی

اگر چه ولادت و زندگانی پنهانی حضرت مهدی عج راه را بر فهم دقیق و شفاف ویژگی های جسمانی آن حضرت تا حدود زیادی بسته است اما از آنچه از روایات معصومین ع که در دست است می توان به پاره ای از این ویژگی ها این گونه اشاره کرد: مرحوم کلینی در کتابش از مردی از اهل فارس نقل کرده که برخی اوصاف حضرت را در نوزادی این گونه بیان کرده است: «...پسر بچه سفید زیبا روی... مویی از بالای سینه تا ناف او به رنگ سبز، نه سیاه، رویده بود...»^۲

۱۳. آیا ممکن است انسانی در سن کودکی به مقام نبوت یا امامت نائل شود؟

از دیدگاه شیعه، «امامت» امر و منصبی الهی است و ناگزیر باید خداوند کسی را که شایسته می داند، برگزیند و به وسیله پیامبر اکرم ص شخص او را برای مردم معرفی کند. بنابراین خداوند مقام امامت و ولایت را به جهت قابلیت های ذاتی به افرادی ویژه عطا فرموده و فقط از طرف ذات اوست که امام بر جامعه نصب می گردد.

۱. همان، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵، باب ۴۳، ح ۴.

در این دیدگاه تصریح شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موارد فراوان و مواضع گوناگونی، به خلافت و جانشینی حضرت علی علیه السلام و امامت و ولایت او بر مؤمنان و سپس یازده تن از فرزندان معصوم وی تصریح کرده است. بر اساس روایات قطعی و متواتر، ثابت است که خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و امام و پیشوای مسلمانان، حضرت علی علیه السلام و سپس یازده فرزند معصوم اوست که آخرین آنان حضرت مهدی علیه السلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایات فراوانی به معرفی امامان معصوم علیهم السلام پرداخته و به ویژه به امامت و پیشوایی امام مهدی علیه السلام تصریح و تأکید کرده است:

همانا جانشینان و اوصیای من و حجت‌های خداوند بر بندگان پس از من، دوازده تن هستند؛ نخستین آنان برادرم و واپسین ایشان فرزندم می‌باشد. گفته شد: ای رسول خدا! برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. گفته شد: فرزندات کیست؟ فرمود: مهدی که زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد؛ همان‌گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد.^۱

در روایات دیگری نیز به نام همه آنها تصریح شده است.^۲

افزون بر آنچه در روایات آمده شواهد فراوان تاریخی نیز بر این گواه است که برخی از آن پیشوایان در سنّ پیش از بلوغ جسمانی به نبوت و امامت رسیده‌اند. و بدون شک به پیشوایی آنها تأکید شده است.

نبوت حضرت عیسی علیه السلام در سنین کودکی

در بخشی از داستان حضرت مسیح علیه السلام از زبان آن پیامبر الهی در جواب منکران چنین می‌خوانیم:

﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾^۳ [کودک] گفت: من بنده خدا هستم، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است.

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۲۷؛ المناقب، ج ۱، ص ۲۹۶؛ کشف الغممه، ج ۲، ص ۵۰۷؛ اعلام الوری، ص ۳۹۱.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۸، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳؛ غیبت نعمانی، ص ۶۲، ح ۵؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۱، ح ۲، ص ۴۶، ح ۵؛ القاب الرسول و عترته، ص ۱۳؛ احتجاج، ج ۱، ص ۱۶۲؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۴۳، ح ۱۰۸.

۳. مریم، آیه ۳۰.

یزید کناسی می گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا عیسی بن مریم علیها السلام، هنگامی که در گهواره سخن گفت، حجت خدا بر اهل زمان خود بود؟ حضرت فرمود: او آن زمان پیغمبر و حجت غیر مرسل خدا بود (یعنی در آن زمان مأمور به تبلیغ و دعوت نبود) مگر نمی شنوی گفته خود او را که می گوید: من بنده خدایم خدا به من کتاب داده و پیغمبر ساخته و هر جا باشم پر برکتتم قرار داده و تا زنده باشم مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.

عرض کردم: در آن زمان و در همان حالی که در گهواره بود، حجت خدا بود بر زکریا؟ فرمود: عیسی در همان حال آیه ای بود برای مردم و رحمت خدا بود برای مریم، زمانی که سخن گفت و از سوی او دفاع کرد و پیغمبر بود و حجت بر هر که سخنش را در آن حال شنید. سپس سکوت نمود تا دو ساله شد، سخن نگفت و حجت خدای عز و جل بر مردم پس از سکوت عیسی تا دو سال زکریا بود، سپس زکریا در گذشت و پسرش یحیی، کتاب و حکمت را از او به ارث برد، در حالی که کودکی خردسال بود. مگر نمی شنوی خدای عز و جل را؟ ای یحیی کتاب (تورات) را با قوت بگیر و ما حکم نبوت را در کودکی به او دادیم. چون عیسی هفت ساله شد و خدای تعالی به او وحی فرستاد، از نبوت و رسالت خود سخن گفت، و بر یحیی و همه مردم حجت گشت....^۱

دادن کتاب و مقام نبوت به حضرت یحیی علیه السلام در کودکی

خداوند در این باره خطاب به حضرت یحیی می فرماید:

﴿يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾^۲ ای یحیی! کتاب خدا را به جد و جهد بگیر! ما از کودکی به وی حکم [نبوت] دادیم.

بنابراین همان گونه که خداوند متعال، مقام نبوت را به کودک خردسالی عطا فرمود؛ مقام امامت را نیز می تواند به انسانی با تمام صفات لازم، در سن کودکی عطا فرماید.^۳ البته پیش از حضرت مهدی علیه السلام دو امام (امام جواد و امام هادی علیهم السلام) نیز پیش از سن بلوغ به مقام امامت نایل آمدند و این شاید خود به نوعی ایجاد آمادگی برای پذیرش امامت حضرت مهدی، در سن کودکی بوده است.

۱. کافی، ج ۱، باب حالات الأئمة علیهم السلام فی السن؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۵۵ و ج ۱۸، ص ۲۷۸.

۲. مریم، آیه ۱۲.

۳. در سنانه مهدویت، ج ۲، درس اول.

نخستین امامی که در سن کودکی به امامت رسید، نهمین پیشوای شیعیان بود و از آن جا که این مسئله در دوران امامت بی سابقه بود، ابتدا مورد پرسش و تردید عده‌ای قرار گرفت؛ ولی کم‌کم با هدایت‌های امام رضا علیه السلام و سخنانی از خود آن حضرت، قلب شیعیان آرام گرفت.

معمربن خلاد گوید:

از امام رضا علیه السلام شنیدم که مطلبی راجع به امر امامت بیان کرد و سپس فرمود: شما چه احتیاجی به این موضوع دارید؟ این ابوجعفر است که او را به جای خود نشانیده، و قائم مقام خود ساخته‌ام و فرمود: ما خاندانی هستیم که خردسالان مان موبه‌مو از بزرگسالان مان ارث می‌برند.^۱

روایت یاد شده بیانگر این حقیقت است که مقام امامت، ربطی به کمی و یا زیادی سن ندارد.

البته انسان‌های وارسته فراوانی بودند که در برابر فرمایش امام، سر تعظیم و پذیرش فرود می‌آوردند و در برابر مشیت الهی، با کمال رضایت آن را می‌پذیرفتند.

شیخ کلینی از محمدبن حسن عمار نقل کرده که گوید:

من دو سال نزد علی بن جعفر بن محمد (عموی امام رضا علیه السلام) بودم و هر خبری که او از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام شنیده بود، می‌نوشتم. روزی در مدینه خدمتش نشسته بودم، ابوجعفر محمدبن علی الرضا در مسجد رسول خدا بر او وارد شد. علی بن جعفر برجست و بدون کفش و عبا، نزد او رفت و دستش را بوسید و احترامش کرد؛ ابوجعفر به او فرمود: ای عمو! بنشین خدایت رحمت کند. او گفت: آقای من! چگونه من بنشینم و شما ایستاده باشید؟

چون علی بن جعفر به مسند خود برگشت، اصحابش او را سرزنش کرده و گفتند:

شما عموی پدر او هستید و با او این‌گونه رفتار می‌کنید؟! او دست به ریش خود گرفت و گفت: خاموش باشید! اگر خدای عزوجل این ریش سفید را سزاوار امامت ندانست و این کودک را سزاوار دانست و به او چنان مقامی داد، من فضیلت او را انکار کنم؟ پناه

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۲؛ الاختصاص، ص ۲۷۹؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۶؛ بصائر الدرجات، ص ۲۹۶؛ کشف الغممه، ج ۲، ص ۳۵۱.

به خدا از سخن شما! من بنده او هستم.^۱

البته امامان معصوم علیهم السلام تا حدود زیادی زمینه را مساعد کرده و شیعیان را برای درک این مسئله آماده ساخته بودند.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده بود صاحب این امر کم سن و سال‌ترین و گمنام‌ترین ماست.^۲

با توجه به روایات یاد شده و تولد آن حضرت در سال ۲۵۵ ق و شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق، آن حضرت در سن پنج سالگی به امامت رسید.

کودکان نابغه انسان‌هایی استثنایی

یکی از اساتید معاصر پس از بیان آیات و روایات، از کودکان نابغه به عنوان مؤید رخداد بالا، چنین می‌نویسد: در بین اطفال عادی هم گاهی افراد کمیابی دیده می‌شوند که از حیث استعداد و حافظه، نابغه عصر خویش بوده و قوای دماغی و ادراکات آنان، از مردان چهل ساله هم بهتر است.

ابو علی سینا فیلسوف نامی را از این افراد شمرده‌اند. از وی نقل است که گفته: چون به حد تمیز رسیدم، مرا به معلم قرآن سپردند و پس از آن به معلم ادب. پس هر چه را شاگردان بر استاد ادیب قرائت می‌کردند من همه را حفظ می‌نمودم. به علاوه آن استاد مرا به کتاب‌های زیر تکلیف کرد: الصفات، غریب المصنف، ادب الکاتب، اصلاح المنطق، العین، شعر و حماسه، دیوان ابن رومی، تصریف مازنی و نحو سیبویه.

پس همه را در مدت یک سال و نیم از بر کردم و اگر تعویق استاد نبود در کمتر از این مدت حفظ می‌کردم و به ده سالگی رسیدم مورد تعجب اهل بخارا بودم پس از آن شروع کردم به یاد گرفتن فقه و چون به دوازده سالگی رسیدم بر طبق مذهب ابی حنیفه فتوا می‌دادم. پس از آن شروع کردم به علم طب و قانون را در سن شانزده سالگی تصنیف نمودم و در سن بیست و چهار سالگی خودم را در تمام علوم متخصص می‌دانستم.

درباره فاضل هندی گفته شده: پیش از رسیدن به سن سیزده سالگی تمام علوم معقول و

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۱۲.

۲. «صاحب هذا الأمر أضعفنا سناً وأخملنا شخصاً؛ نعمانی، الغيبة، ص ۱۸۴؛ دلائل الامامة، ص ۲۵۸.

منقول را تکمیل کرده بود و پیش از دوازده سالگی به تصنیف کتاب پرداخت. «توماس یونگ» که باید او را از جمله بزرگ ترین دانشمندان انگلستان محسوب داشت از کودکی اعجوبه ای بود. از دو سالگی خواندن را می دانست و در هشت سالگی، خود به تنهایی به آموختن ریاضیات پرداخت و از نه سالگی اوقات فراغت خویش را در بین فواصل کوتاه ساعات درس به آموختن زبان های فرانسه و ایتالیایی و عبری و فارسی و عربی صرف کرد و زبان های مذکور را به خوبی یاد گرفت. در بیست سالگی مقاله ای در باره تئوری رؤیت به جامعه پادشاهی فرستاد و در آن شرح داد که چگونه می توان به وسیله تغییر انحنای زجاجیه چشم همواره تصویر را واضح دید. اگر صفحات تاریخ شرق و غرب را ورق بزنید از امثال و نظائر این نوابغ فراوان خواهید دید.^۱

۱۴. آیا امکان دارد که یک انسان قرن ها زندگی کند؟ تا حضرت مهدی علیه السلام را مصداق چنین عمری بگیریم؟

یکی از موضوعاتی که همواره مورد توجه بوده، مسئله طول عمر حضرت مهدی علیه السلام است. طبق روایات، و دیدگاه شیعیان، حضرت مهدی علیه السلام که در آخر الزمان ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد خواهد ساخت فرزند یازدهمین پیشوای معصوم امام حسن عسکری علیه السلام است که در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق متولد شده است. معنای روشن این گفتار آن است که آن منجی موعود، دارای عمری طولانی خواهد بود و تاکنون افزون بر ۱۱۷۰ سال از عمر ایشان سپری شده است.

برای بررسی و تبیین مسئله طول عمر امام زمان علیه السلام، بایستی پیرامون دو مسئله بحث شود: یکی این که آیا ممکن است انسانی سال ها و قرن های طولانی، که از حد معمول عمر همه انسان ها متجاوز است، عمر کرده و زنده بماند؟ و دوم این که، به فرض امکان، آیا این مسئله در طول تاریخ به وقوع پیوسته و مصداق خارجی دارد یا نه؟ اگر این دو مسئله ثابت گردد، مسلم می شود که هیچ گونه استبعادی ندارد، که امام غایب حضرت حجة بن الحسن علیه السلام نیز از چنین عمر طولانی برخوردار باشد.

ما ابتدا به مسئله امکان طول عمر می پردازیم، و سپس به نمونه‌های متعددی که در طول تاریخ بوده‌اند و به نام «معمربین» شهرت یافته‌اند اشاره می‌کنیم.

درباره طول عمر باید بگوییم چنانچه دانشمندان بیان کرده‌اند پیری یک پدیده فیزیولوژیکی است و ربطی به «زمان» ندارد. گاهی زود فرامی‌رسد و گاهی نیز با فاصله زمانی بیشتری آشکار می‌گردد. تا آن جا که برخی از سالمندان را می‌بینم که نشانه‌های پیری بر اعضای آنان ظاهر نشده و از نرمی و تازگی برخوردارند؛ امروزه در علم طب ثابت شده که: عمر انسان به ۷۰-۸۰ سال نیست، بلکه تمام اعضای بدن انسان جدا جدا برای یک زندگی طولانی ساخته شده است. و علت اصلی مرگ، حدوث اختلال‌هایی است که در همه اعضای رئیسه بدن یا یکی از آنها رخ می‌دهد، و تا آن اختلال‌ها حادث نشود مرگ فرامی‌رسد.

در گذشته گروهی از دانشمندان عقیده به وجود یک سیستم عمر طبیعی در موجودات زنده داشتند، مثلاً: پاولوف عقیده داشت عمر طبیعی انسان صد سال است. مچینکوف می‌گفت: عمر طبیعی یک انسان ۱۵۰ تا ۱۶۰ سال؛ و کوفلاند، پزشک آلمانی دویست سال؛ فلوگر، فیزیولوژیست معروف ششصد سال؛ و بیکن، فیلسوف و دانشمند انگلیسی هزار سال برای عمر طبیعی انسان، معین کرده‌اند. ولی این عقیده از طرف فیزیولوژیست‌های امروز درهم شکسته شده و مسئله حد ثابت در عمر طبیعی ابطال گردیده است. به گفته پروفیسور اسمیس، استاد دانشگاه کلمبیا؛ همان گونه که سرانجام دیوار صوتی شکسته شده و وسایل نقلیه‌ای با سرعتی مافوق صوت به وجود آمد، یک روز دیوار سن انسانی نیز شکسته خواهد شد، و از آنچه تاکنون دیده‌ایم فراتر خواهد رفت.^۱

بنابراین برای مدت زندگانی انسان، حدی که تجاوز از آن محال باشد معین نشده است. از آزمایش‌های دکتر آلکسیس کارل در موسسه علمی راکفلر نیویورک که روی قسمتی از بدن جوجه و همچنین اجزاء مقطوع از جسم انسان مانند عضلات، قلب، پوست و کلیه انجام شد، نتایج زیر به دست آمد:

۱. این اجزای سلولی، تا هنگامی که سبب مرگ آنها - از قبیل کمبود تغذیه، یا ورود برخی میکروب‌ها - تحقق نیابد؛ زنده باقی می‌ماند.

۱. حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ص ۲۰۱؛ یکصد پرسش و پاسخ، ص ۱۰۴.

۲. نه تنها زنده می مانند، بلکه سلول های آنها در حال رشد و تکثیر هستند، گویی که در جسم حیوان قرار دارند.

۳. شدت و ضعف رشد و تکثیر سلول ها ارتباط نزدیکی با تغذیه آنها دارد.

۴. گذشت زمان در ناتوانی و پیری آنها تاثیر ندارد، بلکه کمتر اثری درباره ی پیری آنها آشکار نیست، و در هر زمان مانند زمان های قبل رشد و تکثیر آنها ادامه دارد. ظواهر امور به روشنی حاکی از آن است که تا هر وقت پژوهشگران مراقب آنها بودند، و آنها را غذای کامل می دادند، هم چنان به زنده بودن ادامه می دادند.^۱

در این جا سزاوار است نظریه بعضی از دانشمندان را درباره طول عمر بازگو کنیم.^۲ برنارد شو می گوید: «از اصول علمی ثابت نزد تمام علمای بیولوژی آن است که عمر انسان ممکن نیست که برای او حد ثابتی باشد، طول عمر مسئله ای است که حد نمی پذیرد.»^۳

وایزمن دانشمند معروف آلمانی می گوید: «هیچ تلازمی بین مرگ و قوانین طبیعی نیست؛ زیرا ما در عالم طبیعت، عمری می بینیم که بین یک لحظه تا خلود علی الدوام پایین و بالا می رود...»^۴

دکتر کیلوردهاوز آمریکایی می گوید: «علم طب می تواند قیدها و حدودی را که مانع از طول عمر انسان است با کمک دانش تغذیه از بین ببرد. ما امروز امیدواریم که بر خلاف عمر پدران و اجدادمان به چنین طول عمری دست یابیم.»^۵

پروفسور اتینگر می گوید: «نسل جدید همان گونه که به سفرهای فضایی ایمان آورد، در آینده ای نه چندان دور ایمان خواهد آورد که خلود انسان در حیات دنیوی امر بعیدی نیست؛ زیرا با پیشرفت تکنولوژی که امروز مشاهده می کنیم می توان عمر انسان را در قرن آینده به هزاران سال رساند.»^۶

۱. دادگستر جهان، ص ۱۹۰ به نقل از کتاب المهدی نقل از مجله المقتطف سال ۵۹ شماره ۳؛ یکصد پرسش و پاسخ، ص ۱۰۶ به نقل از در انتظار امام، ص ۶۲.

۲. این مطالب برگرفته شده از موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۵۱۰.

۳. عمر المهدی بین العلم و الادیان، ص ۶.

۴. عمر المهدی بین العلم و الادیان، ص ۶.

۵. راهی به سوی حیات نو، ص ۴.

۶. مجله دانشمند، سال ۶، شماره ۶.

دیمند و برل از اساتید دانشگاه جونس هبکنس می گوید: «تمام اجزای اصلی انسان بدون استثنا با امتحان به اثبات رسیده که قابل خلود است، و یا حداقل قابل عمری طولانی تر از این مقدار است...»^۱

اما در مورد بخش دوم سوال باید بگوییم نخستین دانشمندی که به طور جدی مسئله ای طول عمر امام زمان علیه السلام را مطرح کرد، شیخ صدوق؛ (م ۳۸۱ ه.ق) است. وی در کتاب کمال الدین و تمام النعمه به تفصیل درباره طول عمر بحث کرده و به پرسش های مخالفان طول عمر امام مهدی علیه السلام پاسخ گفته است.

وی، فصل جامعی از کتاب یاد شده را به زندگی «مُعَمَّرین» اختصاص داده است و دهها نفر از معمرین را که عمری بیش از ۱۲۰ سال داشته اند نام می برد و شرح حال و زندگی هر یک از آنان را به صورت مختصر ذکر می کند.

پس از وی این روش از سوی دانشمندانی همچون شیخ مفید، شیخ طوسی، طبرسی، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، فیض کاشانی، علامه مجلسی؛ و دیگر بزرگان شیعه ادامه یافت.

آنچه این بزرگان در بحث های خود مطرح کرده اند، به طور عمده بررسی طول عمر از دیدگاه قرآن و نگاه روایات بوده است.

در قرآن به برخی از کسانی که دارای عمری طولانی و غیر طبیعی بوده اند این گونه اشاره کرده است:

در باره حضرت نوح علیه السلام می فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ قَلْبًا فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا...﴾؛ و به راستی، نوح را به

سوی قوم اش فرستادیم، پس در میان آنان ۹۵۰ سال درنگ کرد.^۲

از امام سجاده علیه السلام نقل شده است که فرمود: در قائم سستی از نوح است و آن طول عمر است.^۳

در مورد حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

و گفته ایشان که: ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم و حال آنکه آنان او را

۱. مجله المقتطف، جزء ۳ از سال ۵۹.

۲. عنکبوت، آیه ۱۴.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

نکشتند و مصلوبش نکردند؛ لکن امر، بر آنان مشتبه شد و کسانی که درباره او اختلاف کردند، قطعاً در باره آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آن که از گمان پیروی می‌کنند. و یقیناً او را نکشتند؛ بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا توانا و حکیم است و از اهل کتاب کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود، حتماً به او ایمان می‌آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود.^۱

حال که از عمر حضرت عیسی علیه السلام، افزون بر دو هزار سال می‌گذرد، عمر ۱۱۷۰ ساله حضرت مهدی علیه السلام چگونه امر بعیدی خواهد بود.

از جمله کسانی که عمر طولانی دارد، حضرت «خضر» است.^۲ در قرآن آیه‌ای هست که نه تنها از عمر طولانی بلکه از امکان عمر جاویدان خبر می‌دهد و آن آیه درباره حضرت یونس علیه السلام است که می‌فرماید:

اگر او (یونس علیه السلام) در شکم ماهی تسبیح نمی‌گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می‌ماند.^۳

بنابراین آیه شریفه عمری بسیار طولانی (از عصر یونس علیه السلام تا روز رستاخیز) که در اصطلاح زیست‌شناسان عمر جاویدان نامیده می‌شود برای انسان و ماهی از نظر قرآن کریم امکان‌پذیر است.

علاوه بر قرآن در تورات و انجیل نیز سخن از انسان‌هایی که عمر طولانی داشته‌اند مطرح گردیده است. در تورات آمده است:

... تمام ایام آدم که زیست نهصد و سی سال بود که مُرد... جمله‌ی ایام «انوش» نهصد و پنج سال بود که مُرد... و تمامی ایام «قینان» نهصد و ده سال بود که مُرد... پس جمله‌ی ایام «متوشالاح» نهصد و شصت و نه سال بود که مُرد...^۴

بنابراین تورات صریحاً به وجود افرادی با داشتن عمرهای طولانی (بیش از نهصد سال) اعتراف می‌کند.

۱. نساء، آیه ۱۵۷-۱۵۹.

۲. کهف، آیه ۶۵.

۳. الصافات، آیه ۱۴۴.

۴. زنده روزگاران، ص ۱۳۲ (به نقل از تورات - ترجمه فاضل خانی - سفر پیدایش باب پنجم، آیات ۵-۳۲).

در انجیل نیز عباراتی موجود است که نشان آن است که عیسی علیه السلام پس از به دار کشیده شدن زنده گردیده و به آسمان بالا رفته است.^۱ و در روزگاری فرود خواهد آمد و مسلم است که عمر آن بزرگوار از دو هزار سال بیشتر است.

با این بیان روشن می شود که پیروان دو آیین یهود و مسیحیت باید به علت اعتقاد به کتاب مقدس به عمرهای طولانی نیز معتقد باشند.

گذشته از این که طول عمر از نظر علمی و عقلی پذیرفتنی است و در گذشته تاریخ، موارد بسیار دارد، در مقیاس قدرت بی نهایت خداوند نیز قابل اثبات است. به اعتقاد همه پیروان ادیان آسمانی تمام ذرات عالم در اختیار خداوند است و تأثیر همه سببها و علتها به اراده او بستگی دارد و اگر او نخواهد سببها از تأثیر باز می ماند و نیز بدون سبب و علت طبیعی، ایجاد می کند و می آفریند.

چنانچه در آیات نورانی قرآن کریم آمده است: «او خدایی است که از دل کوه، شتری بیرون می آورد و آتش سوزنده را بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت می سازد و دریا را برای موسی و پیروانش خشک می کند و آنها را از میان دو دیوار آبی عبور می دهد!»^۲ آیا از این که به عصاره انبیاء و اولیاء و آخرین ذخیره الهی و نهایت آمال و آرزوی همه نیکان و تحقق بخش وعده بزرگ قرآن را عمری طولانی بدهد، ناتوان خواهد بود؟!

امام حسن مجتبی علیه السلام فرموده است:

... خداوند عمر او را (مهدی علیه السلام) در دوران غیبتش طولانی می گرداند، سپس به قدرت خدایی اش او را در سیمای جوانی زیر چهل سال آشکار می سازد تا مردمان دریابند که خداوند بر هر کاری تواناست.^۳

روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بر طول عمر انسان، صحه می گذارد و آن را امری ممکن می شمارد. یکی از کسانی که در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع اهل سنت به طول عمر او اشاره شده «دجال» است. اهل سنت، بر اساس همین روایات، عقیده دارند که دجال در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله متولد شده و به زندگی خود ادامه می دهد تا در آخر الزمان خروج کند.^۴

۱. زنده روزگاران، ص ۱۳۴ (به نقل از عهد جدید، کتاب اعمال رسولان، باب اول، آیات ۱-۱۲).

۲. انبیاء، آیه ۶۹ و شعراء، آیه ۶۳.

۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۴. مسند احمد، ج ۴، ص ۴۴۴؛ صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۳۳.

حال اگر این احادیث درست باشد چنان که اهل سنت بر این باورند در این صورت، شایسته نیست که آنان در حیات و عمر طولانی امام مهدی علیه السلام، تردید کنند! از طرفی حال که دشمن خدا، به جهت مصالحی، می تواند بیش از هزار سال زنده بماند، چرا بنده و خلیفه و ولی خدا نتواند عمر طولانی داشته باشد؟!^۱

در پایان این بخش باید گفت دانشمندان گفته اند:

بهترین دلیل بر امکان هر چیزی، واقع شدن آن چیز است. همین که طول عمر در میان پیشینیان روی داده و تاریخ، افراد زیادی را به ما نشان می دهد که عمری طولانی داشته اند، خود دلیل روشنی است بر این که طول عمر از دیدگاه عقل امری ممکن است. خواجه نصیر طوسی، در این باره گفته است: «طول عمر، در غیر مهدی علیه السلام اتفاق افتاده و محقق شده است چون چنین است، بعید شمردن طول عمر در باره مهدی علیه السلام جهل محض است.^۲

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۴.

۲. خورشید مغرب، ص ۲۱۴.

فصل دوم:

غیبت و انتظار

۱۵. چرا امام زمان عجل الله فرجه غائب است؟

شیعه با بهره مندی از آموزه‌های آفتاب گون پیشوایان معصوم علیهم السلام، بر این باور است که برای زندگی انسان‌ها بر روی زمین، ناگزیر می‌بایست حجتی از طرف خداوند نصب شود و این حجت پس از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، منحصر در دوازده پیشوایی است که با گزینش خداوند و گزارش آن آخرین سفیر الهی، امامت مردم را به عهده گرفتند. هم آنان که یازدهمین ایشان امام حسن عسکری علیه السلام و آخرین آنها، حضرت مهدی علیه السلام است و کس دیگری لیاقت چنین مقامی را ندارد.^۱

سال‌ها پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام آن گاه که پیشوایان معصوم علیهم السلام سخن از آن حضرت به میان می‌آوردند، بی‌درنگ به پنهان زیستی ایشان نیز اشاره می‌کردند. این پافشاری بیش از آن که در جهت آگاه کردن شیعیان باشد، برای زمینه سازی و آماده کردن آنها بود.

آنچه که این باور را در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد، پافشاری معصومین علیهم السلام بر سیر بودن این حادثه بود. اگر چه گاهی به تناسب مطالب ارزنده‌ای نیز در باره آن به پیروان خود بیان می‌فرمودند.

آنچه در رهیافت بررسی سخنان نورانی ایشان می‌توان به دست داد، نسبت به آنچه که بر ما پوشیده است، بسیار اندک و ناچیز است. از چگونگی پنهان زیستی گرفته، تا انواع آن و از مدت این پنهان زیستی گرفته تا فلسفه و علل غیبت، همه و همه، فقط پرتویی از آن حقیقت تابناک است که ما شایسته فهم آن بوده‌ایم.

۱. درسنامه مهدویت، ج ۲، درس دوم و سوم.

چگونگی غیبت

یکی از معانی لغوی «غیبت»، پنهان شدن است. و در اصطلاح در باره کسی به کار می‌رود که مدتی در جایی حضور دارد و پس از آن در آن محل حاضر نمی‌شود و در اصطلاح مهدویت به پنهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام گفته می‌شود.

اگر چه سخن روشنی در باره چگونگی این نوع زندگی نمی‌توان به دست داد، اما با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام، و سخنان اندیشوران بزرگ، سه دیدگاه کلی و قابل توجه می‌توان ارائه نمود.

۱. آن حضرت اگر چه در درون جوامع بشری زندگی می‌کند، اما مردم جسم ایشان را نمی‌بینند.

۲. حضرت مهدی علیه السلام در میان همین جامعه و همین انسان‌هاست؛ اما به قدرت خدا، از دید معرفتی مردم پنهان است. با وجود این که مردم ایشان را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.

۳. حضرت در بین مردم زندگی می‌کند و مردم نیز ایشان را می‌بینند و نمی‌شناسند اما در زمان‌هایی که آن حضرت لازم بداند از برابر چشم‌ها ناپدید می‌گردد و دیدگان مردم با این که آن حضرت موجود و حاضر است او را نمی‌بینند.

بدون شک غیبت واپسین حجت الهی، حضرت مهدی علیه السلام، پدیده‌ای است که به این صورت هرگز در تاریخ اتفاق نیفتاده و طبیعی است که ذهن جست و جوگر انسان، همواره این پرسش را مطرح کند که چرا چنین رخ دادی پدید آمده است؟!

آنچه که به عنوان محوری ترین پاسخ به این پرسش می‌توان از کلام نورانی معصومان استفاده کرد این که پنهان زیستی واپسین ذخیره الهی، به طور قطع از اسرار خداوندی است که پرنده‌اندیشه و فکر را توان پرواز تا آن قله بلند نیست.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حقیقت سر بودن این امر را چنین بیان فرموده است:

ای جابر! همانا این امر، امری است از امر خداوندی و سِرّی است از سِرّ خدا که بر بندگان او پوشیده است. پس بر حذر باش که دچار تردید نشوی. همانا شک در باره خدا کفر است.^۱

حسن بن عبدالله بن فضل هاشمی می‌گوید امام صادق علیه السلام فرموده:

حضرت «صاحب الامر» ناچار غیبتی خواهد داشت به طوری که گمراهان در شک واقع

می شوند

عرض کردم: چرا؟

فرمود: اجازه نداریم علت آن را بیان کنیم.

گفتم: حکمتش چیست؟

فرمود: حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت‌های پیشین وجود داشت

و پس داز ظهور، روشن خواهد شد. چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی و کشتن پسر بچه

و برپا داشتن دیوار شکسته به دست خضر برای موسی علیه السلام آشکار نشد جز هنگامی که از هم

جدا شدند. ای پسر فضل موضوع غیبت امری از امور الهی و سری از اسرار خداوند است و

غیبی از غیب‌های خداست و چون می‌دانیم خداوند بزرگ مرتبه حکیم است، تصدیق

می‌کنیم که همه کارهای او از روی حکمت است؛ گرچه علت آن کارها بر ما روشن نباشد.^۱

افزون بر آن پاسخ اساسی، گاهی نیز ایشان به تناسب فهم مخاطبان به برخی امور دیگر

نیز اشاره می‌فرمودند. اینک با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام به برخی از حکمت‌های این

رخ داد اشاره می‌کنیم.

۱. حفظ جان امام زمان علیه السلام

نخستین فلسفه پنهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام، در امان ماندن حضرت مهدی علیه السلام از

گزند بدخواهان است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا برای قائم پیش از آن که قیام فرماید غیبتی است؛ چرا که در هراس است (و

حضرت اشاره به شکم خود کرد، یعنی بیم کشته شدن دارد).^۲

البته این نه به آن معناست که آن حضرت از شهادت و کشته شدن در راه خدا هراس دارد؛

بلکه آن حضرت چون واپسین ذخیره الهی در زمین است و آن حاکمیت فراگیر و جهانی که

در تمام ادیان و عده داده شده، فقط به دست او تحقق می‌یابد؛ بنابراین بر خداوند است که به

۱. علل الشرایع، ج ۱ ص ۲۴۵؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷۶؛ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۹۱.

۲. کافی، ص ۳۴۰؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۳۲۹؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۲.

هر وسیله ممکن، او را تا روز موعود حفاظت نماید و حکمت الهی نیز بر پنهان زیستی او تعلق گرفته است.

و این پنهان زیستی با ویژگی‌های خاص خود، در باره برخی از پیامبران هنگامی که بر جان خویش بیم داشتند اتفاق افتاده بود.^۱

و نیز می‌توان به پنهان شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخی زمان‌ها اشاره کرد.^۲

۲. امتحان و آزمایش انسان‌ها

یکی دیگر از حکمت‌های الهی در غیبت حضرت مهدی علیه السلام امتحان و آزمایش مردم است. از آن جایی که این نوع آزمایش به دلیل عدم حضور ظاهری امام، بسیار مشکل و طاقت فرساست، در تکامل انسان‌ها نقش بسیار مهمی دارد و با این آزمایش سره از ناسره جدا شده، یاران راستین حق مشخص می‌گردند.

پیشوای هفتم شیعیان امام کاظم علیه السلام فرموده است:

هنگامی که پنجمین فرزند از امام هفتم ناپدید شود؛ پس خدا را خدا را مواظب باشید در دیتان! شما را احدی از آن دور نسازد. فرزندم! صاحب این امر ناگزیر از غیبتی خواهد بود، تا کسی که به این امر قائل است از آن باز گردد. همانا آن آزمایشی از سوی خدا است که خداوند خلق خود را به آن وسیله می‌آزماید.^۳

روشن است کسانی در این امتحان بزرگ سربلند خواهند بود که دارای مرتبه والایی از ایمان و عمل صالح باشند و کسانی که در این امور دچار نقصان باشند، بیشتر در معرض لغزش و سقوط هستند.

۳. آزاد بودن امام علیه السلام از بیعت با ستمگران

مضمون برخی از روایات این است که آن حضرت با غیبت خود ناچار از بیعت با طاغوت‌های زمان نمی‌شود.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

۱. قصص، آیه ۱۸.

۲. توبه، آیه ۴۰.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۴؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۶۶؛ نعمانی، الغیبة، ص ۱۵۴، ح ۱۱.

همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می‌کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش پنهان نگه داشته می‌شود و شخص او غایب است.^۱

همین معنا در کلامی از پیشوای دوم آن هنگام که به جهت مصالح اسلام و مسلمین تن به مصالحه با معاویه داد و مردم زبان به ملامت حضرتش گشودند انعکاس یافت:

آیا ندانستید که هیچ یک از ما ائمه نیست، مگر این که بیعت با ستم‌گری بر گردن او قرار می‌گیرد؛ به جز قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌گزارد پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی ولادتش را مخفی و شخصش را پنهان می‌سازد تا هنگامی که قیام می‌کند، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.^۲

حضرت مهدی عج نیز در توقیعی شریف در پاسخ به برخی پرسش‌ها می‌فرماید: «در خصوص علت غیبت پرسش کرده بودید، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ای اهل ایمان از چیزهایی سؤال نکنید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می‌شوید^۳ بدانید که هر کدام از پدران من بیعت یکی از طاغوت‌های زمان خویش را برگردن داشتند؛ ولی من وقتی قیام می‌کنم، بیعت هیچ یک از گردنکشان و طاغوت‌های زمان را برگردن ندارم.^۴

البته نکات دیگری را نیز می‌توان در این بحث ارائه کرد؛ مانند خالص شدن صلب کفار از مؤمنین، جریان سنت الهی که در باره پیامبران پیشین رخ داده برای حضرت مهدی عج، و آماده شدن جامعه جهانی برای پذیرش قیام و حکومت آن حضرت، که مناسب است به کتاب‌های مفصل مراجعه شود.

۱۶. فائده امام غائب چیست؟

درباره فائده امام غائب باید بگوییم در زمان غیبت حضرت دو گونه فائده اساسی وجود دارد:

۱. فائده اول - عمومی: بهره‌بری تمام موجودات اعم از انسان‌ها حیوانات، گیاهان، جمادات و به طور کل عالم هستی چنانچه در روایات متعدد به آن تصریح شده است در

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۰۳؛ اعلام الوری، ص ۴۲۶؛ منتخب الانوار، ص ۷۸.
 ۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ اعلام الوری، ص ۴۲۶؛ کشف الغممه، ج ۲، ص ۵۲۱.
 ۳. مانده، آیه ۱۰۱.
 ۴. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۹۰؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۹.

بخشی از زیارت ارزشمند جامعه کبیره چنین می خوانیم:

... [ای امامان بزرگ] خداوند به سبب شما آغاز کرد و به سبب شما پایان می دهد و به سبب شما باران را فرو می فرستد و به شما آسمان را نگه داشته است از این که بر زمین فرو ریزد، جز به اراده او، غم و اندوه و گرفتاری به واسطه شما رفع می گردد...^۱
رسول اکرم ﷺ فرمودند: خداوند ستارگان را امان برای اهل آسمان و اهل بیت را امان برای اهل زمین قرار داد.^۲

امام سجاده علیه السلام نیز فرمودند: ما پیشوای مسلمین و حجت بر اهل عالم و سادات مومنین و رهبر نیکان و صاحب اختیار مسلمین هستیم ما امان اهل زمین هستیم چنان که ستارگان امان اهل آسمانند، به واسطه ما است که آسمان بر زمین فرود نمی آید مگر وقتی که خدا بخواهد؛ به واسطه ما باران رحمت حق نازل و برکات زمین خارج شود، اگر ما روی زمین نبودیم زمین اهلش را در خود فرو می برد و آنگاه فرمود از روزی که خدا آدم را آفریده تا به حال هیچ گاه زمین از حجت خالی نبوده است ولی آن حجت گاهی ظاهر و مشهود و گاهی غائب و مستور بوده است و تا قیامت نیز زمین از حجت خالی نخواهد شد و اگر امام نباشد خدا پرستش نمی شود.^۳

با توجه به این فایده عمومی است که در کلمات معصومین وجود مقدس صاحب الامر و بهره وری از آن حضرت در زمان غیبت تشبیه به خورشید پشت ابر و بهره بری از آن شده است؛ چنانچه این مطلب در کلام سه معصوم به چشم می خورد:

رسول گرامی اسلام ﷺ، امام صادق علیه السلام و واپسین حجت الهی حضرت مهدی علیه السلام.
جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پرسید: آیا شیعیان در زمان غیبت «قائم» از وجود مبارک او بهره ور می گردند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

آری! سوگند به خدایی که مرا به نبوت برگزید! آنان در غیبت او، از وجودش بهره مند می گردند و از نور ولایت و امامت او، نور و روشنائی برای زندگی خویش می گیرند؛ درست همچون بهره ور شدن از خورشید؛ اگرچه ابرها چهره آن را

۱. تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۹۹، باب زیارة جامعة لسائر المشاهد؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲، ص ۲۷۵؛ بلد الامین، ص ۳۰۰.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۸؛ بحار الانوار ج ۲۷ ص ۳۰۸.

۳. ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۱۷؛ دادگستر جهان، ص ۱۵۵.

پوشانند. ای جابر این سر پنهان و پوشیده خداوند و علم مخزون اوست، آن را از غیر اهلش پوشان.^۱

در توقیعی که از حضرت مهدی عج صادر شده است به «اسحاق بن یعقوب» نوشته شده است:

اما چگونگی بهره‌وری جامعه و مردم از من در عصر غیبت، درست همانند بهره‌وری زمین و پدیده‌های آن، از خورشید است؛ به هنگامی که ابر آن را از چشم‌ها پوشاند.^۲ وجه تشبیه از این قرار است: در علوم طبیعی و ستاره شناسی ثابت شده است که خورشید، مرکز منظومه شمسی است و جاذبه اش حافظ زمین است و آن را از سقوط نگه می‌دارد و زمین به دور او چرخیده و شب و روز و فصول مختلف را ایجاد می‌کند حرارتش سبب حیات و زندگی حیوانات و گیاهان و انسان است و نورش روشنی بخش زمین می‌باشد و در یک کلام بقاء زمین و حیات اش مدیون وجود خورشید است خواه خورشید پشت ابر باشد یا نباشد.

وجود امام نیز این گونه است و بقا عالم هستی مدیون اوست چه ظاهر باشد چه غائب.
۲. فایده دوم - مخصوص انسان‌های مومن:

۱. هدایت‌های معنوی و باطنی امام به برخی از افراد شایسته همواره در طول تاریخ تجربه شده است. اساسی‌ترین هدف امام هدایت انسان‌ها است. این هدایت در زمان حضور ظاهری امام به صورت آشکارا صورت می‌گیرد. لکن غیبت امام هرگز این وظیفه مهم را ساقط نخواهد کرد. او با تأثیر بر قلب‌های انسان‌های لایق آنچه را لازم است در جوامع انسانی القا می‌کند.

۲. آگاهی از وضعیت و احوال شیعیان: در توقیعی که برای «شیخ مفید» صادر شده، آمده است:

فانا نحیط علما بأنبائکم و لا یعزب عنا شیء من اخبارکم؛^۳ ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند.

۳. حفظ و نجات شیعیان از گرفتاری‌ها و شر دشمنان: نیز در همان توقیع این گونه است:

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳؛ الخرائج، ج ۲، ص ۹۰۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم، و لو ذلك لنزل بکم اللاء واء و اصطلکم الاعداء؛^۱ ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و بیاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود آمد، و دشمنان، شما را ریشه کن می نمودند.

همچنین حضرت در جای دیگری فرمودند: «انا خاتم الاوصیاء و بی یدفع الله عزوجل البلاء عن اهلی و شیعتی؛ من، آخرین اوصیاء هستم و به واسطه من، دفع می کند خدا، بلا را از خاندان و شیعیان ام.»^۲

۴. یاری دادن به کسانی که در حالت خاص به او متوسل می شوند.

۵. دعای آن حضرت در حق مؤمنان که این هم در موارد فراوانی رخ داده است.

۶. تصویب امور سال در شب قدر که طبق برخی روایات با امضای آن حضرت صورت می گیرد.

۷. ایجاد امیدواری در پیروان اهل بیت.

۸ حضور در میان مردم

صاحب این امر... در میان آنها راه می رود، در بازارهایشان رفت و آمد می کند، روی فرش‌هایشان گام برمی دارد، ولی او را نمی شناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به آنان معرفی کند.^۳

در روایتی دیگر از امام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز چنین آمده است:

سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان آنان هست، در کوچه و بازار آنها گام برمی دارد و بر خانه‌های آنان وارد می شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت پردازد و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده، سلام دهد. او مردمان را می بیند...^۴

در دعای ندبه نیز چنین می خوانیم:

بنفسی انت من مغیب لم یخل منا، بنفسی انت من نازح ما نزع عنا؛ جانم فدایت! تو آن

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۲؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۲۴۶؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۱۰.

۳. غیبت نعمانی، ص ۸۴؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ بحار الانوار ج ۵۱، ص ۱۴۲ و ج ۵۲، ص ۱۵۴؛ تاریخ عصر غیبت، ص ۴۲۵.

۴. غیبت نعمانی، ص ۷۲؛ روزگار رهایی، ج ۱، ص ۲۲۳.

غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت! تو آن دور شده از وطنی هستی که از ما دور نیستی.

۹. حضور همیشگی در مراسم حج.

آن حضرت هر سال در موسم حج حضور می‌یابد، همگان را می‌بیند و می‌شناسد، اما دیگران او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.

۱۰. حل بعضی از مشکلات علمی علما و خبر دادن از پاره‌ای رویدادهای مهم و فواید دیگر.

در انتها شایان ذکر است اگرچه در زمان غیبت از بعضی از منافع وجود امام محرومیم ولی از این همه آثار وجودی امام که ذکر شد بهره می‌بریم.

۱۷. غیبت صغری به چه معناست؟

در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام غیبت حضرت مهدی علیه السلام دارای دو بخش کوتاه مدت (غیبت صغرا) و دراز مدت (غیبت کبرا) دانسته شده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

همانا برای قائم دو غیبت است که در یکی از آن دو به خانواده‌اش بر می‌گردد و در دیگری معلوم نیست کجاست هر سال در مناسک حج حاضر می‌گردد مردم را می‌بیند در حالی که مردم او را نمی‌بینند.^۱

افزون بر دو گونه بودن، در برخی روایات به کوتاه بودن یکی و بلند بودن دیگری نیز اشاره شده است.

همان حضرت در سخنی دیگر فرمود: برای قائم دو غیبت است: یکی از آنها کوتاه مدت و دیگری دراز مدت...^۲

اما «غیبت صغرا»؛ در اصطلاح مهدویت عبارت است از پنهان زیستی کوتاه مدت حضرت مهدی علیه السلام با ویژگی‌های خاص، پس از شهادت امام عسکری علیه السلام تا آغاز «غیبت کبرا».

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۷۵، ح ۱۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ غیبت نعمانی، ص ۱۷۰؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۳.

مشهور آن است که آغاز آن از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و مدت آن حدود ۶۹ سال است.^۱

پاره‌ای از ویژگی‌های غیبت صغرا که آن را از دوره بعد متفاوت نمود عبارت بود از:
 ۱. غیبت نخست (صغرا) از نظر زمان محدود بوده، بر خلاف غیبت کبرا که بسیار طولانی است و غیر از خداوند کسی از مدت آن آگاهی ندارد.

۲. در دوران غیبت نخست (صغرا)، پنهان زیستی امام همه جانبه و عمومی نبود. امام اگرچه از نگاه‌ها پنهان بود؛ اما کسانی مانند نواب خاص، برخی از وکلای آن حضرت و نیز افرادی با ویژگی‌های ممتاز، می‌توانستند با آن حضرت در تماس باشند و پرسش‌ها و نامه‌های مردم را خدمت امام ببرند و پاسخ او را به مردم برسانند^۲ اما در دوره «غیبت کبری» و بعد از درگذشت «سمری»، این رابطه قطع شد. امام مهدی علیه السلام چند روز قبل از درگذشت «سمری»، مرگ قریب الوقوع او را به وی خبر می‌دهد و آن‌گاه بیان می‌دارد که، این ارتباط‌های هفتاد ساله، در دوره «غیبت کبری» وجود نخواهد داشت.^۳

۳. در غیبت صغرا، حضرت چهار نماینده داشت که آنها را به صورت معین و مشخص تعیین کرده و برگزیده بود. مهم‌ترین وظیفه آنها برقراری ارتباط بین امام و مردم بود. ایشان اقامت گاه و مکان حضرت را نیز می‌دانستند؛ ولی در غیبت کبرا چنین نیست.

۴. در دوره «غیبت صغری» ممکن بود برخی از افراد، آن حضرت را ببینند و امام مهدی علیه السلام را بشناسند، ولی در دوره «غیبت کبری» کسی او را نمی‌بیند و اگر هم ببیند او را نمی‌شناسد.^۴

اگر هم برخی از خواص، حضرت را ببینند و بشناسند اجازه ندارند آن را برای دیگران بازگو نمایند،^۵ مگر با اجازه خود حضرت و یا به افراد مورد اطمینان.

اما این که چرا از همان ابتدا غیبت کبرا صورت نگرفت؟
 در مشیت الهی از ابتدا چنین مقدر بوده که آن حضرت پس از رسیدن به امامت، بایست بی‌درنگ از دید عمومی پنهان شود و در ظاهر از آنچه در جامعه رخ می‌دهد، فاصله بگیرد؛

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۵۹؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ غیبت نعمانی، ص ۱۴۹.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۸۲-۵۲۵.

۳. تاریخ عصر غیبت، ص ۲۷۶.

۴. پژوهشی پیرامون زندگانی نواب امام زمان علیه السلام، ص ۳۳.

۵. مجله حوزه شماره ۷۰ و ۷۱، ص ۷۲-۱۲۲.

هر چند در واقع او از نزدیک، همه وقایع را احساس و ادراک می‌کند. باید توجه داشت که اگر آن حضرت، یک باره رخ در نقاب غیبت کامل می‌برد ضربه سهمگینی به پایگاه‌های مردمی و طرفداران امامت وارد می‌شد؛ زیرا مردم پیش از آن سال‌ها با امام خود ارتباطی تنگاتنگ داشتند، در مشکلات و نیازهای خود به ایشان رجوع می‌کردند، و اگر ناگهان امام پنهان می‌شد و مردم احساس می‌کردند که دیگر دسترسی به رهبر فکری و معنوی خود ندارند، ممکن بود مشکلاتی جدی برای جامعه پدید آید.

بنابراین لازم بود که برای «غیبت تامه» زمینه‌سازی شود تا مردم به تدریج با آن خو بگیرند و خود را بر اساس آن بسازند. با غیبت صغرا در واقع این زمینه‌سازی صورت گرفت، در این زمان امام مهدی علیه السلام از دیده‌ها پنهان بود؛ ولی ایشان از راه نمایندگان، وکیلان و یاران مورد وثوق با شیعیان خود ارتباط داشتند.^۱ ولی رفته رفته با پدید آمدن آمادگی پس از گذشت مدت شصت و نه سال به دستور خداوند آن حضرت در پرده پنهان زیستی تمام و کامل قرار گرفتند.

۱۸. نیابت خاص به چه معناست و برای چه صورت گرفته است؟

از آن جایی که حضرت مهدی علیه السلام مدت درازی از زندگی خود را در پرده غیبت گذرانده است، برای هدایت جامعه ناگزیر از برگزیدن افرادی به عنوان نائب بوده است. و نیز از آن جایی که آن حضرت دارای دو نوع غیبت بوده و ماهیت هر یک با دیگری متفاوت بود این نیابت نیز در هر مرحله با مرحله دیگر متفاوت است. اصطلاحاً نیابت در دوران غیبت صغرا را نیابت خاص و نیابت در غیبت کبرا را نیابت عام می‌نامند.

اما نیابت خاص، آن است که امام در شرایط ویژه، شخص معین و مشخصی را نایب خود قرار دهد و به اسم و رسم او را معرفی کند.

البته از آن جایی که آغاز نیابت خاص با آغاز غیبت آن حضرت همزمان بود نصب نخستین نائب حضرت مهدی علیه السلام پیش از آن به دست پدر بزرگوار آن حضرت امام عسکری علیه السلام صورت گرفته بود.

امام حسن عسکری علیه السلام در این باره فرمود:

۱. رهبری بر فراز قرون، ص ۱۰۱.

گواه و شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری (نایب اول) وکیل من و فرزندش محمد بن عثمان (نایب دوم) وکیل فرزند من مهدی شماس است.^۱

اما پس از آن، خود حضرت مهدی علیه السلام، نایبان پس از عثمان بن سعید (نایب اول) را معین و به وسیله نایب قبل به مردم معرفی می فرمود.^۲

قبل از معرفی نواب چهارگانه بعضی از وظایف و مسئولیت های آنها را بیان می کنیم:

- ✓ زدودن شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی
- ✓ حفظ امام از راه پنهان داشتن نام و مکان آن حضرت
- ✓ سازماندهی و سرپرستی سازمان وکالت
- ✓ پاسخ گویی به پرسش های فقهی و مشکلات عقیدتی
- ✓ اخذ و توزیع اموال متعلق به امام
- ✓ مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و افشای ادعاهای باطل آنان
- ✓ مبارزه با وکلای خائن
- ✓ آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری^۳

۱۹. مردم در دوره غیبت صغری توسط چه کسانی با حضرت ارتباط داشتند؟

در مدت غیبت صغرا، چهار سفیر خاص، نامه ها و توقیعات حضرت مهدی علیه السلام را به مردم می رساندند و خود به زیارت ایشان نایل می شدند. این سفیران، به ترتیب عبارت اند از:

۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمری

نخستین نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام ابو عمرو عثمان بن سعید عمری بود. نام وی «عثمان بن سعید»، کنیه اش «ابو عمرو» و لقبش «العمری»، «سمان»، «اسدی» و «عسکری» می باشد.^۴

وی از یاران، اصحاب و شاگردان مورد وثوق امام دهم و امام یازدهم بود. او مردی جلیل القدر و مورد اطمینان بود که از یازده سالگی در محضر امام هادی علیه السلام به خدمت گزاری و

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۳۵۵.

۲. پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۳۴.

۳. تاریخ عصر غیبت، ص ۳۰۶.

۴. همان، ص ۳۵۳، ح ۳۱۴.

کسب فقه و حدیث و آموزه‌های اسلامی اشتغال داشت و شاگرد تربیت یافته، در زیر سایه ولایت و امامت بود

شاید یکی از ادله‌ای که ایشان در محضر دو امام پیش از حضرت مهدی علیه السلام قرار گرفته بود، برای این بود که دیگر کسی در شأن و عظمت او تردید نداشته و به راحتی نیابت او از طرف حضرت مهدی علیه السلام را بپذیرد.

از احمد بن اسحاق نقل شده است: از حضرت هادی علیه السلام سؤال کردم: با چه کسی معامله کنیم؟ و از چه کسی مطلب را بگیریم؟ و گفته چه کسی را بپذیریم؟
امام فرمود:

عمری مورد اعتماد من است؛ آنچه را از من به تو برساند قطعاً از من می‌رساند و آنچه را از قول من برای تو گوید، قطعاً از من می‌گوید. سخن وی را گوش کرده اطاعت نما؛ زیرا او مورد اعتماد و امین است.^۱

بعد از وفات عثمان بن سعید از ناحیه مقدسه نامه‌ای صادر شد و حضرت در آن نامه با تسلیت به فرزندش محمد، او را به سفارت خود منصوب گردانید.^۲

۲. محمد بن عثمان

محمد بن عثمان، دومین نائب از «نواب چهارگانه» امام زمان علیه السلام و فرزند نایب اول است، در زمان حیات پدرش از طرف امام عسکری علیه السلام به نیابت امام غایب معرفی شده بود. بدین صورت که آن حضرت وقتی گروهی از شیعیان یمن در شهر «سامرا» به حضورش شرفیاب شدند، ایشان عثمان بن سعید را نزد خود فراخواند، و بر وکالت و وثاقت او تصریح کرد. در ادامه فرمود: گواه باشید که عثمان بن سعید عمری، وکیل من است و فرزندش محمد بن عثمان وکیل فرزند من مهدی شماست.^۳

عثمان بن سعید به هنگام مرگ خود، نیابت را به دستور حضرت مهدی علیه السلام به فرزند خود «محمد» سپرد. به علاوه خود حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در توقیعاتی، تصریح به نیابت او فرمود.^۴

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۰؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۳۵۴، ح ۳۱۵.

۲. غیبت طوسی، ص ۳۶۱؛ کمال الدین، ص ۵۱۰، بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۸۰.

۳. غیبت طوسی، ص ۳۵۶، ح ۳۱۷.

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۰، ح ۴۱؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۳۶۱.

آن حضرت در توقیعی چنین فرمود:

ما برای خداییم و بازگشتمان به سوی اوست، تسلیم فرمان خدا و راضی به قضای الهی هستیم. پدرت سعادت مندانه زیست و نیکو از این جهان دیده بر بست. خدای رحمتش کند و او را به اولیا و موالی خود ملحق سازد که همواره در راه آنان کوشا بود و در چیزهایی که او را به خدا نزدیک سازد، تلاش فراوانی داشت. خدای تبارک و تعالی رویش را سفید و درخشنده گرداند و لغزش هایش را ببخشد.^۱

در بخش دیگری از آن توقیع شریف فرمود:

از کمال سعادت او بود که خداوند چون تو فرزندی را روزی اش ساخت که جانشین او باشد و به امر او قیام کند.^۲

هم چنین در توقیع دیگری فرمود:

... و اما محمدبن عثمان عمری پس خداوند از او و پدرش خشنود و راضی باشد، همانا او مورد وثوق من و نوشته او نوشته من است.^۳

محمدبن عثمان، به رغم مخالفت‌هایی که از طرف مدعیان دروغین نیابت با وی صورت می‌گرفت و با وجود فشارهایی که از طرف حکام و خلفای آن دوران اعمال می‌شد؛ توانست جایگاه سفارت ولی عصر علیه السلام را در کارهای وا گذاشته به خود، به گونه ای شایسته حفظ نماید و نگذاشت غالیان با ترندهای دروغین خود، شیعیان را متوجه خود سازند و نیابت او را متزلزل کنند. از این رو دستداران ائمه علیهم السلام هیچ‌گاه درباره نیابت و وثاقت ایشان، دچار شک و تردید نگشتند.

نایب دوم، حدود چهل سال (۳۰۵-۲۶۵ ه. ق) به عنوان نایب و رابط بین امام و شیعیان بود. لذا توفیق یافت مشکلات و مسائل فقهی، کلامی، اجتماعی و... بیشتری از محضر مبارک حضرت مهدی علیه السلام استفسار کند و در اختیار عموم مردم قرار دهد.

ابوجعفر محمدبن عثمان طبق قول مشهور در سال ۳۰۵ ه. ق در آخر ماه جمادی الاولی وفات یافت. او به ارشاد امام مهدی علیه السلام از زمان مرگش اطلاع داشته است، و لذا برای خود قبری را آماده نموده بود.^۴

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۰، ح ۴۱؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۱؛ غیبت طوسی، ص ۳۶۱.
۲. همان.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۳۶۲، ح ۳۲۶؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳؛ منتخب الانوار، ص ۱۲۲؛ اعلام الوری، ص ۴۵۲.

۴. غیبت طوسی، ص ۳۶۶؛ موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۳۴۹.

قبر او در کنار قبر مادرش،^۱ بر سر راه کوفه و در محلی که خانه‌اش آن جا بود، واقع است. این محل در سمت غربی بغداد واقع است.^۲

۳. حسین بن روح

سومین سفیر خاص از سفیران چهارگانه حضرت مهدی علیه السلام، محدث، فقیه و متکلم شیعی ایرانی، حسین بن روح نوبختی است. وی در میان شیعیان بغداد، از شهرت ویژه‌ای برخوردار بود و یکی از افراد مورد اطمینان و اعتماد محمد بن عثمان عمری به شمار می‌رفت. او در بین سال‌های ۳۰۵ - ۳۲۶ ه. ق به عنوان نایب امام زمان علیه السلام، واسطه بین امام و شیعیان بود. حسین بن روح اگرچه دارای فضیلت‌های فراوانی بود؛ ولی به صورت عمده شهرت و اعتبار او، به مسأله نیابتش باز می‌گردد.

نایب دوم، از دو یا سه سال پیش از وفات خود، با ارجاع برخی از شیعیان به حسین بن روح نوبختی - که اموالی از سهم امام و غیر آن پیش او می‌بردند - زمینه را برای نیابت وی از طرف امام زمان علیه السلام هموار می‌نمود و به کسانی که در این موضوع دچار شک و تردید می‌شدند، تأکید می‌کرد که این دستور، از طرف امام علیه السلام صادر شده است.^۳

پس از وفات ابو جعفر عمری و وصیت او در نصب حسین بن روح به عنوان نایب سوم امام غایب، ابوالقاسم حسین بن روح به «دارالنیابه» در بغداد آمد و بزرگان شیعه به گرد او جمع شدند.

حسین بن روح با همکاری وکلای بغداد و دیگر مناطق، کار خویش را در جایگاه نیابت امام زمان علیه السلام شروع نمود و توانست با روش و شیوه‌ای اندیشمندانه و منطقی، در بین دوست و دشمن از پذیرش بالایی برخوردار باشد.

حسین بن روح در سال ۳۲۶ ه. ق از دنیا رفت. قبر ایشان در بغداد است.

۴. علی بن محمد سمری

ابوالحسن علی بن محمد سمری، چهارمین و واپسین سفیر حضرت ولی عصر علیه السلام

۱. رجال، ص ۱۴۹؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۳۶۶.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۳۶۶.

۳. همان، ص ۳۶۹، ح ۳۳۷ و ح ۳۳۵.

است. وی پس از رحلت حسین بن روح به مقام سفارت منصوب شد و مدت سه سال عهده دار این منصب بود.

سمری از خاندانی با ایمان و شیعه بوده است که در خدمت گزاری به «سازمان امامیه» از شهرت زیادی برخوردار بودند و همین اصالت خانوادگی او، باعث شد که در امر سفارت با مخالفت چندانی روبه رو نگردد.^۱

سمری فرصت زیادی برای فعالیت نداشت؛ به همین دلیل مثل نواب پیشین نتوانست فعالیت‌های گسترده‌ای انجام دهد و تغییرات قابل ملاحظه‌ای در روابط خود و وکلا به وجود آورد؛ لیکن اعتقاد شیعیان به جلالت و وثاقت او، مثل دیگر نواب بود و وی مورد پذیرش عموم شیعیان قرار گرفت.^۲

از جمله کرامت‌های آن فرزانه روزگار این بود که در بغداد، خبر از رحلت «ابن بابویه قمی»، پدر گرامی صدوق، که در ری می‌زیست داد و گفت: «در این ساعت، او چشم از جهان فرو بست» و گروهی از شیعیان که در حضورش بودند ماه و روز و ساعتی را که او فرموده بود، یادداشت کردند، آن گاه پس از ۱۷ روز که خبر رحلت او به بغداد رسید دیدند کاملاً با نوشته آن روز که جناب «سمری» فرموده بود، تطبیق دارد.^۳

شش روز پیش از رحلت او توقیعی از سوی امام دوازدهم صادر شد که در آن صاحب‌الامر علیه السلام مرگ نایب چهارم را پیش‌گویی و زمان مرگ او را نیز تعیین کرده بود. متن این توقیع شریف، نمایان‌گر پایان غیبت صغرا و انقطاع نیابت خاصه و آغاز غیبت کبرا و نیابت عامه است. این توقیع در بسیاری از کتاب‌های حدیثی با اختلاف اندکی آمده است.^۴ این حادثه اسف بار در سال ۳۲۹ هـ. ق رخ داد و قبر او در بغداد است.

۲۰. بعد از چهار نماینده ویژه امام زمان (عج) مردم باید به چه کسانی مراجعه کنند؟
با پایان یافتن دوران غیبت صغرا در سال ۳۲۹ هـ. ق؛ و رحلت چهارمین سفیر حضرت

۱. آخرین امید، ص ۱۰۹.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۵۱۷.

۳. سوال از امام مهدی علیه السلام در روایات، ص ۹۴، به نقل از کتاب امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۲۷۹.

۴. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۳۹۵؛ الخرائج و الجرائع، ج ۲، ص ۱۱۲۸؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۸؛ کشف‌الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۵۲۸؛ منتخب‌الانوار المفضیلة، ص ۱۳۰.

مهدی علیه السلام «غیبت کبرا» (غیبت تامه) آغاز شد و تا امروز ادامه داشته و تا فرارسیدن روز ظهور آن حضرت ادامه خواهد یافت.

همان گونه که اشاره شد از این دوران در روایات با عنوان «غیبت تامه» تعبیر شده و اصطلاح «غیبت کبرا» در روایات نیامده است. اگر چه در برخی روایات اشاره شده که حضرت دو غیبت دارد یکی کوتاه و دیگری دراز مدت است.

برخی از ویژگی های این غیبت که آن را از دوران نخست متفاوت می سازد عبارت است از:

۱. طولانی بودن و نامعین بودن مدت این دوران.
 ۲. قطع ارتباط کلی با امام زمان علیه السلام در این دوران؛ به گونه ای که ارتباط موجود در زمان غیبت صغرا در این دوران وجود نخواهد داشت.
 ۳. عام بودن نیابت در این دوران، بر خلاف دوران غیبت صغرا که ارتباط مردم با آن حضرت از راه نواب خاص صورت می گرفت، در این دوران دیگر سفارت و نیابت خاص وجود ندارد و یگانه مرجع مردم نایبان عام آن حضرت هستند که با ملاک هایی که در روایات ذکر شده، قابل تشخیص است. در این دوران مجتهدان جامع شرایط به عنوان نایب عام، وظیفه اداره جامعه را بر عهده دارند.
 ۴. فراگیر شدن حاکمیت ستم و جور در زمین.
 ۵. شدیدتر شدن امتحانات الهی.
- بنا بر این دوران غیبت کبرا مدت زمانی نامشخص است که در آن واپسین پیشوای معصوم به دلیل هایی در پرده غیبت به سر می برد.

نیابت عام

پس از سپری شدن دوران غیبت صغرا و سفارت سفیران خاص و با آغاز «غیبت کبرا» زمام امور شیعیان و هدایت ایشان با عنوان «نیابت عام» از طرف حضرت مهدی علیه السلام به دست نایبان عام قرار گرفت. به این صورت که امام ملاک های کلی و صفات و مشخصاتی عام به دست داد که در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه از هر جهت و در همه ابعاد بر او صدق کند، نایب امام شناخته شود و به نیابت از او در امر دین و دنیا، سرپرست جامعه باشد.

سخنش سخن امام و اطاعتش واجب و مخالفتش حرام خواهد بود. در این باره ادله فراوانی نقل شده است؛ از جمله:

شیخ صدوق نقل کرده، اسحاق بن یعقوب درباره تکلیف شیعیان در غیبت کبرا از امام مهدی علیه السلام سؤال کرد و توقیع زیر در پاسخ او صادر گردید:

... و اما در پیش آمدهایی که برای شما رخ می دهد، باید به راویان اخبار ما (دانشمندان

علوم دینی) رجوع کنید، ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدایم.^۱

البته پیش از آن امام حسن عسکری علیه السلام درباره دانشوران دوران غیبت فرموده بود:

... و اما هر یک از فقیهان که بر نفس خود مسلط باشند و دین خود را حفظ کنند با

هوای نفس خود مخالفت ورزد و امر خدا را اطاعت کند، بر همگان واجب است که از

او تقلید نمایند.^۲

مرحوم کلینی نیز از امام صادق علیه السلام همین مضمون را این گونه نقل کرده است:

... هر کدام از شما که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد و

احکام ما را بداند، او را به حکومت برگزینند که من او را بر شما حاکم قرار دادم...^۳

و سرانجام آن که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از همه اینها زمینه را این گونه آماده فرمودند که:

دانشمندان امت من مانند پیامبران بنی اسرائیل هستند.^۴

یعنی، همان طور که انبیای بنی اسرائیل حافظ دین موسی بودند و اطاعت آنان بر بنی

اسرائیل واجب بود، عالمان اسلام نیز حافظ دین پیغمبراند و اطاعت از آنان در احکام شرع

واجب است.

امام عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده که فرمود:

اگر نبود دانشمندانی که پس از غیبت قائم شما به سوی او دعوت می کنند و به سوی او

رهنمون می شوند و از دین او دفاع می کنند و بندگان ناتوان را از دام های شیطان و

مریدهای شیطانی نجات می دهند، احدی باقی نمی ماند جز این که از دین خدا مرتد

می شدند، ولی این دانشمندان، زمام دل ضعفا را به دست می گیرند، همان گونه که

۱. غیبت طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۴۵، ح ۴.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۵۸؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۳۳۴۰۱؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸.

۳. کافی، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۱۸، ح ۶؛ عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۳۳.

۴. الصراط المستقیم، ص ۱۳۱؛ منیه المرید، ص ۱۸۲؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۰.

ملوان‌ها زمام کشتی را به دست می‌گیرند و سرنشین‌های کشتی را از خطر مرگ حفظ می‌کنند. اینها در نزد خدای تبارک و تعالی برترین هستند.^۱

بی‌گمان همین نایبان عام حضرت مهدی عج هستند که در طول غیبت کبرا، دین مقدس اسلام را از انحراف و گزری حفظ نموده، مسائل مورد نیاز را برای مسلمانان بیان کرده‌اند و دل‌های شیعیان را بر اساس عقاید صحیح، استوار ساخته‌اند.

و شکی نیست که تمام کامیابی‌ها و پیروزی‌های مختلف، با مجاهدت و تلاش نخستگی ناپذیر محدثان و فقیهان شیعه از اواخر غیبت صغرا تا به امروز بوده و حیات و شادابی و پویایی تشیع را تضمین نموده است.

۲۱. انتظار فرج به چه معناست؟ و جایگاه آن در فرهنگ شیعه چیست؟

«انتظار» در لغت به معنای چشم داشت و چشم به راه بودن است.^۲ و در اصطلاح مهدویت به معنای چشم به راه آمدن واپسین ذخیره الهی و برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی آمده است.

اما «فَرَج» به معنای گشایش است؛ گشایشی که امید امیدواران است و به یقین تحقق پذیر است و ناامیدی در آن راه ندارد، و ممکن است که طول بکشد. و طول کشیدن تحقق مطلوب، از لوازم امیدهای بزرگ است. امیدهای کوچک به زودی تحقق پذیرند، امید، هرچه بزرگ‌تر باشد، تحقق دیرتر و درازمدت‌تری دارد. به خصوص اگر بزرگ‌ترین امیدها باشد که مقصود از فرج است. و آن گشایش برای همه خلق و سیادت عدل و داد برای همیشه، در جهان است.^۳

نشاط و پویایی بشر در دوران زندگی فردی و اجتماعی، مرهون نعمت «امید» و «انتظار» است، و اگر انسان از حالت انتظار خارج شود و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی چندانی نخواهد داشت. آنچه انسان را به زندگی امیدوار و آن را جاذبه دار می‌سازد و نگرانی‌ها را برای او آسان می‌کند، انتظار و امید به آینده‌ای روشن و رشد آفرین است، که در آن به همه نیازهای روحی و جسمی او به طور کامل پاسخ داده شود. آدمی در پرتو انتظار

۱. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۲، ص ۴۵۵؛ تفسیر امام حسن عسکری عج، ص ۲۴۴، منتخب الاثر، ص ۲۱۳.

۲. علی اکبر دهخدا، لغتنامه، کلمه انتظار.

۳. راه مهدی عج، ص ۸۶.

و امید، رنج‌ها و گرفتاری‌ها را تحمل می‌کند و با کشتی امید و آرزو در دریای متلاطم و طوفان زای/زندگی به سیر خود ادامه می‌دهد.

بنابراین، اگر امید از انسان گرفته شود و انتظار از میان جامعه رخت بر بندد، ادامه زندگی برای بشر بی روح، بی معنا و بی لذت خواهد بود. این انتظار آینده روشن است که به زندگی صفا و زیبایی می‌بخشد و زندگی را برای آدمی لذت بخش و معنادار می‌کند و او را به حرکت و جنبش وامی‌دارد و دلش را به ادامه زندگی، علاقه مند می‌سازد.

شیعه با بهره مندی از آموزه‌های آفتاب گون و تعالی بخش اهل بیت علیهم‌السلام، این امید و انتظار به آینده را در متعالی ترین نوع خود، فراراه انسان‌های آزاداندیش و آزادی خواه قرار داده است. در اهمیت انتظار همین بس که دشمنان، آن را مانع تسلط خود بر مسلمانان برشمرده‌اند. میشل فوکر، کلر بریر در بحث مبارزه با تفکر مهدی باوری، ابتدا قیام امام حسین علیه‌السلام و بعد انتظار امام زمان علیه‌السلام را دو عامل پایداری شیعه معرفی می‌کنند. در کنفرانس تل‌آویو نیز افرادی مثل برنارد لویس، مایکل ام‌جی، جنشر، برونبرگ و مارتین کرامر بر این نکته تکیه فراوان داشتند. آنان در توصیف شیعه گفته‌اند: «شیعیان به نام امام حسین قیام می‌کنند و به اسم امام زمان قیامشان را حفظ می‌نمایند».^۱

ماربین، محقق آلمانی می‌گوید: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که موجب امیدواری و رستگاری شیعه می‌باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است».^۲

پتروشفسکی، تاریخ دان و ایران‌شناس علوم شوروی سابق در این زمینه می‌نویسد: «چشم به راه مهدی بودن در عقاید عمومی مردمی که نهضت‌های قرن سیزدهم را در ایران بر پا داشتند، مقام بلندی را داشته است».^۳

فرهنگ راستین انتظار با سه رکن اساسی استوار است:

۱. نارضایتی و یا قانع نبودن از وضع موجود؛
۲. امید داشتن به آینده بهتر؛
۳. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب.

۱. موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۹۸ به نقل از محله بازتاب اندیشه، خرداد ۸۰، ص ۱۹۳.

۲. سیاست اسلام، ص ۴۹-۵۰.

۳. موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۹۹، به نقل از نهضت سرمداران خراسان اثر پتروشفسکی.

۲۲. نگرش امام خمینی علیه السلام در باره انتظار چه بوده است؟

بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی در بیانی ارزشمند به برداشت‌های ناصحیح از انتظار این گونه اشاره کرده است:

... برداشت‌هایی که از انتظار فرج شده است، بعضی اش را من عرض می‌کنم. بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهند. این‌ها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند. بلکه بعضی از آن‌ها را که من سابقاً می‌شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب علیه السلام بود. این‌ها به تکالیف شرعی خود عمل می‌کردند و نهی از منکر هم کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری از شان بر نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند.

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کاری نداشته باشیم به این که بر جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله، درست می‌کند، دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. این‌ها هم یک دسته‌ای، مردم صالح بودند.

یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید، ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، گناه زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.

یک دسته‌ای از این بالاتر بودند، می‌گفتند: باید دامن زد به گناه‌ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت علیه السلام تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند.

یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آن‌ها مغرور بودند. آن‌هایی که بازیگر نبودند مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات اشاره دارد که هر کس علم بلند کند با علم مهدی علیه السلام، به عنوان مهدویت بلند کند، باطل است...^۱

در توضیح سخن امام علیه السلام با بگوییم بدون شک منتظر راستین، برای چنان برنامه مهمی، هرگز نمی‌تواند نقش تماشاگر را داشته باشد؛ بلکه باید از هم اکنون به طور حتم در صف یاران آن حضرت قرار گیرد؛ چرا که ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل بزرگ، هرگز به او اجازه نمی‌دهد که در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن «اعمال پاک» و «روحی پاک تر» و برخورداری از «شهامت» و «آگاهی» کافی است.^۲

بنابراین انتظار یک «مصلح جهانی» به طور قطع به معنای آماده باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه ظلم‌ها و نابسامانی‌ها، شوخی نیست و نمی‌تواند کار ساده‌ای باشد. آماده‌باش برای چنین هدف بزرگی، باید متناسب با آن باشد؛ یعنی، باید به گستردگی و عمق آن باشد. افزون بر آن، این که منتظران راستین و وظیفه دارند مراقب حال یکدیگر نیز باشند و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگین که انتظارش را می‌کشند فردی نیست.

۲۳. منتظران راستین آن حضرت دارای چه فضائل و خصوصیات اند؟

در باره فضیلت منتظران راستین سخنان شگفت‌انگیزی از معصومین علیهم السلام نقل شده که ما برخی از آنها را یاد آور می‌شویم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

خوشا به حال شیعیان قائم ما (اهل بیت علیهم السلام)، آنها که در دوران غیبت او، ظهورش را

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ۱۴ فروردین ۱۳۶۷.

۲. درسنامه مهدویت، ج ۲، درس دوازدهم و سیزدهم.

انتظار دارند و در ایام ظهورش سر به فرمان او می آورند. آنها دوستان خدایند که هیچ ترس و اندوهی برای ایشان نخواهد بود.^۱

و چرا باید گرفتار غم و اندوه شوند و حال آن که زندگی و مرگ آنها ارزشی گران پیدا کرده است.

امام سجاده علیه السلام فرمود:

کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد خداوند پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او خواهد داد.^۲

اینان مانند رزمندگانی هستند که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله به نبرد با دشمنان خدا پرداخته و در آن صحنه به خون خود غلطیده اند! و از هم اکنون در خیمه جنگ و در کنار امیر جبهه حق هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر کسی از شما (شیعیان) بمیرد در حالی که منتظر امر (فرج امام مهدی علیه السلام) باشد همانند کسی است که در کنار قائم علیه السلام و در خیمه اش بوده است! سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: نه بلکه مانند کسی است که در کنار حضرت جنگیده و شمشیر زده است! سپس فرمود: نه به خدا قسم؛ بلکه مثل کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله به شهادت رسیده باشد.^۳

این گروه همان جماعتی هستند که قرن ها پیش، پیامبر بزرگ خدا آنها را برادران و رفقای خود خوانده است و دوستی و مودت قلبی خود را نسبت به ایشان اعلام کرده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

روزی پیامبر در حضور گروهی از اصحاب خود فرمود: خدایا برادران مرا به من نشان ده! و این جمله را دو بار فرمود: اصحاب حضرت گفتند: ای رسول خدا آیا ما برادران تو نیستیم؟!

فرمود: خیر، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی هستند در آخر الزمان؛ که به من ایمان می آورند و حال آنکه هرگز مرا ندیده اند! خداوند آنها را به اسم خود و پدرانشان به من معرفی کرده است... استواری هر یک از ایشان در دین خود از کندن خارهای گون در شب

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷، باب ۳۳، ج ۵۴، ص ۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۹.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳.

۳. محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، سخت تر است. آنها مشعل های هدایت هستند که خداوند آنها را از فتنه های تیره و تاریک نجات می بخشد.^۱

و پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و حال آن که پیش از قیامش به او اقتدا کرده باشد. با دوستان او دوستی و از دشمنان او بیزاری جسته باشد و امامان پیش از او را نیز دوست داشته باشد. آنها رفقای من و صاحبان دوستی و مودت من و گرامی ترین امت من نزد من هستند.^۲

و اینان که به چنین مقام و رتبه ای نزد پیامبر ﷺ دست یافته اند به شرف خطاب حضرت دوست مشرف می شوند! آن هم ندایی که مملو از محبت و عشق است و حکایت از نهایت تقرب و نزدیکی آنها به محضر حضرت حق دارد.

امام باقر ﷺ فرمود:

روزگاری بر مردم می آید که امامشان غایب خواهد بود پس خوشا به حال آنان که در آن زمان بر امر (ولایت) ما استوار بمانند. به راستی که کمترین پاداش آنها این است که حضرت پروردگار آنها را ندا می دهد که: ای بندگان من، به سر من (و امام غایب) ایمان آوردید و او را تصدیق کردید پس شما را بشارت باد به پاداش نیکوی من، شما به حقیقت بندگان من هستید. اعمال شما را می پذیرم و از خطاهای شما می گذرم و به (برکت) شما باران را بر بندگانم نازل می کنم و بلا را از ایشان می گردانم و اگر شما (در میان مردم) نبودید حتماً عذاب خود را [بر مردم گنهکار] می فرستادم.^۳

و چه فرجامی از این زیباتر و چه لحظه ای از این باشکوه تر، که هم نشینی با محبوب و معشوق خویش است.

امام کاظم ﷺ فرمود:

خوشا به حال شیعیان ما، آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان دوستی ما، چنگ زنند و بر دوستی، و بیزاری از دشمنانمان استوار بمانند. آنها از ما هستند و ما از آنها.

۱. بصائر الدرجات، ص ۸۴، ح ۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۲. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۴۵۶؛ منتخب الانوار، ص ۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰؛ منتخب الانوار، ص ۷۹.

آنها به پیشوایی ما راضی شدند (و امامت ما را پذیرفتند) و ما نیز به شیعه بودن آنها راضی و خشنود شدیم. خوشا به حال ایشان! به خدا قسم اینان در قیامت با ما و در رتبه و درجه ما خواهند بود.^۱

امام سجاده علیه السلام نیز فرمودند:

«ما ضرَّ من مات مُنتظراً لأمرنا ألا يموت في وسط فسطاط المهدي وعسكره»؛

بر کسی که در حال انتظار امر ما به سر می برد باکی نیست که آن عصر را درک نکند و در میان خیمه حضرت مهدی علیه السلام و در لشکر آن حضرت نباشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إعلموا أن المنتظر لهذا الأمر له مثل أجر الصائم القائم؛

بدانید کسی که منتظر ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشد پاداش کسی را دارد که شب ها را برای انجام عبادت بیدار و روزها روزه دار باشد.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

منتظر فرج باشید و از رحمت خدا مأیوس و نومید نشوید که محبوب ترین اعمال در نزد خدای تبارک و تعالی انتظار فرج است. کسی که پذیرای امر ما باشد، فردا در «حظيرة القدس» (در بهشت) با ما است، و کسی که منتظر امر ما باشد مانند کسی است که در راه خدا به خون خود آغشته گردد.

وظایف منتظران

اگر چه در باره وظایف و مسئولیت های منتظران و بایسته های عصر انتظار سخن های بسیاری گفته شده اما در حد اختصار برخی بدین قرار است:

۱. شناخت امام زمان علیه السلام

از وظایفی که در هر زمان و به ویژه در عصر غیبت برای پیروان آموزه های اسلامی مورد تأکید و سفارش واقع شده، تحصیل شناخت و معرفت به امام زمان است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

ای فضیل! امام خود را بشناس که اگر امام خود را شناختی، دیر و زود شدن این امر

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۱، باب ۳۴؛ کفایه الاثر، ص ۲۶۲؛ کشف الغممه، ج ۲، ص ۵۲۴؛ منتخب الانوار، ص ۸۰

آسیبی به تو نخواهد رسید...^۱

۲. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی علیه السلام

افزون بر محبت و دوستی با اهل بیت علیهم السلام سفارش شده که با دشمنان ایشان هم دشمن باشیم و هرگز طرح دوستی نریزیم.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود:

خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مراد رک کرده و در غیبت و پیش از قیامتش پیرو او باشد، دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد، چنین کسی در روز قیامت از رفقا و دوستان من و گرامی ترین امت من خواهد بود.^۲

۳. صبر بر سختی های دوران غیبت

امروزه کم نیستند کسانی که به دلیل هایی باور به آن امام غایب و یاد آن حضرت را بر نمی تابند. و در این راه از هرگونه ایجاد مانع و اذیت و آزار فرو نمی گذارند. از آن جایی که یکی از آموزه های مهم دینی صبر بر مشکلات و مصیبت ها است. لازم است در این دوران پیش از هر زمان دیگر در برابر این مشکلات و مصیبت ها از خود شکیبایی داشته باشیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

خوشا به حال شکیبایان در غیبت او، خوشا به حال پابرجایان در محبت او، که خدای تبارک و تعالی آنها را در کتاب خود چنین توصیف فرموده است: (این قرآن هدایت است برای پرهیزکاران، آنها که به غیب ایمان می آورند)^۳.

و هم چنین امام حسین علیه السلام فرمود:

... اما صبر کننده بر اذیت و تکذیب در غیبت او، بسان مجاهدی است که با شمشیر در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دشمنان مبارزه کند.^۴

۴. پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی

پروای الهی در همه زمان ها لازم و واجب است اما در دوران غیبت به خاطر شرایط خاص اهمیت بیشتری دارد، چرا که در این دوران عوامل فراوانی دست به هم داده تا انسان ها

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲؛ غیبت نعمانی، ص ۳۲۹؛ غیبت طوسی، ص ۴۵۹.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲.

۳. سوره بقره، آیه ۲-۳.

۴. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاب و ملل جهان، ص ۲۱۰، به نقل از ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۱.

۵. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶؛ اعلام الوری، ص ۴۰۶.

را به بیراهه کشانده گمراه سازند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا برای صاحب الامر غیبتی هست، پس بنده تقوای الهی پیشه نماید و به دین او
چنگ زن.^۱

هم چنین آن حضرت فرمودند: هر کس دوست می دارد از یاران حضرت قائم باشد باید
که منتظر باشد و در این حال پرهیزکار و دارای اخلاق نیکو باشد.^۲

امام عصر علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور همه شیعیان را در زمان غیبت به
انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فراخوانده می فرماید: پس هر یک از شما باید
آنچه را که موجب دوستی ما می شود پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و
ناخشنودی ما می گردد دوری گزیند زیرا فرمان ما به یک باره و ناگهانی فرامی رسد.^۳

۵. پیروی از دستورهای ائمه علیهم السلام

از آن جایی که تمام ائمه علیهم السلام نور واحدی هستند، دستورها و فرموده های ایشان نیز یک
هدف را دنبال می کند بنابراین پیروی از هر کدام پیروی از همه آنهاست. و در زمانی که یکی
از آنها در دسترس نیست دستورهای دیگران چراغ راه هدایت است.

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمودند:

پس اگر شما به دستورها و سفارش های ما بدون کم و کاست رفتار نمودید و همان گونه
که به شما توصیه کردیم عمل کردید، و از این حدود تجاوز ننمودید، هر کس از شما پیش از
ظهور قائم ما در این حال بمیرد، شهید از دنیا رفته است....^۴

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که گفت: شنیده ایم که صاحب الامر غایب خواهد شد پس
چه کنیم؟ فرمود: «چنگ بزنید به آنچه [از ائمه قبل] در دستتان است تا این که امر بر شما
آشکار گردد».^۵

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰؛ معرفت امام عصر و تکلیف منتظران، ص ۱۳۳.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۴. امالی طوسی، ص ۲۳۱؛ بشارت المصطفی، ص ۱۱۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

ح ۵

۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۸؛ غیبت نعمانی، ص ۱۵۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

۶. دست‌گیری از ضعفا و فقیران

اگر چه کمک به ضعفا و محرومان در همه عصرها و زمان‌ها کاری بس ارزشمند و نیکو است اما به خاطر غیبت امام و پیشوا در دوران غیبت ارزش بیشتری دارد. امام باقر علیه السلام فرمود:

هر آینه کمک نماید قوی شما ضعیفان را و عطوفت نماید ثروتمندان بر فقیران و خیرخواهی نماید فرد برای برادر دینی خود... پس اگر شخص در این حال از دنیا رفت پیش از آن که قائم ظهور نماید، شهید از دنیا رفته است.^۱ البته این فقر گاهی فقر اقتصادی و گاهی نیز فقر فرهنگی و معنوی است.^۲

۷. دعا برای فرج حضرت مهدی علیه السلام

... آری کسی که در انتظار آمدن مولای خود به سر می‌برد، از خداوند تعجیل امر فرج او را درخواست خواهد کرد به ویژه آن که بداند با فرج و ظهور او زمینه هدایت، رشد و کمال جامعه بشری به طور کامل فراهم می‌شود. و در روایت است که خود آن حضرت در بخشی از تویح شریف فرمود: و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید.^۳

۸. انتظار شبانه روزی

همان گونه که پیش از این یاد شد از مهم ترین وظایف در دوران غیبت انتظار راستین است. در این باره روایات فراوانی در کتاب‌های روایی وجود دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: و صبح و شام منتظر فرج باش.^۴

چه خوب است حداقل در شبانه روز زمانی ولو اندک را به نجوا با آن قلب عالم امکان اختصاص دهیم و فارغ از همه اشتغالات دنیا به آن یار سفر کرده فکر کنیم. که این خود حکایت از پیوندی قلبی و روحی با آن امام همام خواهد داشت.

ای دل اگر عاشقی، در پی دلدار باش بر در دل روز و شب، منتظر یار باش
دلبر تو جاودان، بر در دل حاضر است روزن دل برگشا! حاضر و هوشیار باش!

۱. بشاره المصطفی لشیعۃ المرتضی، ص ۱۱۳؛ امالی طوسی، ص ۲۳۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۶۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. بنابراین شایسته است کسانی که وسعت مالی دارند افزون بر کمک های اقتصادی به نیازمندان، با کمک کردن به نشر و گسترش فرهنگ صحیح مهدویت، فقر فرهنگی و معنوی را بویژه در جوانان عزیز بر طرف نمایند.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۱؛ غیبت طوسی، ص ۲۹۰.

۴. کافی، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۷ و ۳۳۹؛ غیبت نعمانی، ص ۱۶۲؛ اعلام الوری، ص ۹۰.

۹. حفظ پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر علیه السلام و تجدید دائمی عهد و پیمان یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد.

هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد خداهش در همه حال از بلا نگه دارد
گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

یکی از کارهایی که این پیوند را استوار می‌کند تجدید عهد هر روزه با آن یار سفر کرده است. در این باره سفارش شده تا در پگاه هر روز زانوی ادب در مقابل ساحت آن امام همام بر زمین نهاده به دستور امام صادق علیه السلام این عهد نامه را نجوا نماید. که اگر چهل صبح چنین کند امید است از یاران آن حضرت باشد.^۱

۱۰. ارتباط با فقها و مراجع تقلید

ارتباط با مراجع تقلید و علمای وارسته در زمان غیبت و کسب فیض علمی و معنوی از محضرشان یکی دیگر از وظایف منتظران است.

افزون بر آنچه یاد شد وظایف دیگری نیز بیان شده،^۲ که به همین مقدار بسنده می‌شود.

۲۴. درباره دعای ندبه توضیح دهید؟

بی گمان یکی از احساسات اصیل و حقیقی انسان، که ریشه در فطرت او دارد، توجه به نیایش و ارتباط با مبدأ آفرینش و جهان غیب و آفریدگار هستی است.

«دعای ندبه» از جمله دعاهای مشهوری است که مستحب است در چهار عید روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر خوانده شود، «ندبه» به معنای فراخوانی و نیز گریه و ناله است، و این دعای شریف، مشتمل بر استغاثه و استمداد از حضرت ولی عصر علیه السلام و تأسّف بر غیبت و گریه از فراق آن بزرگوار است؛ از این رو به این نام شهرت یافته است. گروهی از دانشمندان شیعه سند این دعای گران قدر را معتبر شمرده‌اند. در عصر حاضر که برخی از مصلح نمایان با لحن تند، این دعا را بی سند پنداشتند و یا مضامین آن را نادرست انگاشتند؛ چندین کتاب مستقل در بررسی سند و متن این دعا منتشر شده است. علامه

۱. مصباح کفعمی، ص ۵۵۰ و نیز مفاتیح الجنان.

۲. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.

مجلسی گفته است: اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقه و تأسف بر غیبت حضرت قائم علیه السلام به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است.^۱

از جمله اندیشورانی که این دعا را نقل کرده‌اند می‌توان به سید ابن طاووس حلی (م ۶۶۴ق) اشاره کرد. ایشان در کتاب اقبال الاعمال^۲ و کتاب مصباح الزائر^۳ و نیز شیخ محمد مهدی حائری (از عالمان قرن ششم) در کتاب مزار^۴ خود این دعای شریف را آورده‌اند. هم چنین در مزار قدیم که ظاهراً از مؤلفات قطب راوندی است این دعا نقل شده است. روشن است که این شخصیت‌های گران قدر و حدیث‌شناس، دعای غیر معتبر را در کتاب‌های خود نقل نمی‌کنند.

۲۵. آیا حدیث نقل شده از امام زمان (عج) مبنی بر تکذیب مدعیان ملاقات با ایشان با اثبات دیدار برخی از انسانهای شایسته با آن حضرت منافات دارد؟

برای آن‌که بتوان به درستی در این مورد، گفت و گو کرد و به قضاوت نشست، ابتدا لازم است متن کلام حضرت را به دقت مرور کرد تا روشن شود که مراد امام مهدی علیه السلام چیست.

حدیثی که بحث مشاهده و دروغ گو بودن مدعی مشاهده را مطرح می‌کند، آخرین تویق و نامه‌ای است که امام زمان علیه السلام به چهارمین و آخرین نایب خاص خود، چند روز قبل از مرگش نوشته است. متن نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمری! خداوند، اجر برادرانت را در عزای تو عظیم گرداند. به درستی که تو تا شش روز دیگر از دنیا می‌روی. پس به کارهای خود رسیدگی کن و به احدی وصیت مکن که پس از وفات، جانشین تو شود. به تحقیق، دومین غیبت (غیبت کامل) واقع گردیده است. پس ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای عز و جل و آن بعد از مدتی طولانی و قساوت دل‌ها و پرشدن زمین از ظلم خواهد بود. به زودی

۱. زاد المعاد، ص ۴۹۱.

۲. اقبال الاعمال، ص ۲۹۵.

۳. مصباح الزائر، ص ۴۴۶.

۴. المزار، ص ۵۷۳، ۱۰۷.

می آید نزد شیعیان من، کسی که ادعای مشاهده می کند. بدانید کسی که ادعای مشاهده کند، قبل از خروج سفیانی و ندا، پس او دروغ گو و افترازننده است. و لاقوه و لاقوة
إلا بالله العلی العظیم.^۱

این حدیث، در بردارنده نکاتی است، از جمله:

۱. مدعیان مشاهده، در این دوره، وجود خواهند داشت.
۲. مدعی مشاهده، قبل از خروج سفیانی و ندا (دو علامت حتمی ظهور) هم دروغگو است و هم افترازننده.

افترا یا تهمت، آن است که فردی به شخص دیگر، عملی یا قولی را نسبت دهد در حالی که او چنین نکرده باشد. بنابراین، بین دروغگو بودن و تهمت زدن، تفاوت است. هر دروغ گویی، تهمت زننده نیست. اگر کسی فقط مدعی دیدن باشد، ولی نسبتی به حضرت ندهد، ممکن است دروغ گو باشد، ولی تهمت زننده نیست. امام، در این نامه، هر دو صفت ناپسند را به مدعی مشاهده، وارد کرده است؛ یعنی، مدعی مشاهده، نسبتی نیز به حضرت می دهد.

این نکات در نامه، بزرگان را بر آن داشت تا با تأمل و تدبیر دقیق تر، به محتوای نامه بنگرند و بعد اظهار نظر کنند.

عده ای با توجه به این که نامه، در آخرین روزهای عمر نایب چهارم صادر شده و در آن، تصریح به پایان نیابت خاصه شده است، چنین گفته اند که مراد از مدعی مشاهده، مدعی نیابت خاصه و ارتباط با حضرت داشتن است؛ زیرا، نیابت خاصه، یعنی حضور نزد حضرت، همراه با شناخت آن بزرگوار و رساندن سؤالات مردم و ابلاغ پاسخ ها و پیام ها. این فرد، هم ادعای دیدار دارد و هم آن چه می گوید را از جانب حضرت بیان می کند و حرف ها را پیام حضرت اعلام می کند.^۲

حضرت امام خمینی، رضوان الله علیه، می گوید، مراد از تکذیب مدعی مشاهده این است که فردی مدعی ملاقات باشد، ولی شاهد و دلیلی نداشته باشد.^۳

شهید صدر می گوید، مراد، ادعای انحرافی است که شخصی با ادعای مشاهده و ارتباط،

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۵۱۶، ح ۴۴.

۲. غیبت طوسی، ص ۳۹۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۰؛ اعلام الوری، ص ۴۴۵ بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۱.

۳. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۲۵۶.

بخواهد عقاید و نظر خود را با نام پیام‌های امام زمان به مردم القا کند.^۱
 بنابراین می‌توان دریافت که صرف دیدار، در روایت، منتفی نشده است و علما نیز نفی
 اصل دیدار را استفاده نکرده‌اند.

نکته دیگر این‌که علمای ما که موفق به دیدار حضرت شده بودند، آن را برای عامه مردم
 بازگو نمی‌کردند، بلکه اطرافیان و خواص آنان، از روی شواهد و قراینی و یا در زمان‌های
 بعد، متوجه وقوع دیدار آن عالم با امام می‌شدند. لذا علما تحت عنوان مدعی مشاهده و
 نیابت قرار نمی‌گیرند و این روایت، با داستان ملاقات برخی بزرگان تنافی ندارد.
 اینک برای آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز نظر برخی از بزرگان را در این مورد یادآور می
 شویم.

نخستین شخصیت برجسته ای که به امکان تشرف در غیبت کبری به طور شفاف فتوا
 داده سید مرتضی علم الهدی می‌باشد.^۲
 پس از ایشان شیخ طوسی گامی فراتر نهاده می‌فرماید: کسی که امام بر او ظاهر نشود او
 متوجه می‌شود که لا بد در او قصوری هست.^۳
 آن‌گاه سیدبن طاووس یا صراحت تمام اعلام می‌کند: تنها کسانی از محضر آن حضرت
 محرومند که در پیروی فرمان‌های آن حضرت کوتاهی دارند.^۴
 شخصیت‌های علمی دیگری چون صاحب کفایه آیت الله محمد کاظم خراسانی،^۵
 میرزای نائینی^۶ و آیت الله کمپانی^۷ بر امکان آن به افراد کم نظیر تصریح کرده‌اند.
 محدث جلیل القدر سیدهاشم بحرانی صاحب کتاب تفسیر برهان کتابی را در مورد
 ملاقات کنندگان با حضرت نوشته است.^۸

هم‌چنین علمای حوزه سامرا تحت تعلیم میرزای شیرازی کتاب‌های مستقل فراوانی در
 این باره تألیف کرده‌اند. و در عصر حاضر هم علما و مراجع به امکان و وقوع ملاقات افراد

۱. تاریخ الغیبة الصغری، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۵۴.

۲. تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۵؛ الشافی، ج ۱، ص ۱۴۹؛ المقنع فی الغیبة، ص ۷۵.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۹۹.

۴. کشف المحججه، ص ۵۳.

۵. کفایه الوصول، ج ۲، ص ۷۰.

۶. فوائد الاصول.

۷. نهایه الدراییه، ج ۳، ص ۸۵.

۸. تبصره الولی فیمن رأی الامام المهدی.

فرهیخته با حضرت حجت معتقدند.

در پایان بحث، دو نکته مهم را باید به خوانندگان عزیز یادآور شویم:

۱. باید توجه داشت اگر چه ملاقات حضرت فضیلت بزرگی است، اما آنچه مهم تر است شناخت و معرفت به آن بزرگوار و عمل به دستورهایی است که رضایت خداوند و آن حضرت را دارد.

۲. اگر چه دیدار با حضرت ممکن است ولی باید بگوییم اولیای خداوند کتوم هستند و آنان که به دیدار محبوبشان نائل شده‌اند هیچ وقت آن را برای مردم نگفته‌اند و جز به افراد خاص که آن هم نوعاً بعد از مرگ مشخص شده دیدارشان را بیان نکرده‌اند و کم نیستند افراد شیادی که با ادعای ارتباط و ملاقات با امام زمان جوانان عزیز ما را فریب می‌دهند و باید شدیداً از این افراد دوری جست چرا که:

مهر کردند و دهانش دوختند

هر که را اسرار حق آموختند

ظهور و قیام

۲۶. ظهور امام زمان (عج) چه نشانه‌هایی دارد؟

نشانه‌های ظهور

قبل از بیان نشانه‌های ظهور با بررسی و تأمل در روایات علائم ظهور، برخی از فواید طرح این بحث را یادآور می‌شویم:

۱. آگاهی امت از پرچم‌ها و دعوت‌های ضلال و گمراه‌کننده.
 ۲. بشارت به ظهور دعوت‌های حق و قیام‌هایی که در آن مردم را به حق دعوت می‌نمایند.
 ۳. اخبار غیبی از آن جهت که خرق عادت است از اهم دلایل نبوت و امامت به شمار می‌آید، و لذا نشر و تحقق آنها سبب زیاد شدن یقین در قلوب مسلمانان خواهد شد.
 ۴. بعد از تحقق هر یک از علائم ظهور، اطمینان مردم به اصل ظهور بیشتر خواهد شد.
 ۵. مسلمانان را برای آماده شدن و زمینه سازی ظهور تحریک کرده و به آنها آمادگی روحی، سیاسی و جهادی برای شرکت در حکومت آن حضرت را خواهد داد.^۱
- ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان عظیم‌ترین حادثه‌ای که در دوران زندگی انسان رخ خواهد داد، بی‌تردید دارای نشانه‌هایی است که از آنها در سخنان معصومین علیهم السلام فراوان یاد اشاره شده است. آنچه از کلام این بزرگان استفاده می‌شود این است که آنها عبارتند از: آن رخدادهایی که در آستانه ظهور، یا هم زمان و یا پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام پدید می‌آیند و تحقق هر یک از آن نشانه‌ها، نویدی از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نزدیک‌تر شدن قیام جهانی آن حضرت است.

۱. موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۵۱۷، مهدویت پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۱۷۵.

بنابراین از یک نگاه می‌توان گفت: نشانه‌های ظهور از نگاه وقوع زمانی به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱. نشانه‌هایی که با فاصله زمانی پیش از ظهور رخ می‌دهند؛
۲. نشانه‌هایی که با فاصله بسیار اندک پیش از ظهور اتفاق می‌افتند (در آستانه ظهور)؛
۳. نشانه‌هایی که هم‌زمان با حادثه بزرگ ظهور حضرت مهدی عج رخ می‌دهند؛
۴. نشانه‌هایی که با فاصله ای‌اندک پس از ظهور و پیش از قیام حضرت مهدی عج اتفاق می‌افتند.

در روایات بسیاری از رخ داده‌های طبیعی و غیرطبیعی و دگرگونی‌های سیاسی اجتماعی، به عنوان نشانه‌های ظهور یاد شده است. روشن است که میزان اعتبار و درستی همه این نشانه‌ها یک‌سان نخواهد بود. برخی در منابع معتبر آمده و از جهت سند و دلالت استوار است. بعضی نیز در کتاب‌های غیر معتبر و به وسیله افراد غیر موثق یاد شده است. برخی از این نشانه‌ها، فقط نشانه ظهور است و بعضی هم نشانه ظهور و هم نشانه برپایی قیامت می‌باشد. برخی نشانه‌ها کلی و محوری است و بعضی بیانگر مسائل ریز و جزئی است که گاه، همه آنها را می‌توان در عنوان واحدی گرد آورد.

بررسی اجمالی نشانه‌های حتمی

در ابتدای این بحث روایتی را از امام باقر ع درباره اقسام نشانه‌های ظهور می‌آوریم و هر کدام را اجمالاً توضیح می‌دهیم:

ایشان فرمودند: نشانه‌های ظهور دو دسته است: یک دسته نشانه‌های غیر حتمی و دسته دیگر نشانه‌های حتمی...^۱

۱. نشانه‌های حتمی

مقصود از «نشانه‌های حتمی» در مقابل نشانه‌های غیر حتمی آن است که پدیدار شدن آنها بدون هیچ قید و شرطی قطعی و الزامی خواهد بود. از روایات فراوانی، حتمی بودن نشانه‌های پنج‌گانه استفاده می‌شود: خروج سفیانی، قیام یمانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف در بیداء.^۲

۱. ترجمه غیبت نعمانی، باب ۱۸، ص ۴۲۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۲؛ غیبه، شرح طوسی، ص ۴۲۶، ح ۴۲۷.

۲. نشانه‌های غیر حتمی

در برابر نشانه‌های حتمی، نشانه‌های انبوهی در شمار نشانه‌های غیر حتمی قرار دارد؛ یعنی، مقید و مشروط به اموری است که در صورت تحقق آنها، به عنوان نشانه پدید می‌آید. به عبارت دیگر نشانه‌های غیر حتمی شاید پدید آید و شاید پدید نیاید و امام زمان عج ظهور کند. پاره‌ای از نشانه‌هایی که به حتمی بودن آنها تصریح نشده، از این قرار است:

۱. بارش باران‌های فراوان در آستانه ظهور؛

۲. خسوف و کسوف در یک ماه رمضان پیش از ظهور؛

۳. مرگ و میرها، زلزله‌ها و جنگ‌ها و آشوب‌های فراگیر؛

و ...

توضیحی درباره نشانه‌های حتمی

در این جا به اختصار درباره نشانه‌های حتمی اشاره‌ای می‌شود.

۱. خروج سفیانی

پیش از قیام حضرت مهدی عج، مردی از خاندان ابی سفیان^۱ به نام عثمان بن عنبسه در ماه رجب^۲ در منطقه شام خروج می‌کند و با تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمانان را فریب می‌دهد و بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلامی را به تصرف در می‌آورد. او بر مناطق پنج گانه شام، حمص، فلسطین، اردن، قنسرین و منطقه عراق سیطره می‌یابد و در کوفه و نجف، به قتل عام شیعیان می‌پردازد و برای کشتن و یافتن آنان جایزه تعیین می‌کند.^۳ مدت حکومت او نه ماه است.^۴ وی آن گاه که از ظهور حضرت حجّت عج آگاه می‌گردد، لشکری را برای مبارزه و کشتن امام مهدی عج به طرف مدینه و مکه روانه می‌کند. لشکری در منطقه بیداء (بین مکه و مدینه) به اراده خداوند به زمین فرو می‌رود. امام مهدی عج پس از ظهور و حرکت به سمت عراق، با سفیانی وارد جنگ می‌شود که به کشته شدن سفیانی و

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۰۲.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱؛ اعلام الوری، ص ۴۵۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶.

۴. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۹۹ و ۴۶۲.

لشگریان وی و نابودی آنها می انجامد.^۱

در روایتی که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده، ویژگی های جسمانی سفیانی چنین بیان شده است: پسر هند جگر خوار از بیابانی خشک خروج می کند، او مردی است چهار شانه، زشت رو بزرگ سر، آبله رو و چون او را می بینی می پنداری که یک چشم است، نامش عثمان و نام پدرش عنبسه و از فرزندان ابوسفیان است...^۲

همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر سفیانی را بینی! پلید ترین انسان ها را دیده ای.^۳

۲. خَسْف به بیداء

فرو برده شدن در سرزمین بیداء که از آن به «خسف به بیداء» یاد شده است از نشانه های حتمی ظهور حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده است. این نشانه در احادیثی که در باره سفیانی سخن گفته اند، فراوان ذکر شده است.^۴

«خَسْف» در لغت به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است.^۵ منظور از «خسف به بیداء» آن است که لشکر عظیم سفیانی به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه السلام عازم مکه می شود؛ اما در بین مکه و مدینه در محلی که به سرزمین «بیداء» معروف است به گونه ای معجزه آسا، به امر خداوند، در دل زمین فرو می روند. از این نشانه در روایات بسیاری از اهل سنت و شیعه به عنوان یکی از نشانه های حتمی ظهور یاد شده است.^۶

امام صادق علیه السلام در حدیث مفصلی این گونه فرمودند:

سید ما قائم علیه السلام بر دیوار خانه کعبه تکیه داده است... آن گاه مردی به حضورش می رسد که چهره و صورتش دگرگون شده او در مقابل امام می ایستد و می گوید یا سیدی من مژده رسان هستم یکی از فرشتگان به من دستور داده که خودم را به شما برسانم و بشارت دهم که لشکر شقاوت پیشه سفیانی در بیدا (بین مدینه و مکه) نابود گردید، حضرت به او می گوید: قصه و داستان خود و برادرت را بیان کن، آن مرد در پاسخ می گوید من و برادرم در سپاه سفیانی بودیم و از دمشق تا مدینه آمدیم و از آن

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۷۹؛ اختصاص، ص ۲۵۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹؛ اعلام الوری، ص ۴۵۷؛ الخرائج، ج ۳، ص ۱۱۵۰.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹.

۴. غیبت نعمانی، ص ۲۵۷، ح ۱۴؛ قرب الاسناد، ص ۵۸؛ خصال صدوق، ج ۱، ص ۳۰۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ماده خسف و بیداء.

۶. کافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ خصال، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۸۲؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۲، ح ۱۴؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰.

جا به قصد مکه حرکت کردیم، اما هنگامی که در میان مکه و مدینه در صحرا برای استراحت پیاده شدیم به ناگاه نداکننده‌ای خروش آورد که: «ای بیابان گروه ستم کاران را نابود ساز، با آن ندای آسمانی زمین شکافته شد و سپاه را بلعید. قسم به خدا در روی زمین در آن پهن دشت جز من و برادرم هیچ کس و هیچ چیز باقی نماند، ما دونفر باقی مانده بودیم که ناگهان فرشته‌ای از فرشتگان آمد و با ضربه‌ای که بر چهره ما زد صورت ما دگرگون شد، او به برادرم دستور داد به دمشق برود و به سفیانی هشدار دهد که لشکر تجاوزگرش در بیداء نابود گشته و به من گفت: ای بشیر تو نیز به مکه برو و نابودی ستم کاران به امام مهدی علیه السلام بشارت بده و به دست نجات بخش او توبه کن که او توبه ات را می‌پذیرد، سپس حضرت قائم علیه السلام دستش را به چهره او می‌کشاند و چهره او را به حالت اول می‌گرداند و او با حضرت بیعت می‌کند و با یاران امام مهدی علیه السلام همراه می‌شود.^۱

۳. خروج یمانی

یکی دیگر از نشانه‌های حتمی ظهور حضرت مهدی علیه السلام، خروج سرداری از اهل یمن است که مردم را به حق و عدل دعوت می‌کند. در کتاب‌های شیعه، روایات فراوانی در این باره وجود دارد؛^۲ به گونه‌ای که برخی آنها را مستفیض دانسته‌اند.^۳

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

... خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع خواهد شد؛ با نظام و ترتیبی همچون نظام یک رشته که به بند کشیده شده است. هر یک از پی دیگری [می‌آید] و جنگ قدرت و هیبت از هر سوی فراگیر می‌شود... در میان پرچم‌ها راهنماتر از پرچم یمانی نباشد که آن پرچم هدایت است؛ زیرا دعوت به صاحب شما (امام زمان علیه السلام) می‌کند... چون یمانی خروج کرد، به سوی او بشتاب که همانا پرچم او پرچم هدایت است. هیچ مسلمانی را روا نباشد که با آن پرچم مقابله کند. پس هر کس چنین کند او از اهل آتش است؛ زیرا او به سوی حق و راه مستقیم فرامی‌خواند.^۴

۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۵۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰؛ سؤال از امام مهدی علیه السلام در روایات، ص ۱۶۶.

۲. کافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۲، ح ۱۱.

۳. تاریخ غیبت کبرا، ص ۵۲۵.

۴. غیبت نعمانی، ص ۲۵۶، باب ۱۴، ح ۱۳؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۰.

اگر چه به جزئیات و چگونگی قیام و خروج یمانی، اشاره نشده است اما از نشانه‌های حتمی ظهور به شمار آمده است.

۴. قتل نفس زکیه

نفس زکیه، یعنی انسان پاک و بی گناه. پس از آن که اراده خداوند بر ظهور حضرت علیه السلام قرار گرفت، بر اساس روایات پانزده روز قبل از آن، شخصی در مسجد الحرام کشته میشود. قتل وی که به قتل نفس زکیه مشهور است یکی از پنج علامت حتمی ظهور شمرده شده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود:

لیس بین قیام قائم آل محمد و بین قتل النفس الزکیه الا خمسة عشر ليلة...؛ بین قیام قائم و کشته شدن نفس زکیه [فاصله] نخواهد بود مگر پانزده شب.^۱

از برخی روایات استفاده می‌شود که این شخص جوانی است از فرزندان پیامبر به نام محمد بن حسن که گویا چون انسان پاک و وارسته‌ای بوده و بدون گناه کشته میشود؛ به نفس زکیه معروف گردیده است. وی در مسجد الحرام به شهادت می‌رسد.

در فرازی از روایت امام باقر علیه السلام که پیرامون امام زمان علیه السلام از آن بزرگوار نقل شده چنین آمده است: «و جوانی از آل محمد علیهم السلام که نام او محمد بن حسن - نفس پاک - است بین رکن و مقام کشته می‌شود».

در مورد علت و کیفیت کشته شدن وی در روایتی از وجود مقدس امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است: «حضرت قائم علیه السلام به اصحاب خود میگوید، ای قوم اهل مکه مرا نمیخواهند و لکن من کسی را به سوی آنان میفرستم تا برایشان اتمام حجت کند به آنچه سزاوار است مانند من بر آنها احتجاج کند. پس مردی از اصحاب خود را میخواهد، و به او میفرماید: به سوی اهل مکه برو و بگو ای اهل مکه من فرستاده از طرف فلان (امام زمان علیه السلام) به سوی شمایم، و او میگوید به شما: به درستی که ما اهل بیت علیهم السلام رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم و ما از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و از تبار و سلاله پیامبرانیم و به درستی که ما مورد ظلم و ستم واقع گردیده و مقهور شدیم و از زمانی که پیامبران از دنیا رفت تا امروز حق ما از ما گرفته شده است، پس اکنون ما شما را به یاری میطلبیم پس یاری کنید.

۱. غیبت طوسی، ص ۲۴۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۹؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۴؛ الخرائج، ج ۳، ص ۱۱۶۲.

چون آن جوان این کلام را بگوید مردم به سوی او بروند و او را بین رکن و مقام ذبح کنند و او سبب نفس زکیه».

۵. ندای آسمانی

«ندا» در لغت به معنای بلند شدن صدا و ظهور آن است و گاهی فقط به صدا اطلاق می شود^۱ و در این جا منظور از ندای آسمانی، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آسمان شنیده می شود. و همه مردم آن را می شنوند.^۲

روایاتی که در باره این نشانه ها از طریق شیعه و سنی رسیده، فراوان؛ بلکه متواتر است.^۳ ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

ندا دهنده ای از آسمان نام قائم را می برد آنطور که همه اهل شرق و غرب جهان آن را می شنوند، از هراس و وحشت آن صدا خفتگان بیدار و همه ایستادگان نشسته و همه نشستگان با پا می خیزند. خداوند رحمت خویش را شامل بنده ای کند که به آن صدا توجه نموده پاسخش را بدهد، چون آن صدا، صدای جبرائیل روح الامین است، آن صدا در شب جمعه ۲۳ ماه رمضان به گوش خواهد رسید، پس شک به دل راه مدهید و به آن گوش فرادهید و اطاعت کنید.... پس اگر آن صدا را در ماه رمضان شنیدید در آن تردید نکنید که آن صدای جبرائیل است، نشانه اش هم آن است که به نام قائم و پدرش ندا می دهد. این صدا را حتی دوشیزگان پرده نشین خواهند شنید و پدران و برادرانشان را به بیرون رفتن از خانه (به دنبال آن صدا) و امی دارند....^۴

۲۷. آیا می توان زمان ظهور را تعیین کرد؟

یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در مباحث مهدویت، مسئله «هنگام ظهور» است؛ به گونه ای که حتی سال ها پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام، درباره آن از معصومین علیهم السلام پرسش می شد.^۵

۱. مفردات راغب، ماده ندا.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۵۳، ح ۱۳؛ غیبت طوسی، ص ۴۵۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۸.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۵۹.

۴. غیبت نعمانی، ص ۱۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱؛ النجم الثاقب، ج ۱، ص ۱۲۶؛ تاریخ مابعد از ظهور، ص ۱۲۵؛ شش ماه پایانی، ص ۱۱۷.

۵. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۲؛ غیبت طوسی، ص ۴۲۶؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸.

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز همواره مسائل مربوط به حضرت مهدی علیه السلام - به ویژه زمان ظهور آن حضرت - را از اسرار الهی دانسته و وقت گذاران را تکذیب کرده‌اند.

از سخنان نورانی ائمه اطهار علیهم السلام درباره هنگام ظهور، به مطالب ذیل بر خواهیم خورد:

۱. آگاهی از زمان دقیق ظهور، نزد خداوند است.

۲. معصومین علیهم السلام همواره مردم را از تعیین هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام، بر حذر داشته و وقت گذاران را تکذیب کرده‌اند.

۳. روایات فراوانی رخداد ظهور را ناگهانی دانسته، اصلاح امر فرج را در یک شب ذکر کرده‌اند. اما توضیح موارد یاد شده:

علم دقیق زمان ظهور نزد خداوند

از روایاتی که علم به زمان ظهور را نزد خداوند دانسته، می‌توان به مورد ذیل اشاره کرد:
- در روایت مشهوری آمده است:

وقتی دعبل، شاعر بلند آوازه شیعی، در محضر امام رضا علیه السلام در ضمن قصیده‌ای، سخن از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام بر زبان جاری ساخت؛ آن حضرت در حالی که سرشک از دیدگانش جاری بود، رو به دعبل کرد و فرمود: «ای خزاعی! همانا روح القدس بر زبانت این دو بیت را جاری ساخت. آیا می‌دانی این امام کیست؟ و چه زمانی قیام می‌کند؟»

آن گاه خود آن حضرت به معرفی امام مهدی علیه السلام پرداخت. سپس درباره زمان ظهورش چنین فرمود:

اما این که «چه زمانی ظهور خواهد کرد»، این خبر دادن از وقت است. پدرم از پدرش و ایشان از پدرانش از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که وقتی از آن حضرت سؤال شد: ای رسول خدا! چه زمانی قائم از ذریه شما ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: مثل او مانند قیامت است که [خداوند درباره زمان وقوع آن چنین] فرمود: هیچ کس جز او به هنگامش آن را آشکار نمی‌سازد. این امر بر [اهل] آسمان‌ها و زمین دشوار است، جز به صورت ناگهانی به سراغ شما نمی‌آید. ^{۲۱}

۱. اعراف، آیه ۱۸۷.

۲. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۶؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۲؛ کفایه الاثر، ص ۲۷۶.

تکذیب وقت گزاران

در روایات بسیاری از حضرات معصومین نقل شده: که هر کس وقت ظهور امام زمان علیه السلام را مشخص کند دروغ گو است.

از جمله فضل بن یسار می گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرضه داشتم: آیا برای این امر وقتی تعیین شده است؟ فرمود: **كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ**؛ کسانی که وقتی برای ظهور تعیین کنند، دروغ می گویند. و این جمله را سه بار تکرار فرمود.^۱

و هم چنین از عبد الرحمان بن کثیر روایت کرده اند که گفت:

در خدمت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم اسدی وارد شد و عرض کرد: جانم به فدایت! ظهور قائم آل محمد علیهم السلام که شما اهل بیت علیهم السلام و ما شیعیان انتظار آن را کشیم، کی خواهد بود؟... فرمود: ای مهزم! آنان که وقتی برای آن تعیین می کنند، دروغ می گویند و آنان که برای ظهورش شتاب می نمایند به هلاکت می رسند، و آنان که تسلیم امر الهی هستند نجات می یابند، و سرانجام همه به سوی ما باز می گردند.^۲

وجود مبارک حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیز در ضمن توقیعی این گونه فرمودند: «و اما ظهور فرج همانا در اختیار خداوند متعال است و وقت گزاران دروغ گفتند».^۳

پس روشن می شود که زمان آغاز ظهور، یکی از اسرار الهی است و اندیشه و فکر بشر از رسیدن به آن، سخت کوتاه و ناتوان است.

ناگهانی بودن ظهور مهدی علیه السلام

همان گونه که بیان شد در روایات فراوانی از ظهور آن حضرت به عنوان حادثه ای ناگهانی یاد شده و واضح است ناگهانی بودن آن، با تعیین قبلی وقت منافات دارد؛ چرا که وقتی برای امری زمان مشخص شد، دیگر دفعی و ناگهانی بودن آن معنا نخواهد داشت. به

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۵؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۴، ح ۱۳، باب ۱۶؛ غیبت طوسی، ص ۲۹۴ و ۴۲۵.
 ۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۴، باب ۱۶، ح ۱۱؛ ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، ص ۴۲۴.
 ۳. «وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَ كَذِبَ الْوَقَاتُونَ»؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۲۹۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۱.

طور مسلم کسانی که تعیین وقت می کنند، سخنشان خلاف این گروه روایات است.

پاره‌ای از این روایات را این گونه می توان دسته بندی کرد:

الف) اصلاح امر ظهور در یک شب:

امام علی علیه السلام می فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از ما اهل بیت علیهم السلام است که خداوند امر

[فرج] او را در یک شب اصلاح می فرماید.^۱

امام باقر علیه السلام نیز این معنا را این گونه بیان کرده است: خداوند امر [فرج] او را در یک شب

اصلاح می کند.^۲

ب) آمدن همانند شهاب فروزان:

امام باقر علیه السلام پس از بیان غیبت حضرت مهدی علیه السلام، فرمود: او همانند شهابی شعله ور ظاهر

خواهد شد.^۳

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در این باره می فرماید: در آن هنگام همچون شهابی فروزان خواهد آمد.^۴

روشن است که سخن معصومین علیهم السلام گزاف نیست و تشبیهات ایشان بدون حساب نبوده

است. از سوی دیگر، «فرارسیدن همچون شهاب» سخن از ناگهانی بودن، بدون پیش بینی

قبلی، غافل گیرانه و سریع بودن آن می باشد.

۲۸. با وجود سلاحهای مدرن و بسیار مخرب در جهان، حضرت با چه سلاحی بر

دشمنانش غلبه می کند؟

آنچه در پاسخ به این سؤال باید مورد توجه قرار گیرد این است که بدون شک حضرت

مهدی علیه السلام با ظهور و قیام خود، بر تمام قدرت های غیر الهی چیره و غالب خواهد شد. آن ها را

بسان علف های هرز از روی زمین برداشته، نابود خواهد ساخت. تا زمینه رشد و کمال

انسان ها، به صورت کامل فراهم آید و زمین پر از عدل و داد گردد.

اما در مورد این که چگونه آن حضرت بر آن قدرت های ستم پیشه پیروز می شود؟ و با

۱. «الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ النَّبِيِّ يُضْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ»؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۵۲؛ کشف الغممه، ج ۲، ص ۴۷۷.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۶۳ و ۲۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۱.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۵۹؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۴؛ منتخب الاثر، ص ۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷؛ اعلام الوری، ص ۴۲۴.

چه ابزاری در آن قیام بزرگ با دشمنان خواهد جنگید؟ باید بگوییم با بررسی روایاتی که در این زمینه در دست است در می‌یابیم:

تنها سلاح مورد اشاره در کلام معصومین علیهم‌السلام برای آن حضرت هنگام قیام، سلاح متداول عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «شمشیر» (سیف) ذکر شده است.^۱

اما این که آیا مقصود از شمشیر، معنای حقیقی آن است یا معنای کنایی؟ خود باعث پدید آمدن گمانه‌هایی چند شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. وجود مقدس حضرت با علم و قدرت معجزه آسای خود تمام سلاح‌های مدرن آن زمان را از کار می‌اندازد و جنگ‌های آن حضرت با شمشیر حقیقی خواهد بود و حضرت از سلاح‌های کشتار جمعی که همه را با هم از بین می‌برد و نظامی و غیر نظامی نمی‌شناسد استفاده نمی‌کند.

۲. با وجود سلاح‌های مدرن در آن روز به جهت قدرت معنوی و فوق طبیعی امام کسی جرأت بکارگیری آنها را ندارد، چنان که در روایات آمده که هر جا حضرت حرکت کند قبل از ایشان ترس بر آنجا مستولی شده کسی جرئت کاری را نمی‌یابد بنابراین جنگ‌ها با شمشیر حقیقی اتفاق خواهد افتاد.^۲

۳. با توجه به تکامل خارق العاده علم در زمان ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام ممکن است ایشان سلاح‌هایی را همراه داشته باشند که هرگز در تصور انسان‌های امروز نمی‌گنجد و با آن سلاح‌های فوق مدرن آن روز بر سلاح‌های مدرن امروز غلبه کنند که در این فرض معنای شمشیر کنائی خواهد بود.

سخن آخر آن که بررسی سلاح از مسائل مهم مهدویت نیست و لذا دانستن آن اهمیت چندانی ندارد و کنکاش در آن نیز نتیجه نمی‌دهد، بنابراین علم آن را به اهلش وامی‌گذاریم و دامن سخن را بر می‌چینیم.

۲۹. یاران خاص حضرت مهدی علیه‌السلام چه کسانی هستند و چگونه‌اند؟

طبق روایات معصومین علیهم‌السلام شمار یاران خاص حضرت مهدی علیه‌السلام سیصد و سیزده نفر به

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۱، ج ۸، ص ۵۰، ح ۱۳؛ عبون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۵۹، ح ۲۹؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۳؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۱۰۸، ح ۵۳۸۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۵۴، ح ۲؛ غیبت نعمانی، ص ۱۶۴، ح ۵۰۵؛ کتاب دیگر.

۲. مهدویت پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۱۹۱ به نقل از قیام جهانی حضرت موعود با شمشیر و امثال آن، ص ۱۱ و ۱۷؛ شناخت زندگی بخش، ص ۱۲۴.

تعداد یاران پیامبر ﷺ در جنگ بدر هستند. در منابع روایی اهل سنت نیز همین تعداد به عنوان یاران حضرت مهدی بیان شده است.

به نظر می‌رسد حاکمان و زمام داران جهان از میان آنها برگزیده خواهند شد.

در عصر ظهور یاران خاص حضرت مهدی ﷺ، برگزیدگان اهل زمین بوده و شایستگی‌های لازم برای تدبیر امور همه مردم جهان را دارا خواهند بود.

احادیثی در ستایش این گروه وارد شده و در قرآن کریم آیاتی است که تأویل به آنان شده است:

۱. از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تأویل سخن خدای متعال ﴿وَلَنُنَازِلُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ...﴾^۱ هر آینه اگر از آنان عذاب را تا مدتی معین [یا تا فراهم آمدن دسته‌ای به تعداد مشخص] به تأخیر اندازیم... فرمود: مراد از امت معدوده یاران مهدی در آخر الزمانند؛ ۳۱۳ نفر به تعداد افراد جنگ بدر. آنان در ساعتی جمع شوند؛ مانند ابرهایی که در پاییز جمع می‌شوند.^۲

۲. از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ، أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾^۳ «در نیکی‌ها بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا باشید، خدا همه شما را خواهد آورد». روایت شده است: «يَعْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ»^۴.

از مجموع روایاتی که در دست است، در باره صفات و ویژگی‌های این بزرگان، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. آنان از مناطق مختلف جهان به صورتی خارق العاده گرد می‌آیند

در روایتی از وجود مقدس امام جواد علیه السلام، نقل شده است: «اجتماع می‌کنند به سوی او اصحاب‌اش به تعداد اهل بدر، ۳۱۳ نفر از نقاط مختلف زمین»^۵.

۲. معرفت عمیق به خدا و امام خویش

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرمودند: آنها مردانی هستند که خدا را آن چنان که شایسته

است می‌شناسند.

۱. حیدر، آیه ۸.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴۰؛ غیبت نعمانی، ص ۲۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۲.

۳. بقره، آیه ۱۴۸.

۴. کافی، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۴۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸.

۵. کمال الدین، ج ۲، پ ۳۷، ح ۲.

امام سجاد علیه السلام فرموده‌اند: آنان کسانی هستند که به امامت آن بزرگوار اعتقاد دارند.^۱

۳. اطاعت کامل

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: اطاعت آنان از امام از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است.^۲

۴. عبادت و صلابت

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آنان در دل شب از خشیت خداوند مانند مادران جوان از دست داده ناله می‌کنند.^۳

و در روایت دیگری می‌فرماید: شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند.^۴

۵. جان نثاری و شهادت طلبی

امام صادق علیه السلام فرمودند: آنان برای تبرک بر زمین اسب امام دست می‌کشند و در میان رزم گردش می‌چرخند و با جان خود از او محافظت می‌کنند... و آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند.^۵

۶. شجاعت و دلیری

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: همه آنان، شیرانی هستند که از بیشه، بیرون شده‌اند و اگر اراده کنند، گوه‌ها را از جا می‌کنند.^۶

در این باره نیز امام صادق علیه السلام فرمودند: آنها شیران روز و زاهدان شبند، دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن (محکم و استوار) است و هر کدام از آنها توان چهل مرد را داراست.^۷

۷. صبر و بردباری

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آنان، گروهی هستند که به خاطر صبر و بردباری در راه خدا،

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۲۰، ب ۳۱، ح ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

۳. مهدویت پرشش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۲۰۴، به نقل از یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۴. همان.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۶. یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۷. اختصاص شیخ مفید، ص ۲۰۸؛ منتخب الانوار، ص ۱۹۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶، ح ۲۰۲.

بر خداوند منت نمی‌گذارند و از این که جان خویش را تقدیم حضرت حق می‌کنند به خود نمی‌بالند و آن را بزرگ نمی‌شمارند.^۱

۸. اتحاد و همدلی

امام علی علیه السلام، می‌فرماید: ایشان، یک‌دل و هم‌آهنگ هستند.^۲

۹. آنان در پرتو عنایت‌های الهی همواره پیروز میدان نبرد خواهند بود.

امام باقر علیه السلام فرمودند: گویی یاران قائم را می‌بینم که شرق و غرب جهان را در نور دیدند،

همه چیز در برابر آنها سر تسلیم فرود می‌آورد.^۳

۱۰. محبت موجودات به ایشان

امام باقر علیه السلام فرمودند: حیوانات درنده و پرندگان شکاری به دنبال خشنود ساختن آنها هستند.

قطعه‌ای از زمین به قطعه دیگر مباحث کرده و می‌گوید: امروز مردی از یاران قائم از من گذر کرد.^۴

۱۱. ایشان کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام روی زمین خواهند شد.

مفضل بن عمر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «همانا قائم را بر منبر (مسجد) کوفه

می‌بینم در حالی که ۳۱۳ نفر عدد اهل بدر گرد او را گرفته‌اند، آنها مردان جنگ آور و حاکمان

خدا بر مردم روی زمین هستند».^۵

و در پایان این بخش شایان ذکر است که از برخی روایات استفاده می‌شود که پنجاه تن از

این تعداد (یاران حضرت)، زنان هستند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «... وَ يَجِيءُ وَ اللهُ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً

يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ».^۶

به خدا سوگند، ۳۱۳ مرد که در بین ایشان پنجاه زن هستند بدون هیچ قرار قبلی در مکه

جمع خواهند شد.

نکته قابل توجه این که، حتی نام بعضی از این زنان در روایات آمده است.^۷

۱. بزم الخلاص، ص ۲۲۴.

۲. بزم الخلاص، ص ۲۲۳.

۳. معرفت امام عصر علیه السلام و تکلیف منتظران، ص ۲۸۴ به نقل از بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۳.

۴. همان، ص ۳۲۷، ح ۴۴.

۵. همان، ص ۳۲۶، ح ۴۲.

۶. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۴، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۷. مهدویت پرستشها و پاسخ‌ها، ص ۲۰۸ به نقل از دلائل الامامه، ص ۴۸۴، ح ۴۸۱.

از روایاتی دیگر استفاده می‌شود، افزون بر شمار بالا، یاران عام آن حضرت پس از ظهور به آن حضرت ملحق می‌شوند. از این روایات استفاده می‌شود حضرت مهدی عج از مکه خارج نخواهد شد؛ مگر آن که همراهشان ده هزار تن از یاوران خواهند بود.^۱

۳۰. نزول حضرت عیسی از آسمان و ارتباط آن حضرت با امام زمان (عج) چگونه خواهد بود؟

حضرت عیسی بن مریم ع انسانی والا و پیامبری از پیامبران بزرگ الهی است. وی افزون بر آن که صاحب شریعت و کتاب آسمانی است. تولدی خارق العاده داشته، بدون پدر به دنیا آمده است. مسلمانان بر خلاف باور اغلب مسیحیان که به کشته شدن حضرت مسیح ع معتقدند، آن پیامبر الهی را زنده می‌دانند.

از ویژگی‌های مهم این پیامبر اولوالعزم آن است که از پیروان فراوانی برخوردار است. امت او اینک در سراسر جهان از دو میلیارد نفر می‌گذرد که در میان آنان از همه قشرها و طبقات از انسان‌های عادی گرفته تا شاهان، رؤسای جمهور و دیگر چهره‌های مشهور هستند و قدرت بزرگ و وزنه سنگینی می‌باشند. میلیون‌ها تمثال از آن حضرت و به نام او، در معابد، کلیساها، مدارس، خانه‌ها و... نصب شده و بر سینه پیروانش آویخته است.

بنابراین به یقین می‌توان گفت امروزه عیسی بن مریم ع نزد مسیحیان مقدس‌ترین موجود است و طبیعی است که دیگر مکتب‌ها و ادیان نیز برای آن پیامبر الهی احترام ویژه‌ای قائل هستند. مسلمانان نیز به پیروی از قرآن کریم او را آن گونه که هست بنده وارسته و شایسته خدا و پیامبر بزرگ او می‌شمارند و همان گونه که قرآن بارها او را به پاکی، طهارت و قداست و احترام یاد می‌کند، وی را تجلیل می‌کنند. به نظر می‌رسد به جهت اهمیت این موضوع و شکوه و شخصیت والای آن حضرت است که او به اراده خدا و برای تقویت حرکت جهانی و نجات بخش امام مهدی ع در عصر ظهور و قیام آن حضرت، فرود می‌آید. روایات فراوانی از پیامبر ع و خاندان وحی و رسالت ع رسیده و در آن به فرود آمدن عیسی ع و اقتدای او به امام مهدی ع و تصدیق و تأیید آن اصلاح‌گر بزرگ عصرها و

نسل‌ها، تصریح شده است.^۱

بنابراین فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا، عیسی بن مریم علیه السلام به هنگام قیام امام مهدی علیه السلام، از دیدگاه همه مسلمانان با وجود اختلاف در مذهب یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد. افزون بر آن، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، به عنوان شگفت‌انگیزترین حادثه تاریخ و مهم‌ترین رخداد، بزرگ‌ترین نشانه و پرشکوه‌ترین دلیل بر حقانیت امام مهدی علیه السلام است. آیا شگفت‌انگیز نیست که انسانی، مدتی در روی زمین زندگی کند، آن‌گاه رفعت یافته، هزارها سال زندگی کند، و هم‌گام با قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام به خواست خدا و دستور او، فرود آید و ضمن تصدیق و اقرار به امامت آن حضرت، با او نماز بگزارد و حرکت نجات بخش و آسمانی آن حضرت را یاری کند؟

ابوبصیر گوید: [به امام صادق علیه السلام] عرض کردم: ای پسر رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود:

ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است. او فرزند سیده کنیزان است و غیبتی کند که باطل جویان در آن شک کنند. پس خدای تعالی او را آشکار کند و بر دست او شرق و غرب عالم را بگشاید و روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن گردد...^۲

شاید بتوان گفت یکی از حکمت‌های فرود آمدن آن حضرت در قیام امام مهدی علیه السلام، تقویت حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گران‌مایه و امامت او است. به ویژه که حضرت عیسی علیه السلام به امام مهدی علیه السلام اقتدا نموده، به امامت او نماز می‌گزارد و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می‌کند.

از عیسی علیه السلام در روایات با واژه‌های گوناگون مانند وزیر، جانشین، مشاور، فرمانده سپاه و مسئول در حکومت حضرت مهدی علیه السلام یاد شده است. بر اساس روایاتی چند، آن حضرت وزارت حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام را بر عهده خواهد داشت؛ چنان‌که از افراد دیگری نیز به عنوان وزیر نام برده شده که احتمالاً این وزیران در رده‌های بعدی حکومت و سیاست

۱. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۶۷۸-۶۸۰؛ امالی، ص ۲۷۱، ح ۸؛ احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۴۷۰؛ خصال، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱؛ کافی، ج ۸، ص ۴۹، ح ۱۰؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۲۷، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۵، باب ۳۳، ح ۳۱؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۷؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

قرار دارند و عیسی علیه السلام در رأس آنها و به عنوان وزیر و مشاور و نزدیک ترین شخص به امام زمان و فرمانده سپاه او و دارنده مقام قضاوت است.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

مهدی متوجه می شود که عیسی در «قدس» در نزدیکی «منارة البيضاء» فرود می آید: در حالی که دست های خود را بر بال های دو فرشته نهاده، آب از موهایش فرو می چکد. پس مهدی می گوید: جلو بایست و با مردم نماز بخوان! عیسی می گوید: نماز برای تو اقامه شده است. پس عیسی پشت سر او نماز خواند و با او بیعت می کند و می گوید: من به عنوان وزیر برانگیخته شده ام؛ نه به عنوان امیر و امام.^۱

در این قسمت خوانندگان عزیز را به نکته لطیفی رهنمون می شویم: از اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به امام زمان علیه السلام در نماز که قطعاً به دستور خداست، (این حادثه مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است) پی می بریم که مقام امام زمان علیه السلام از مقام حضرت عیسی علیه السلام بالاتر بوده و امام زمان علیه السلام حجت خدا بر عیسی علیه السلام و امام اوست.

فصل چهارم:

حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

۳۱. حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟

حکومت حضرت مهدی علیه السلام، به عنوان بزرگ ترین آرمان محرومان و مستضعفان دارای ویژگی های مهمی است. از جمله این ویژگی ها، جهانی بودن آن است. بدین گونه که پس از پیروزی سپاه حضرت مهدی علیه السلام و نابودی سپاه کفر و باطل، آن حضرت بر شرق و غرب جهان سلطه و برتری خواهد یافت، این تسلط و برتری درآمندی است برای تشکیل حکومت جهانی آن حضرت. که در آن هیچ آبادی در زمین نمی ماند؛ مگر این که گلبانگ توحید از آن بر می خیزد و سراسر گیتی از عدل و داد آکنده می گردد و به دست آن حضرت، آرمان والای تشکیل جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران، امامان، مصلحان و انسان دوستان برآورده می شود.

هشتمین پیشوای شیعیان امام رضا علیه السلام از پدرانش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

خداوند در شب معراج در بخشی از بیانی طولانی فرمود: «... و به درستی زمین را به وسیله واپسین آنان (ائمہ معصومین علیهم السلام) از دشمنانم پاک خواهم ساخت، و تمام گستره زمین را در فرمانروایی او قرار خواهم داد...»^۱ در دوران رهبری امام مهدی علیه السلام، با ایجاد مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه اجتماعات، نژادها و منطقه ها، یک از عوامل اصلی تضاد و جنگ و ستم از بین می رود.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

پیشوایان پس از من دوازده نفرند؛ نخستین آنان تو هستی ای علی و واپسین آنان تا...

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۵، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲، ح ۱۰.

۲. عصر زندگی، ص ۱۶۲.

است؛ همو که خداوند بر دستانش مشارق و مغارب زمین را فتح خواهد کرد.^۱

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

سپس خدای عزوجل او را ظاهر سازد و مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را به دست او بگشاید و...^۲

شیعه در این دیدگاه بر این باور است که با «تشکیل حکومت جهانی»، اسلام به عنوان یگانه دین حق و کامل و دارای شریعت جامع، مقبول همگان خواهد شد. در آن زمان ستمگران و جباران از مسند قدرت به زیر کشیده می‌شوند. پس از آن حکومت جهانی اسلام با زعامت و رهبری امام معصوم و عادل برپا شده و عدالت بر بنیاد دیانت و اخلاق در مقیاسی جهانی اجرا می‌گردد.

در برخی از آیات قرآن، به این حاکمیت اشاره شده است و آیات مربوط به جهانی بودن اسلام نیز مؤید این معناست. جهانی بودن دین اسلام و عدم اختصاص آن به قوم یا منطقه خاصی، از ضروریات این آیین الهی است و حتی کسانی که ایمان به آن ندارند می‌دانند که دعوت اسلام، همگانی بوده و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نبوده است.

افزون بر این، شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سران کشورها مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل گوناگون عرب و... نامه نوشتند و همگان را به پذیرفتن این دین مقدس دعوت کردند و از پی آمدهای و خیم کفر و روی گردانی از اسلام، بر حذر داشتند. اگر دین اسلام، جهانی نبود چنین دعوت عمومی انجام نمی‌گرفت و دیگر اقوام و امت‌ها هم برای عدم پذیرش، عذری می‌داشتند.^۳

علاوه بر آنچه یاد شد در منابع روایی اسلامی (به ویژه شیعی)، از ویژگی‌ها، اختیارات و عملکردهایی یاد شده است که آنها جز با تشکیل حکومت واحد جهانی محقق نخواهند شد. از جمله گفته شده است: حضرت مهدی علیه السلام ستم و جور را برای همیشه بر می‌اندازد و عدالت و دین حق را در سطح جهان برای همیشه مستقر می‌کند. در برخی روایات از اختیارات قدرت و امکانات مطلق و جهانی امام غایب یاد شده است که نتیجه آن، چیرگی بر

۱. أمالی صدوق، ص ۱۱۱، ح ۹؛ روضه الواعظین، ص ۱۰۲؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۳۱.

۳. آموزش عقاید، ج ۲، ص ۱۱۶.

جهان و تشکیل حکومت مقتدر جهانی است.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

قائم ما با درانداختن بیم و هراس در دل ستمگران یاری می شود، با پشتیبانی و حمایت از سوی خداوند تأیید می گردد. زمین برایش خاضع و تسلیم می شود گنج ها برایش آشکار و نمایان می شود. حکومت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد. خداوند به وسیله او دینش را بر تمام ادیان چیرگی و غلبه می بخشد؛ هر چند مشرکان کراحت داشته باشند. [در عصر ظهور] در زمین خرابی و ویرانی نمی ماند؛ مگر آن که آباد می شود. عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز گزارد.^۱

بر این اساس، حکومت جهانی واحد از دیرباز به عنوان یکی از عقاید مسلم شیعی و یکی از نیازهای بشر مطرح بوده است. اکنون نیز شیعیان امامی در انتظار روزی به سر می برند که چنین حکومتی، با ظهور منجی غایب تشکیل شود و تاریخ بشر در مسیر حق قرار گیرد و بشریت از برکات واقعی و همه جانبه آن بهره مند شوند. با اینکه آرمان‌هایی چون «عدل جهانی» و «حکومت جهانی» سابقه‌ای دیرینه دارد؛ اما در قرن اخیر به دلیل‌های خاص سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به ویژه گسترش ارتباطات آرمان «جهانی شدن» تشدید و تقویت شده و عملی‌تر به نظر می رسد. در جنبش‌های اسلامی معاصر نیز بار دیگر، آرمان دیرین جهانی و چیره شدن اسلام با قدرت تمام مطرح شده و مفاهیمی چون دین جهانی، عدل جهانی، حکومت جهانی، و یا بین‌الملل اسلامی و... گسترش یافته است.

آرمان‌های یاد شده در میان شیعیان در سطح گسترده‌تر مطرح و تقویت شده و اکنون در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران، از آن آرمان‌ها از جمله حکومت واحد جهانی تبلیغ می شود.

۳۲. روش حکومتی حضرت مهدی علیه السلام چگونه خواهد بود؟

از روایات و قرائن مختلف، ثابت می شود که روش حکومتی حضرت مهدی علیه السلام به طور دقیق همان روش حکومتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام است. البته نباید از نگاه دور داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به جهت محدودیت‌ها و موانع تحمیل شده فراوانی،

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۶؛ کشف الغممه، ج ۲، ص ۵۳۴؛ اعلام‌الوری، ص ۴۶۳.

نتوانستند تمام اهداف خود را تحقق بخشند.

از سخنان نورانی معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود: تمام محدودیت‌ها و موانع که تا آن زمان از برپایی حکومتی جامع و جهانی جلوگیری می‌کرده است، از سر راه امام مهدی علیه السلام برداشته می‌شود و آن حضرت اهداف معصومین علیهم السلام را تحقق خواهد بخشید.

برخی از روایات عبارتند از:

عبدالله بن عطا گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، به کدام روش در میان مردم رفتار خواهد کرد؟ آن حضرت فرمود: ... آنچه را [بدعت و پیرایه] پیش از او بوده، از اساس ویران خواهد کرد، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل کرد، و او اسلام را از نو آغاز خواهد فرمود.^۱

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

چرا به فرار سیدن خروج قائم شتاب می‌کنید؟ به خدا قسم لباس او جز جامه درشت و خشن نخواهد بود و غذایش جز خوراک ناگوار و ناخوش نباشد و جز شمشیر [برای دشمنان] چیزی در کار نبوده و مرگ زیر سایه شمشیر خواهد بود.^۲

همچنین آن حضرت فرمود: همانا قائم ما اهل بیت آن گاه که قیام فرماید لباس علی را بر تن خواهد کرد و بر سیره او عمل خواهد کرد.^۳

از این روایت‌ها به روشنی استفاده می‌شود روش آن حضرت مطابق روش پدران خود است.

فراموش نشود آنچه از آن به عنوان سخت‌گیری‌های حضرت یاد شده فقط در مرحله آغازین ظهور و پس از اتمام حجّت بر تمام انسان‌ها و برای نابودی ستمگران است و گرنه روایات فراوانی در دست است که مراحل بعدی، حکومت را سرشار از صلح و صفا و صمیمیت دانسته، سخن از رضایت همگانی از آن حاکمیت جهانی به میان آمده است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

بشارت باد بر شما به مهدی! در هنگام اختلاف مردمان و زلزله‌ها، در امت من

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۳۵، ح ۱۷؛ تهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴؛ روضة الواعظین، ص ۲۶۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۳۳، ح ۲۰؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۴۵۹.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۴؛ ج ۶، ص ۴۲۴؛ بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۳۶.

برانگیخته می‌شود. زمین را آکنده از عدل و قسط می‌کند آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. از او ساکن آسمان و ساکن زمین راضی خواهد شد.^۱

چه این که ساکن آسمان را فرشتگان الهی بدانیم و یا این که آنها را انسان‌هایی بدانیم که بر اثر پیشرفت خارق‌العاده علم و دانش در عصر ظهور در کرات آسمانی ساکن شده‌اند، هر دو حکایت از گزینش بهترین روش در حاکمیت توسط آن حضرت است.

اما این که فرشتگان و ساکنان آسمان‌ها و مردگان از ظهور امام علیه السلام خوشحال شوند به خاطر این است که کفر و ستم و بیداد و گناه از ابتدای آفرینش آن‌ها را آزار داده و اندوهگین می‌نموده است و وقتی می‌بینند که ظهور امام علیه السلام با مرگ باطل و زنده شدن حق و خاموش شدن آتش کفر و شرک و گسترش ایمان و توحید همراه است خوشحال می‌شوند، بلکه می‌توان گفت به این خاطر، همه چیز در آسمان و زمین از ظهور آن حضرت مسرور می‌شوند.

افزون بر این مطالب، چون امام علیه السلام واسطه نزول فیض پروردگار بر تمام موجودات عالم هستی است و اراده پروردگار در اصل وجود اشیاء و کم و کیف و دیگر وجوه عنایات الهی به موجودات از راه امام محقق می‌شود، بنابراین بین امام علیه السلام و دیگر موجودات رابطه‌ای معنوی برقرار است که وقتی امام علیه السلام به مصیبت و اندوهی مبتلا شود آن‌ها اندوهگین و هرگاه مسرور باشد آن‌ها مسرور می‌شوند.^۲

و شکی نیست که آن حضرت نیز همچون دیگر موجودات از ظهور اراده الهی در تحقق عدل و عدالت در نهایت خوشحالی خواهد بود.

۳۳. برنامه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در حکومت حضرت به چه شکل خواهد بود؟

برای آشنایی بیشتر خوانندگان عزیز با برنامه‌های حکومتی حضرت، با توجه به روایات فراوانی که در باره حکومت مهدی علیه السلام موجود است، می‌توان آن برنامه‌ها را در سه محور خلاصه کرد: فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی.

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۸؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۱ و ۴۸۳؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

۲. ظهور نور، ص ۲۰۹.

۱. برنامه‌های فرهنگی

در انجام برنامه فرهنگی، محورهای مهم عبارتند از:
الف) احیای کتاب و سنت: امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

در روزگاری که هوای نفس حکومت می‌کند (امام مهدی علیه السلام ظهور می‌کند) و هدایت و رستگاری را جایگزین هوای نفس می‌سازد و در عصری که نظر اشخاص بر قرآن مقدم شده، افکار را متوجه قرآن می‌گرداند و آن را حاکم بر جامعه می‌سازد.^۱

ب) گسترش معرفت و اخلاق: امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

زمانی که قائم ماقیام می‌کند دست خود را بر سر بندگان خواهد نهاد و عقل‌های ایشان را جمع کرده و عقل آنها را به کمال خواهد رساند.^۲

ج) رشد دانش بشر به طور چشمگیر و بی سابقه: امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

در زمان امام مهدی علیه السلام به شما حکمت و دانش داده می‌شود تا آن جا که زن در درون خانه‌اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت (رفتار) می‌کند.^۳

می‌دانیم که رفتار صحیح ریشه در علم و دانش گسترده دارد که این روایت شریف حکایت از آگاهی و شناخت عمیق از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام دارد.

د) مبارزه با بدعت‌ها: بدعت به معنای داخل کردن اندیشه و آرای شخصی در دین و دینداری است. آنچه از تمایلات شخصی و هواهای نفسانی وارد دین شده، حضرت مهدی علیه السلام با آن مبارزه می‌کنند.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

هیچ بدعتی را وانگذارد مگر این که آن را از ریشه برکند و از هیچ سستی (پیامبر) نمی‌گذرد مگر اینکه آن را برپا خواهد داشت.^۴

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵؛ الخرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ منتخب الانوار، ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۴. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۱.

۲. برنامه‌های اقتصادی

برنامه‌های اقتصادی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام به صورت مطلوبی تدوین شده تا اولاً امر تولید سامان یابد و از منابع طبیعی بهره برداری شود و ثانیاً: ثروت بدست آمده به شکل عادلانه بین همه طبقات توزیع گردد.

موارد اقتصادی دوران حاکمیت حضرت:

الف) بهره‌وری از منابع طبیعی:

در زمان حضرت مهدی علیه السلام و به برکت حکومت ایشان، آسمان سخاوت مندانه می‌بارد و زمین بی دریغ ثمر می‌دهد.

امام علی علیه السلام فرمودند: و چون قائم ما قیام کند آسمان باران می‌ریزد و زمین گیاه بیرون می‌آورد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمودند: تمام گنج‌های زمین برای او آشکار می‌گردد.^۲

ب) توزیع عادلانه ثروت:

از عوامل اقتصاد بیمار، انباشته شدن ثروت در نزد گروه خاصی است. در دوران حکومت عدل مهدوی اموال و ثروت بیت المال به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: وقتی قائم خاندان پیامبر قیام کند، (اموال را) به طور مساوی تقسیم می‌کند و در میان خلق به عدالت رفتار می‌کند.^۳

و همچنین فرمودند: امام مهدی علیه السلام میان مردم به مساوات رفتار می‌کند به گونه‌ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد.^۴

ج) عمران و آبادی:

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام تولید و توزیع به گونه‌ای ساماندهی می‌شود که همه جا به نعمت و آبادانی می‌رسد.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: در تمام زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند جز اینکه آباد می‌گردد.^۵

۱. خصال صدوق، ج ۲، ص ۶۲۶؛ منتخب الاثر، ص ۲۰۳؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۶ و ۳۹۴، باب ۳۴، ج ۶.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۳۷، باب ۱۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵.

۴. بحارالانوار، ص ۳۹۰، ج ۵۱.

۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸ و ۳۹۴.

۳. برنامه‌های اجتماعی

در حکومت عدالت گستر حضرت مهدی علیه السلام برنامه‌هایی بر اساس تعالیم قرآن و عترت علیهم السلام اجرا می‌شود که به سبب اجرای آنها محیط زندگی زمینه‌ای برای رشد و تعالی افراد خواهد بود. در این زمینه روایات فراوانی رسیده است. که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

الف) احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر:

در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده به اجرا گذاشته خواهد شد.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: مهدی علیه السلام و یاران او، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.^۱

ب) مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی:

حضرت مهدی علیه السلام در عمل به مبارزه با فساد و تباهی و زشتی می‌پردازد، چنانچه در دعای شریف ندبه می‌خوانیم: این قاطع حبائل الکذب و الافتراء این طامس آثار الزیغ و الاهواء...؛ کجاست آن که ریسمان‌های دروغ و افتراء را ریشه کن خواهد کرد. کجاست آن که آثار گمراهی و هوا و هوس را نابود خواهد ساخت.^۲

ج) عدالت قضایی:

اوست که قسط و عدل را در سطح جامعه حاکم می‌کند و همه عالم را پر از عدالت و دادگری می‌کند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: وقتی او قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن گردد و آن حضرت ترازوی عدالت را در میان خلق نهد. پس (چنان عدالت را جاری کند که) هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.^۳

مناسب است در پایان به یکی از تحولات چشم‌گیر زمان حضرت مهدی علیه السلام که همانا بهداشت طبیعت و بهداشت روان است به طور گذرا، اشاره کنیم؛ زیرا یکی از مشکلات جامعه پیش از ظهور امام زمان علیه السلام وضع تأسف بار بهداشت طبیعت و روان است که در نتیجه

۱. بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۴۷؛ تفسیر قمی، ذیل آیه «ویامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

۲. دعای ندبه.

۳. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۱؛ کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۵۲۴؛ اعلام‌الوری، ص ۴۳۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

بیماری‌های واگیر و مشکلات روانی زیادی جامعه بشریت را فرا می‌گیرد. بیماری‌هایی مانند جذام، طاعون، وبا، فلج، سکت، سرطان و صدها بیماری خطرناک دیگر. این اوضاع دلخراش و دردناک در اثر آلودگی محیط زیست و در نتیجه به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، اتمی و میکروبی پدید می‌آید.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند خداوند بیماری‌ها را از مؤمنان دور می‌سازد و تندرستی را به آنان باز می‌گرداند.^۱

۳۴. چه تفاوتی بین جامعه جهانی پس از ظهور با پیش از آن وجود دارد؟

درباره شکوفایی و پیشرفت در جامعه پس از ظهور، به صورت عام و کلی به چند گزینه می‌توان اشاره کرد:

۱. اجرای مقررات و دستورهای زیبا و مترقی و انسان‌ساز اسلام با عمل به کتاب خدا و احیای سنت پیامبر و از بین بردن بدعت‌ها؛ امام علی علیه السلام فرمود: آنچه از کتاب و سنت مرده است، زنده می‌کند.^۲

۲. شکوفایی علم و دانش: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دانش، بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف از آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف با حرف‌های دیگر آشنایی ندارند. هنگامی که قائم قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد و بین مردم نشر و گسترش دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه کند و مجموع بیست و هفت حرف را میان مردم گسترش می‌دهد.^۳

۳. پیشرفت و گسترش امور دینی و معنوی که با آموزه‌های مختلفی همراه است:
* آموزش قرآن؛ امام علی علیه السلام فرمود: گویا شیعیانم را می‌بینم که در مسجد کوفه، گرد آمده‌اند و با برپایی چادرهایی، مردم را به همان ترتیبی که قرآن فرود آمده بود، آموزش می‌دهند.^۴

* فراگیری حکمت؛ امام باقر علیه السلام فرمود: در زمان او به شما حکمت داده می‌شود.^۵

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ۳۶۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.

۳. الخرائج، ج ۲، ص ۸۴۱؛ منتخب الانوار، ص ۲۰۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۴. غیبت نعمانی، ص ۳۱۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ۳۶۴.

۵. همان.

* توجه به عبادت؛ امام علی علیه السلام فرمود: مردم در روزگار مهدی علیه السلام به عبادت و دین روی می آورند و نماز را به جماعت برگزار می کنند.^۱

* رشد اخلاق و صفات پسندیده و از بین رفتن رذایل و صفات ناپسند؛

امام علی علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند کینه های بندگان نسبت به هم از دلهایشان زدوده می شود. و در روایتی امام باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و اخلاقشان را به کمال می رساند.^۲

۴. امنیت فراگیر در عرصه های مختلف؛ خداوند می فرماید: «و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً؛ ترس شان را به امنیت و آرامش مبدل می کند.»^۳

امام صادق علیه السلام درباره آیه «سیروا فیها لیلی و ایاماً آمین»^۴ فرمود: همراهی با قائم ما اهل بیت است.^۵

۵. اقتصاد شکوفا و سالم؛ امام صادق علیه السلام فرمود: در دولت مهدی علیه السلام ربا از بین می رود.^۶ و در مورد عمران و آبادی، امام باقر علیه السلام فرمود: در زمان حکومت مهدی علیه السلام در روی زمین، ویرانه های باقی نمی ماند، مگر آنکه آباد می گردد.^۷ محصولات کشاورزی فراوان می شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: رودخانه ها، پر از آب می شود و چشمه سارها به جوشش آمده، لبریز می گردد و زمین چند برابر محصول می دهد.^۸ و دام و گوسفند فراوان می گردد.^۹

۶. سلامتی جسم و روان؛ امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس قائم را درک کند، اگر به بیماری دچار باشد شفا یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند گردد.^{۱۰}

۱. عقد الدرر، ص ۱۵۹.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵؛ الخرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ منتخب الانوار، ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳. نور، آیه ۵۵.

۴. سبأ، آیه ۱۸.

۵. علل الشرایع، ج ۱، ص ۹۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳، ح ۸.

۶. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۷. منتخب الاثر، ص ۶۰۶.

۸. اختصاص، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۹. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

۱۰. الخرائج، ج ۲، ص ۸۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵، ح ۶۸.

رجعت و فرجام جهان

۳۵. منظور از رجعت چیست؟

یکی از باورهای مهم شیعه که در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های فراوانی داشته زنده شدن برخی از مردگان در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. در روایات از این باور با عنوان «رجعت» یاد شده است. واژه «رجعت» در کتاب‌های لغت به معنای «بازگشت» است؛ یعنی، برگشتن به جایی که پیش‌تر در آن جا بوده است.^۱ و معنای اصطلاحی آن عبارت است از: «بازگشت دو گروه از مردگان مؤمنان محض و خالص و کافران محض و خالص به همان صورت‌هایی که در گذشته بودند^۲ به دنیا؛ پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و پیش از قیامت^۳ تا مؤمنان از برپایی حکومت جهانی عدل شاد گردند و کافران از ذلت و حقارت ستمگران متألم شوند».^۴

در سخنان معصومین علیهم السلام تأکید فراوانی بر باور به «رجعت» شده است. از این رو این اعتقاد در میان باورهای پیروان ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: از ما نیست کسی که به بازگشت ما باور نداشته باشد...^۵ و در روایتی دیگر نیز آن حضرت اعتقاد به رجعت را یکی از شرایط ایمان دانسته، فرموده‌اند: هر کس به هفت چیز باورمند باشد از جمله مؤمنان است یکی... و ایمان به رجعت».^۶ از این رو بسیاری از عالمان شیعه، اعتقاد به رجعت را از ضروریات دین و یا مذهب دانسته‌اند. عده‌اندکی نیز که

۱. العین؛ مفردات الفاظ القرآن و..

۲. اوائل المقالات، ص ۷۷.

۳. الايقاظ من الهجعة فی اثبات الرجعة، ص ۲۹.

۴. الرسائل الشریف، ج ۱، ص ۱۲۵؛ عقاید الامامیه، ص ۲۹۴.

۵. «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرْتِنَا...»؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۵۸.

۶. «مَنْ أَقْرَبَ سَبْعَةَ أَشْيَاءَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ بِالْإِيمَانِ بِالرُّجْعَةِ.» وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۴۰.

از ضروریات ندانسته‌اند انکار آن را جایز نشمرده‌اند.^۱

۳۶. دلایل قرآنی و روایی بر رجعت چیست؟

شیعه برای دیدگاه خود هم از قرآن و هم از روایات دلیل‌های فراوانی ارائه نموده است.

اما آیات و روایات مربوط به رجعت به طور عمده به دو دسته تقسیم شده است:

۱. آیات و روایاتی که سخن از وقوع رجعت در امت‌های پیشین دارد.
۲. آیات و روایاتی که دلالت بر وقوع آن در آخر الزمان و هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد.^۲

از روایات نورانی معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود: قرآن به عنوان اساسی‌ترین منبع برای اثبات حقایق دینی، در مسأله رجعت به دو گونه اظهار نظر نموده:

۱. وقوع رجعت میان اقوام و ملل پیشین؛
۲. تحقق رجعت در آخر الزمان و پیش از قیامت.

اما دسته نخست

در این دسته آیات، سخن از کسانی است که از دنیا رفته‌اند و پس از مدتی دوباره زنده شده‌اند. برخی از ایشان بدین قرارند:

۱. هفتاد نفر از یاران موسی علیه السلام

از آیات قرآن به دست می‌آید که در زمان حضرت موسی علیه السلام انبوهی از انسان‌ها پس از مرگ زنده شده و به دنیا برگشتند. خداوند در این باره فرموده است:

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

﴿ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۳ و چون گفتید: ای موسی! تا خدا را

آشکار نبینیم هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. پس در حالی که می‌نگریستید صاعقه

شمارا فرو گرفت پس شمارا پس از مرگتان برانگیختیم باشد که شکرگزاری کنید.

۱. رسالة العقاید الجعفریة، ص ۲۵۰؛ حق الیقین، مقصد نهم؛ الایقاظ من الهجعة فی اثبات الرجعة، ص ۶۷؛ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۶۷۹.

۲. بازگشت به دنیا در پایان تاریخ؛ رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی.

۳. بقره، آیه ۵۵-۵۶.

این آیه در مورد هفتاد نفر از برگزیدگان قوم موسی علیه السلام است که همراه آن حضرت به کوه طور رفتند تا گفت و گوی ایشان را با خداوند را ببینند و گرفتن الواح از جانب خدا را شاهد باشند. وقتی گفت و گوی آن حضرت را با خدا دیدند گفتند: ای موسی ما به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه خداوند را آشکارا ببینیم.

حضرت موسی علیه السلام آنها را از این خواسته بی جا و غیرممکن باز داشت ولی آنها اصرار کردند و سرانجام به صاعقه الهی گرفتار شده و همگی مردند. حضرت موسی علیه السلام از این واقعه ناراحت شد و نسبت به پیامدهای آن در میان بنی اسرائیل نگران بود بنابراین از خداوند خواست که آنها را به زندگی برگرداند. درخواست او پذیرفته شد و مطابق آیه یاد شده خداوند آنها را به زندگی دنیا برگردانید به گونه ای که طبق روایتی از امام علی علیه السلام، این عده به خانه های خود بازگشتند و مدتی زندگی کردند و صاحب فرزند شدند و پس از رسیدن اجلشان از دنیا رفتند.^۱

این آیه به نظر عموم مفسران شیعه و اهل سنت، تصریح در مردن و زنده شدن دارد.^۲

۲. زنده شدن جوان کشته شده بنی اسرائیل

این داستان که به زیبایی تمام در قرآن مورد اشاره قرار گرفته گویای امکان و وقوع زنده شدن مردگان در دنیا است. در این باره در قرآن مجید می خوانیم:

﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ * فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُخَيِّ اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۳؛ و چون شخصی را کشتید و درباره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید، و حال آنکه خدا آن چه را کتمان می کردید، آشکار گردانید. پس فرمودیم: پاره ای از آن [گاو سر بریده را] به آن [مقتول] بزنید [تا زنده شود] این گونه خدا مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما می نمایاند، باشد که بیندیشید.

این آیه نیز همانند آیه پیش از سوی بیشتر مفسران شیعه و اهل سنت، بر وقوع رجعت و بازگشت به دنیا تفسیر شده است.^۴

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۳، ح ۱۲۹.

۲. مجمع البیان، ج ۲۱، ص ۲۵۲؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۶؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۴۰۳؛ مدارک التنزیل، ج ۱، ص ۵۳.

۳. بقره، آیه ۷۲-۷۳.

۴. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۰۴؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۴۶۲؛ تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. هزاران نفر از مردگان

آن گاه که خداوند اراده فرموده تا قدرت بی پایان خود را آشکار سازد در کمترین زمان ممکن هزاران انسان را که در کام مرگ گرفتار شده، بند از بندشان جدا شده بود، را در دم زنده ساخت. آیات قرآن در این باره این گونه سخن به میان آورده است:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾؛^۱ آیا از [حال]

کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ پس خداوند به آنان گفت: تن به مرگ بسپارید. آن گاه آنان را زنده ساخت. آری، خداوند نسبت به مردم، صاحب بخشش است، ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.

افزون بر آیات یاد شده، می‌توان به زنده شدن عزیر نبی پس از یکصد سال^۲ و زنده شدن افراد فراوانی به دست حضرت عیسی بن مریم علیه السلام به اذن خداوند^۳ اشاره کرد. اما این که آیات بالا چه دلالتی بر وقوع رجعت در آخرالزمان دارد؟ بزرگان عالمان شیعه، پس از ذکر آیات یاد شده به روایات فراوانی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله استدلال کرده‌اند، که در آن می‌فرماید: «هر آنچه در امت‌های پیشین رخ داده مو به مو در امت من نیز اتفاق خواهد افتاد».^۴ این مجموعه روایات بیش از آنکه در جوامع روایی شیعه ذکر شده باشد، در کتاب‌های اهل سنت آمده است.^۵ آن گاه نتیجه می‌گیرند طبق این فرمایش پیامبر راستگو، لازم است حادثه‌ای به این بزرگی در امت پیامبر نیز رخ دهد و به طور قطع تاکنون چنین رخدادی با آن بزرگی رخ نداده است. پس در آینده چنین خواهد شد.

دسته دوم آیات مربوط به رجعت در آخرالزمان

شیعه به پیروی از معصومین علیهم السلام برخی از آیات قرآن را به رجعت در زمان ظهور

۱. بقره، آیه ۲۴۳.

۲. همان، آیه ۲۵۹.

۳. آل عمران، آیه ۲۹.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۳، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۹.

۵. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۵۱؛ ج ۴، ص ۴۹۱؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۱۸؛ السنه للمروزی، ج ۱، ص ۱۸۰.

حضرت مهدی علیه السلام تأویل کرده است. از جمله این آیات می توان به موارد ذیل اشاره کرد:^۱

۱. آیه مربوط به خروج «دابة الارض» که می فرماید:

﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا

يُوقِنُونَ﴾؛^۲ و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبنده ای را از زمین برای

آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنان که باید] به نشانه های ما

یقین نداشتند.

بین شیعه و اهل سنت در تفسیر و تأویل این آیه، اختلاف شدیدی وجود دارد؛ در حالی

که اهل سنت دابة الارض را موجودی بسیار شگفت آور و غریب معرفی کرده اند؛^۳ شیعه با

استناد به روایاتی، آن را انسانی والا مقام دانسته اند که زنده خواهد شد و صف کافران را از

مؤمنان جدا می سازد.^۴ این انسان کسی نیست جز نخستین امام شیعیان حضرت علی علیه السلام که

خود فرمود: «وَإِنِّي... الدَّابَّةُ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ».^۵

۲. در آیه ای دیگر آمده است:

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾؛^۶ و آن روز که از هر

امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند، محشور می گردانیم. پس آنان

نگه داشته می شوند تا همه به هم پیوندند.

روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام در ذیل این آیه نیز وارد شده که گویای

بازگشت انسان هایی در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. و این گونه استدلال شده که

در آیه به برانگیخته شدن عده ای محدود اشاره گشته است؛ در حالی که در قیامت

همه انسان ها محشور می شوند. به علاوه سیاق آیات در مقام بیان رخدادهایی است که

در دنیا و پیش از قیامت است و پس از چند آیه، حوادث مربوط به قیامت را بیان

کرده است.^۷

۱. بازگشت به دنیا در پایان تاریخ.

۲. نمل، آیه ۸۲.

۳. تفسیر سمرقندی، ج ۲، ص ۵۰۵؛ درالمشور، ج ۶، ص ۳۸۱؛ الفتوحات الالهیه، ج ۳، ص ۳۲۷.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۹؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۴؛ آمالی طوسی، ص ۲۰۵؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۵۵.

۵. کافی، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۳؛ بصائر الدرجات، ص ۱۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

۶. نمل، آیه ۸۳.

۷. مجمع البیان؛ ج ۸۷، ص ۳۶۶؛ تفسیر العیزان، ج ۱۵، ص ۵۷۰.

افزون بر این آیات، بزرگان شیعه به آیاتی همچون آیه ۱۱ سوره «غافر» نیز برای اثبات رجعت استناد کرده‌اند.

از جمله کسانی که معتقدند روایات رجعت متواتر است، می‌توان به شیخ طوسی،^۱ شیخ صدوق،^۲ علامه مجلسی،^۳ مرحوم مظفر^۴ و علامه طباطبایی اشاره کرد.^۵ امام باقر علیه السلام فرمود: روزهای خدای عزوجل سه تاست: روزی که قائم قیام خواهد کرد، روز رجعت و روز قیامت.^۶

از امام سجّاد علیه السلام نقل شده است که ذیل آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾^۷ فرمود: پیامبرتان و امیر مؤمنان و امامان به سوی شما باز می‌گردند.^۸ افزون بر آیات و روایات، ادعیه و زیارت نامه‌های فراوانی نیز به رجعت اشاره کرده‌اند؛^۹ از جمله: دعای مشهور عهد، دعای روز سوم شعبان،^{۱۰} زیارت جامعه، زیارت اربعین،^{۱۱} برخی زیارت‌های امام حسین علیه السلام؛^{۱۲} و زیارت ابوالفضل علیه السلام.^{۱۳}

۳۷. اعتقاد به رجعت چه فایده‌ای دارد؟

اما این که ما اعتقاد به رجعت داشته باشیم یا نداشته باشیم چه فایده‌ای دارد؟ پاسخ داده می‌شود که بدون تردید، همان گونه که انتظار فرج که نقش مهم و به‌سزایی در پویایی و تحرک جامعه ایفا می‌کند عبادتی بس بزرگ است، اعتقاد به رجعت و بازگشت به دنیا در زمان دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام نیز می‌تواند نقش مهم و به‌سزایی در شادابی دینی و امید به حضور در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام داشته باشد؛ چرا که انسان با دیدن

۱. رساله العقاید الجعفریة، ص ۲۵۰.

۲. النخصال، ص ۱۰۸.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.

۴. عقاید الامامیه، ص ۲۹۷.

۵. تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۷.

۶. النخصال، ج ۱، ص ۱۰۸؛ معانی الاخبار، ص ۳۶۵؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۹۲.

۷. قصص، آیه ۸۵.

۸. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۷.

۹. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵، ح ۱۱۱.

۱۰. مصباح المتهجد، ص ۵۴۳.

۱۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۱۲. مصباح المتهجد، ص ۷۳۰.

۱۳. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۵۹.

افرادی که تمام عمر خود را در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام سپری کرده‌اند و آن گاه بدون درک ظهور از دنیا می‌روند، دچار سرخوردگی شده و حتی در مقام انتظار نیز دچار یأس خواهد شد و اگر بدانند در هنگام ظهور در صورت دارا بودن شرایط ویژه‌ای، امکان بازگشت او به زندگی دنیایی و حضور در محضر واپسین امام علیه السلام را دارد در امیدواری او نقش بسیاری خواهد داشت. افزون بر آنچه یاد شد، از آن جایی که در روایات آمده: یک گروه از رجعت‌کنندگان، کسانی هستند که دارای ایمان خالص هستند؛ شخص علاقه‌مند به درک محضر واپسین حجت الهی، نهایت تلاش خود را به کار خواهد بست تا به درجه‌های بالای ایمان رسیده و در شمار رجعت‌کنندگان باشد و همچنین در روایات فراوانی مداومت بر دعاها و انجام کارهایی جهت بازگشت در هنگام حکومت حضرت مهدی علیه السلام سفارش شده که خود نیز جنبه عبادی داشته و در تکامل روح انسان بسیار مؤثر است.

۳۸. چه کسانی رجعت می‌کنند؟

در میان روایاتی که در باره رجعت‌کنندگان در دست است به طور کلی دو دسته روایت وجود دارد:

دسته نخست

بدون اشاره به اشخاصی خاص رجعت‌کنندگان را منحصر در انسان‌های کاملاً مؤمن و انسان‌هایی کاملاً کافر دانسته است.

۱. در تفسیر قمی می‌نویسد: مفضل از امام صادق علیه السلام درباره آیه «و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می‌گردانیم» نقل کرد که آن حضرت فرمود: هیچ مؤمنی کشته شده نیست مگر اینکه باز می‌گردد تا به مرگ طبیعی از دنیا برود و [البته] بر نمی‌گردد مگر مؤمنان محض و کافران محض.^۱

۲. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: رجعت عمومی نیست و فقط مؤمنان خالص و محض و نیز مشرکان محض به دنیا بر می‌گردند.^۲

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۱.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی درباره رجعت دشمنان اهل بیت علیهم السلام آورده است که حسن بن شاذان واسطی گفت نامه‌ای به ابوالحسن الرضا علیه السلام نوشتم و در آن از جفا و کینه‌توزی دشمنان به آن حضرت شکایت کردم.

آن حضرت به خط شریفشان مرقوم فرمودند: «همانا خداوند تبارک و تعالی از دوستان ما بر صبر و بردباری در دولت باطل پیمان گرفت، پس صبر کن بر خواست الهی، پس آن هنگام که قائم ما بزرگ خلق قیام فرماید آن‌ها [وقتی زنده شده یا عذاب شوند] می‌گویند: «ای وای بر ما، چه کسی ما را از آرامگاه مان برانگیخت؟ این است همان وعده خدای رحمان، و پیامبران راست می‌گفتند.»^۱

مرحوم شیخ مفید با استفاده از روایات چنین می‌گوید: «رجعت در نزد ما مختص به کسانی است که دارای ایمان محض و یا کفر محض هستند و غیر از این دو گروه رجعت نخواهند کرد... پس خداوند به وسیله مؤمنین از آنها انتقام می‌گیرند پس کسی (از پیروان شیطان) باقی نخواهد ماند مگر اینکه مغموم خواهد شد به وسیله عذاب و نعمت و عقاب. و زمین از ستمگران پاک خواهد شد و دین فقط برای خدای متعال خواهد بود. و رجعت همانا برای مؤمنین محض و منافقین محض از مسلمانان خواهد بود و نه از امت‌های پیشین.»^۲

دسته دوم

روایاتی به رجعت افرادی خاص اشاره کرده است:

۱. رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

از امام سجّاد علیه السلام نقل شده که در تفسیر آیه ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ﴾^۳

فرمود: پیامبرتان به سوی شما بر می‌گردد...^۴

۲. رجعت علی علیه السلام و تکرار آن:

در روایات فراوانی وارد شده است که حضرت علی علیه السلام، چندین بار رجعت می‌کند.

امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی چنین فرمود:

۱. یس، آیه ۵۲.

۲. کافی، ج ۸، ص ۲۴۷.

۳. المسائل السرویه (سلسله مؤلفات المفید)، ج ۷، ص ۳۵.

۴. قصص، آیه ۸۵.

۵. «یرجع الیکم نبیکم صلی الله علیه و آله»؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴۷.

... پیامبر اکرم ﷺ به علی علیه السلام فرمود: ای علی! خداوند تو را در آخر الزمان به بهترین صورتی زنده می‌کند، در حالی که ابزاری در دست داری که دشمنانت را با آن نشان می‌گزاری.^۱

در همین باره سخن دیگر از خود آن حضرت است که فرمود:
... و همانا من صاحب بازگشت‌ها و دولت دولت‌ها هستم. و همانا من صاحب عصا و نشانه گزار هستم. و جنبنده‌ای که با مردم سخن می‌گوید...^۲

۳. رجعت معصومین علیهم السلام:

در تعدادی از روایات به رجعت معصومین علیهم السلام اشاره شده است. امام صادق علیه السلام رجعت معصومین را در کلامی کوتاه این گونه می‌فرماید: «لیس منا من لم یؤمن بکرتنا...»^۳؛ از [شیعیان] ما نیست کسی که ایمان به بازگشت ما نداشته باشد...

و همچنین در زیارت شریفه جامعه کبیره می‌خوانیم: «مصدق بر رجعتکم» (من بازگشت شما را تصدیق می‌کنم).

۴. رجعت انبیای پیشین:

عبدالله بن مسکان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: خداوند هیچ پیامبری را از حضرت آدم تا آخر بر نیانگیخت مگر اینکه به دنیا بر می‌گردند و حضرت علی علیه السلام را یاری می‌نمایند.^۴

۵. رجعت برخی از اصحاب پیامبران:

دسته‌ای دیگر از روایات رجعت، برخی پیامبران و یاران ایشان و پیروان آنها را جزو رجعت‌کنندگان شمرده‌اند.

در تفسیر عیاشی به نقل از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:
هرگاه قائم آل محمد علیه السلام به پاخیزد از پشت کعبه بیست و هفت مرد را بیرون می‌آورد، پانزده تن از قوم موسی آنان که به حق داوری کرده و به آن باز می‌گردند، و هفت تن از اصحاب کهف، و یوشع وصی حضرت موسی علیه السلام و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی

۱. الايقاظ من الهجعة فی اثبات الرجعة، ص ۲۷۵، ح ۴۲.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۹۷؛ بصائر الدرجات، ص ۱۹۹؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۴.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲.

۴. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۶؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۵.

و ابودجانه انصاری و مالک اشتر.^۱

ع. زنان رجعت کننده:

اگر چه روایات رجعت عمدتاً اختصاصی به زن یا مرد ندارد و تحت عنوان مؤمن محض و کافر محض آمده است. ولی در روایتی اشاره به رجعت سیزده تن از بانوان شده است^۲ و حتی نام بعضی از ایشان نیز در روایات آمده است: قنوی دختر رشید هجری، سمیه مادر عمار، ام ایمن پرستار پیامبر، حبابه از یاران ائمه و....

۳۹. اولین کسی که رجعت می کند کیست؟

در روایات، امام حسین علیه السلام به عنوان نخستین رجعت کننده معرفی شده است.^۳ در برخی از روایات نقل شده که امام زمان علیه السلام هنگام رحلت سر بر زانوی امام حسین علیه السلام نهاده و جان می دهد و پس از آن امام حسین علیه السلام به کفن و دفن بدن مطهر آن حضرت می پردازد و بر ایشان نماز می خواند و طبق روایات امام حسین علیه السلام سالها پس از حضرت مهدی علیه السلام خلافت و حکومت خواهد کرد و آنقدر پیر و سالخورده خواهد شد که ابروان حضرت بر روی چشمان مبارک خواهد افتاد و آن گاه با مرگ طبیعی از دنیا خواهند رفت.^۴ و یکی از دلایل بازگشت امام حسین علیه السلام به دنیا، گرفتن انتقام توسط آن حضرت از جنایتکاران کربلاست. و نکته جالب اینکه حتی انبیاء گذشته علیهم السلام از این حادثه اطلاع داشته و بعضی از آنها از خداوند بازگشت خود را به خاطر انتقام از قاتلینشان در خواست کردند، همانطور که می دانستند خداوند امام حسین علیه السلام را به دنیا بر می گرداند.

در اینجا روایتی را از کتاب گرانسنگ کامل الزیارات متذکر می شویم:

برید ابن معاویه العجلی نقل کرده از امام صادق علیه السلام پرسیدم: ای پسر رسول خدا خبر دهید به من از اسماعیل که حقتعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده:

«وذكر في الكتاب اسماعيل انه كان صادق الوعد وكان رسول نبيا» آیا مقصود از او اسماعیل

بن ابراهیم است؟ همانا مردم این طور می پندارند که وی اسماعیل بن ابراهیم باشد.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۵.

۲. مهدویت پرشش ها و پاسخ ها، ص ۲۰۷ و چشم اندازی به حکمت امام مهدی علیه السلام به نقل از دلائل الامامه، ص ۲۵۹، اثبات الهدی، ج ۳، ص ۷۵.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

۴. کافی، ج ۸، ص ۲۰۶.

امام علیه السلام فرمودند: این اسماعیل پسر حزقیل پیامبر است که خداوند متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود و آنها وی را تکذیب کرده و پوست صورت و سر او را کسندند، پس خداوند به ایشان غذب نمود و سطاطائیل را که فرشته عذاب است بر او نازل کرد فرشته عرضه داشت ای اسماعیل من سطاطائیل بوده که فرشته عذاب می باشم، پروردگار متعال من را نزد تو فرستاده تا اگر بخواهی قومت را به انواع عذابها معذب نمایم، اسماعیل به او فرمود به این امر نیازی و احتیاجی ندارم، پس حقتعالی (در هنگام شهادت اسماعیل) به او وحی نمود که ای اسماعیل پس حاجت تو چیست؟

عرض کرد پروردگارا! از بندگانت عهد و میثاق گرفتی که تو را رب و پروردگار دانسته و حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر و اوصیاء گرامش را اولیاء خود بدانند و به بهترین مخلوقاتت خبر دادی که امتش با حسین بن علی علیه السلام بعد از پیامبر چه خواهند نمود و به حسین علیه السلام وعده دادی که به دنیا بازگردانیش تا خود از آن قوم جفاکار انتقام بگیرد.

و حاجت من به تو ای پروردگارم آنست که من را نیز به دنیا برگردانی تا انتقام خود را از ظالمین بگیرم، همانطور که حسین بن علی علیه السلام را به دنیا باز می گردانی پس حقتعالی به اسماعیل بن حزقیل وعده داد و او با حسین بن علی علیه السلام به دنیا بازگردد.^۱

۴۰. بعد از امام زمان (عج) تا فرجام عالم، جهان چگونه اداره خواهد شد؟

پیش از آن که درباره فرجام زندگی بر زمین توضیح داده شود، مناسب است به پایان عمر پر خیر و برکت و افسین حجت الهی نیز اشاره ای شود.

درباره چگونگی از دنیا رفتن آن پیشوای معصوم دیدگاه های متفاوتی ذکر شده است. برخی پایان عمر ایشان را با کشته شدن و شهادت دانسته، و برخی دیگر رحلت ایشان را به مرگ طبیعی ذکر کرده اند.

ما در این کتاب از هر دو دیدگاه، روایتی را به خاطر آگاهی خوانندگان عزیز بیان کنیم:

۱. شیخ صدوق به نقل از ابا صلت هرّوی می گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «وَاللَّهِ

مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ»؛^۲ به خدا سوگند نیست از ما مگر کشته شده به شهادت.

۱. کامل الزیارات همراه با ترجمه، ص ۲۰۰.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱۹۲.

وی روایت یادشده را در کتاب من لا یحضره الفقیه^۱ به صورت مرفوعه (بدون ذکر کامل سند) و در دو کتاب امالی^۲ و عیون اخبار الرضا^۳ با ذکر سند آورده است. با توجه به این روایت که به صورت عام شهادت همه ائمه^{علیهم السلام} را اثبات می‌کند توان نتیجه گرفت که وجود مقدس صاحب الزمان^{علیه السلام} نیز به شهادت خواهند رسید.

۲. مرحوم کلینی در کتاب کافی از امام صادق^{علیه السلام} نقل کردند که آن حضرت فرمود: چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل‌ها استقرار یافت مرگ حضرت حجت فرامی‌رسد. پس امام حسین^{علیه السلام} متولی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد.^۴

اگر چه مرگ در روایت بالا شهادت را نیز شامل می‌شود اما احتمال مرگ طبیعی را نیز منتفی نمی‌سازد.

و ما بیش از این در این مورد صحبتی نمی‌کنیم و حقیقت امر را به اهلش وامی‌گذاریم. اما در باره وضعیت جهان پس از حضرت مهدی^{علیه السلام} و جانشینان آن حضرت، باید بگوییم پر خیر بوده و جانشینان آن حضرت، ائمه^{علیهم السلام} هستند که رجعت می‌کنند.

در این مورد ادله فراوانی از آیات و روایات ارائه شده است.^۵ که ما یک دلیل را برای عزیزان خواننده بیان می‌کنیم. این دلیل مبتنی بر مقدماتی است:

۱. آنچه که از روایات به دست می‌آید این است که بعد از شهادت یا رحلت امام زمان^{علیه السلام} بلافاصله قیامت برپا نمی‌شود و زندگی و حیات موجودات ادامه دارد.^۶
۲. بنابر ادله عقلی و نقلی برای بقاء عالم و حیات موجودات وجود امام و حجت ضروری است و هرگز زمین از حجت خالی نخواهد ماند.

امام صادق^{علیه السلام} فرمودند: اگر زمین ساعتی بدون امام باشد، فرو خواهد رفت.^۷

همچنین امام رضا^{علیه السلام} فرموده‌اند: زمین لحظه‌ای هم بدون امام باقی نخواهد ماند و نکته^۸ جالب اینکه امام صادق^{علیه السلام} فرمود:

۱. پیشین.

۲. امالی، ص ۶۳.

۳. عیون اخبار الرضا^{علیهم السلام}، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۹.

۴. کافی، ج ۸، ص ۲۰۷.

۵. بازگشت به دنیا در پایان تاریخ.

۶. مانند روایت حکومت امام حسین^{علیه السلام} و تدفین امام زمان^{علیه السلام} توسط آن حضرت؛ کافی، ج ۸، ص ۲۰۷.

۷. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۱؛ غیبت نعمانی، ص ۱۳۸؛ غیبت طوسی، ص ۲۲۰.

۸. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۲؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۴؛ بصائر الدرجات، ص ۴۸۸.

اگر در زمین تنها دو تن باقی بمانند، یکی از آنها حجت است. یا فرمود: دومی آنها حجت است و تردید از محمد بن سنان (راوی) است.^۱

پس طبق این روایات آخرین انسانی که از این دنیا می‌رود، امام است.

۳. بنا به روایات متواتر از وجود مقدس رسول اکرم ﷺ که در کتب شیعه و سنی آمده است، ائمه بعد از پیامبر اکرم ﷺ منحصرأدوازده نفر می‌باشند، که ایشان حجت‌های خداوند واسطه‌های فیض هستند و امام دیگری اضافه نخواهد شد.^۲

با توجه به این نکات نتیجه می‌گیریم، بعد از امام زمان ﷺ حکومت بر جهان تا نفع صورت اول به دست ائمه ﷺ می‌باشد. که رجعتشان را در فصل گذشته ثابت کردیم.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست هر کجا هست خدایا به سلامت دارش
حافظ

الحمد لله رب العالمین

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. سؤال هفت همین کتاب.

- ۱۳۶ صبح امید
۱۵. البيان في اخبار صاحب الزمان عليه السلام، ابو عبدالله محمد كنجي الشافعي، تحقيق مهدي حمد الفتلاوي، دار المحجة البيضاء، بيروت، ۱۴۲۱ هـ.
۱۶. الخرائج والجرائح، قطب الدين راوندي، سه جلد، موسسه امام مهدي عليه السلام، قم: ۱۴۰۹ هـ. ش.
۱۷. النخصال، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسين قم، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۸. الدعوات، قطب الدين راوندي، مدرسه امام مهدي عج قم، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۱۹. الصراط المستقيم، علي بن يونس نباطي بياضي، كتابخانه حيدريه، نجف، ۱۳۸۴ هـ. ق.
۲۰. الطرائف، سيد بن طاوس، چاپخانه خيام قم، ۱۴۰۰ هـ. ق.
۲۱. العدد القوي، رضى الدين علي بن يوسف حلي، كتابخانه آيت الله مرعشي قم، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۲۲. الغيبه، محمد بن ابراهيم نعماني، مكتبة الصدوق، تهران: ۱۳۹۷ هـ.
۲۳. الفصول العشره، شيخ مفيد، كنگره شيخ مفيد قم، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۴. اللهوف، سيد بن طاوس، انتشارات جهان تهران، ۱۳۴۸ هـ. ش.
۲۵. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد طبري، دارالكتب الاسلاميه قم، ۱۳۷۴ هـ. ق.
۲۶. المفردات في غريب القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهاني، ج دوم، دفتر نشر الكتاب.
۲۷. المناقب آل ابي طالب عليهم السلام، محمد بن شهر آشوب مازندراني، موسسه انتشارات علامه قم، ۱۳۷۹ هـ. ق.
۲۸. الميزان في تفسير القرآن، محمد حسين طباطبائي، بيست جلد، ج يازدهم، دفتر انتشارات اسلامي، قم: ۱۳۶۱ هـ. ش.
۲۹. امام مهدي عليه السلام از ولادت تا ظهور، سيد محمد كاظم قزويني، ترجمه حسين فريدوني، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ هـ. ش.
۳۰. امامت و مهدويت، لطف الله صافي گلپايگاني، انتشارات حضرت معصومه عليها السلام، قم: ۱۳۷۷ هـ. ش.
۳۱. بازگشت به دنيا در پايان تاريخ، خدامراد سليميان، مؤسسه بوستان كتاب قم، قم: ۱۳۸۴ هـ. ش.
۳۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسي، ۱۱۰ جلد، موسسه الوفاء، بيروت: ۱۴۰۴ هـ.
۳۳. بشاره المصطفى، عماد الدين طبري، كتابخانه حيدريه نجف، ۱۳۸۳ هـ. ق.
۳۴. بصائر الدرجات، محمد بن حسن بن فروخ صفار، كتابخانه آيت الله مرعشي قم، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۳۵. پاسخ به شبهات احمد الكاتب، سيد سامي البدری، ترجمه ناصر ربيعي، انتشارات انوار الهدی، قم: ۱۳۸۰ هـ. ش.

۳۶. پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، علی غفار زاده، انتشارات نبوغ، قم: ۱۳۷۵ ه. ش.
۳۷. پیرامون معرفت امام، لطف الله صافی گلپایگانی، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۷۵ ه. ش.
۳۸. تاریخ الغیبه الصفری، سید محمد صدر، ترجمه سید حسن افتخارزاده، نیک معارف، تهران: ۱۳۷۱ ه. ش.
۳۹. تاریخ الغیبه الکبری، سید محمد صدر، مکتبه امیرالمؤمنین، اصفهان: ۱۴۰۲ ه. ش.
۴۰. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، جاسم حسین، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، چ دوم، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۷ ه. ش.
۴۱. تاریخ ما بعد الظهور، سید محمد صدر، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، اصفهان: بی تا.
۴۲. تفسیر العیاشی، محمدبن مسعود عیاشی، منشورات اعلمی، بیروت: ۱۴۱۷ ه. ش.
۴۳. تفسیر امام عسکری علیه السلام، حسن بن علی علیه السلام، مدرسه امام مهدی عج قم، ۱۴۰۹ ه. ق.
۴۴. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ه. ش.
۴۵. تنزیه الانبیاء، سید مرتضی علم الهدی، انتشارات شریف رضی قم، ندارد.
۴۶. چشم به راه مهدی علیه السلام، جمعی از نویسندگان، چ دوم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.
۴۷. حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ناصر مکارم شیرازی، مدرسه امام علی علیه السلام، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.
۴۸. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، چ شانزدهم، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۹ ه. ش.
۴۹. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، چ نوزدهم، شفق، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۵۰. دانشمندان عامه و مهدی موعود علیه السلام، علی دوانی، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۱ ه. ش.
۵۱. در انتظار قنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه و تحقیق، مهدی علیزاده، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم: ۱۳۷۵ ه. ش.
۵۲. در فجر ساحل، محمد حکیمی، چ ۲۱، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۸ ه. ش.
۵۳. در سنامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، قم: ۱۳۸۵ ه. ش.

۵۴. دلائل الامامة، محمد بن جریر بن رستم طبری، دارالذخائر للمطبوعات، قم.
۵۵. راه مهدی علیه السلام، سید رضا صدر، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.
۵۶. رهبری بر فراز قرون، سید محمد باقر صدر، موسسه موعود، تهران: ۱۳۷۹ ه. ش.
۵۷. روض الجنان و روح الجنان، ابوالفتح الرازی، اسلامیه، تهران: ۱۳۴۶ ه.
۵۸. روضة الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، انتشارات رضی، قم.
۵۰. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، سید اسدالله هاشمی شهیدی، چ دوم، پرهیزکار، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.
۶۰. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، دار الفکر، بیروت.
۶۱. سنن الترمذی، محمد بن عیسی الترمذی، پنج جلد، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۶۲. سیره پیشوایان علیهم السلام، مهدی پیشوایی، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم: ۱۳۷۲ ه. ش.
۶۳. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.
۶۴. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، چ سوم، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۶ ه. ش.
۶۵. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن ابی الحدید معتزلی، کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۴ ه. ق.
۶۶. شناخت نامه تفاسیر، سید محمد علی ایازی، کتاب مبین، رشت: ۱۳۷۸ ه. ش.
۶۷. شیعه و رجعت، محمدرضا طبسی، ترجمه محمد میر شاه ولد، انتشارات دارالنشر اسلام.
۶۸. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل البخاری، شش جلد، دار ابن کثیر، بیروت: ۱۴۰۷ ه.
۶۹. صحیح مسلم، قشیری، مسلم بن الحجاج، پنج جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۷۰. ظهور نور، علی سعادت پرور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، احیاء کتاب، تهران: ۱۳۸۰ ه. ش.
۷۱. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، سید اسدالله هاشمی شهیدی، دوم، قم مسجد جمکران، ۱۳۸۱.
۷۲. عصر زندگی، چ ۲۱، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۸ ه. ش.
۷۳. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۷۸ ه. ش.

۷۴. عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی المقدسی الشافعی، انتشارات ناصح، قم: ۱۴۱۶ هـ.
۷۵. علل الشرایع، شیخ صدوق، انتشارات مکتبه الداوری قم، ندارد.
۷۶. عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احسائی، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۷۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ هـ. ق.
۷۸. فرهنگ نامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، قم: ۱۳۸۳ هـ. ش.
۷۹. فروغ ولایت در دعای ندبه، لطف الله صافی گلپایگانی، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۵۷ هـ. ش.
۸۰. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
۸۱. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری قمی، کتابخانه نینوی تهران، ندارد.
۸۲. قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، قم: ۱۳۷۹ هـ. ش.
۸۳. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، هشت جلد، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۵ هـ. ش.
۸۴. کتاب الغیبه، محمد بن الحسن طوسی، موسسه معارف اسلامی، قم: ۱۴۱۱ هـ.
۸۵. کشف الغمه فی معرفة الائمه علیهم السلام، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشمی، تبریز: ۱۳۸۱ هـ.
۸۶. کفایة الاثر، علی بن محمد خزاز قمی، انتشارات بیدار، قم: ۱۴۰۱ هـ.
۸۷. کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق، دو جلد، دارالکتب الاسلامیه، قم: ۱۳۹۵ هـ. ق.
۸۸. کنز العمال، علاء الدین علی المتقی الهندی، شانزده جلد، موسسه الرساله، بیروت: ۱۴۰۹ هـ.
۸۹. کنز الفوائد، ابو الفتح، انتشارات دار الذخائر قم، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۹۰. لغتنامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۳ هـ. ش.
۹۱. مجموعه فرمایشات بقیة الله علیه السلام، محمد خادمی شیرازی، انتشارات رسالت، قم: ۱۳۷۷ هـ. ش.
۹۲. مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی علیه السلام، جمعی از نویسندگان، دبیرخانه اجلاس دو سالانه ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۹۳. مستدرک الوسائل، محمد نوری، موسسه آل البيت لاحیاء التراث قم، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۹۴. مصلح جهانی و مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اهل سنت، سیدهادی خسروشاهی، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات، تهران: ۱۳۷۴ هـ. ش.

۹۵. معانی الاخبار، شیخ صدوق، جامعه مدرسین قم، ۱۳۴۱ ه. ش.
۹۶. معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، علی کورانی و دیگران، موسسه معارف اسلامی، قم: ۱۴۱۱ ه.
۹۷. معرفت امام عصر علیه السلام، بنی هاشمی، سید محمد، نیک معارف، چ ۳، ۱۳۸۳ ه. ش.
۹۸. مکمال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، دو جلد، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ه. ش.
۹۹. مناقب آل ابی طالب، محمد بن شهر آشوب مازندرانی، تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، ۴ جلد، موسسه انتشارات علامه، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۰۰. منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، موسسه سیده المعصومه علیها السلام، قم: ۱۴۱۹ ه.
۱۰۱. منتخب الانوار المضيئه، علی بن عبدالکریم النیلی النجفی، چاپخانه خیام، قم: ۱۴۰۱ ه.
۱۰۲. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات پیام آزادی، تهران: ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۰۳. منیه المرید، شید ثانی، انتشارات دفتر تبلیغات قم، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۰۴. مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، انتشارات مسجد جمکران، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۰۵. موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد جمکران، قم: ۱۳۸۴ ه. ش.
۱۰۶. نهج البلاغه.
۱۰۷. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، موسسه آل البيت لاحیاء التراث قم، ۱۴۰۹ ه. ق.

برگ ثبت نام مسابقه کتاب صبح امید

نام نام خانوادگی نام پدر

جنس: مرد زن سن میزان تحصیلات

شماره تماس نشانی دقیق

جهت شرکت در آزمون، نزدیکترین مکان به محل سکونت خود را با زدن علامت در دایره سمت راست انتخاب کنید. (لطفاً فقط یکی از مکانهای زیر را انتخاب کنید. ضمناً برای حضور در جلسه آزمون کارتی صادر نخواهد شد و نیازی به مدرک شناسایی نیست)

- مصلی نماز جمعه کرج (حوزه مرکزی) مسجد علی بن ابیطالب (ع) ابنیاد
 مصلی نماز جمعه مشکین دشت مسجد جامع حصارک پایین
 مصلی نماز جمعه ماهدشت مسجد جامع حصارک بالا
 مصلی نماز جمعه محمد شهر مسجد حضرت ابوالفضل (ع) شهرک وحدت
 مصلای نماز جمعه فردیس (ویژه خاوران) مسجد جامع المهدی (عج) فلکه ۴ فردیس (ویژه برادران)
 مصلی نماز جمعه نظر آباد مسجد صاحب الزمان (عج) کلاک
 مسجد شهداء اشتهارد مسجد حضرت خاتم الانبیاء (ص) فاز ۳ مارلیک
 مدرسه امامت گرمدره مسجد جامع کمال شهر
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج مسجد امام حسن عسگری (ع) گلشهر
 دانشگاه تربیت معلم حصارک
 مسجد جامع رجایی شهر
 مسجد قمر بنی هاشم (ع) فاز ۴ مهرشهر
 مسجد جامع حسین آباد مهرشهر

این برگه را پس از تکمیل شدن، از روی خطوط نشانگر تا کرده و به صندوق پست بیاندازید

کرج - صندوق پستی ۱۱۲۵-۳۱۵۳۵
کمیته فرهنگی الزهراء (س)



ماری به عشق سرور بیست

خوبه نسیم به آسایش خود از دانه شمشاد ۳۱۰۰ ۱۷ ۳۸۲۰
خودت از حبس خودت برده ایست

از روی خط تا کلید